



پیام فدائی

مرکز برامپریالیسم
وسگهای زنجیرش

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

سال دوم شماره ۱۱

تیر ۶۶

بها ۵۰ ریال

۴۲ صفحه

بحران در تحلیل یا "بحران حکومتی"

خلال مشکلات بسیاری است و با این بیان عبارت میتواند موجودیت رژیم جمهوری اسلامی، تلاشهای این حکومت برای بزرگ مهمیز کشاندن توده های مسلمان کشورهای مختلف، جنگ ایران و عراق و خلاصه بسیاری از مسائل حاد جامعه و جنبش را بررسی و با اصطلاح حل نماید. حتی اخیرا نیز گه افشای رابطه دیرینه فیما بین رژیم جمهوری

"بحران حکومتی اصطلاحی که مدتهاست ورد زبان کومه له و حزب کمونیستش گشته از گونه آن عبارات نمجزه آسانی است که نیروهای مختلف سیاسی ایران اغلب بهنگام سردرگمی ها و در مشکلات ناشی از عدم توانا نشی تحلیل درست اوضاع و احوال بخدمت میگیرند. تا با آن همه چیز را بهمانگونه که منافع اپورتونیستیشان ایجاب میکند توضیح و تشریح نمایند. در نزد کومه له نیز عبارت "بحران حکومتی"

در صفحه ۴

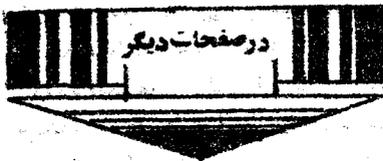


اوج گیری اعتراضات زندانیان سیاسی در سیاهچالهای جمهوری اسلامی

موج جدیدی از اعتراض و اعتصاب، زندانهای رژیم را فرا گرفته است. زندانیان سیاسی این فرزندان دلیر خلقهای ما در سیاهچالهای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در اقصی نقاط ایران در مقابل زورگوشی و تفتیقات و فشارهای گوناگون دژخیمان طبقه حاکمه به اعتراض برخاسته و با مقاومت قهرمانانه خود، تعهد خود را به امر انقلاب بار دیگر آشکار نمودند. و با تشدید مقاومت خود در مقابل اجافات رژیم در زندانها به مقابله با دژخیمان پلیدبرخاستند. روند روبه رشد مقاومت انقلابیون در بند از آنجا که مقاومت زندانیان سیاسی جلوه ای از مقاومت خلقهای ستمدیده ماست بدون شک انعکاسی از رشد ناراضی و اعتراض توده ها و افزایش مقاومت و مبارزه آنهاست. در صفحه ۲

سرکوب، پاسخ جمهوری اسلامی به کارگران

در صفحه ۴۲



گزیده هالی از رادیو صدای چریکها:

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و تحولات جدید در خلیج فارس

دلائل مسخره جمهوری اسلامی در توجیه نصر ۵ و ۴

وزارت آموزش و پرورش یا

وزارت جنگ در صفحه ۲۴

گرامی بساد خاطر شهید ۸ تیر

۱۱

گزارشی از خلاصه اقدامات ۶ چریکان سیاسی

برای پایان دادن به

درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

در صفحه ۱۳

بر علیه جنگ امپریالیستی
بپا خیزید

۲۰

خطاب به رفقاء

۲۲

هوادار

"دهقانان بعنوان متحد

۲۳

طبقه کارگر"

۲۸

اخبار

۴۱

روز شمار تیرماه

شهادت تیرماه

چریکهای فدایی خلق ایران ۴۱

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

اوجگيري اعتراضات زندانيان سياسي در سياهچالهاي

جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

پس از اعتصاب غذای قهرمانان زندانیان سیاسی در شکنجهگاه اوین در پائیز سال گذشته که آنچنان سیمانه مورد پوشش و تحسین رژیم مزدورقرار گرفت و عده‌ای از زندانیان قهرمان زندان اوین، این فرزندان مبارز خلقهای ما به جوخه‌های مرگ سپرده شدند و بدنهای اعدام وحشیانه عده‌ای از زندانیان اوین در اسفندماه گذشته، جمهوری اسلامی در سال ۶۶ بار دیگر با موج جدیدی از اعتراض و مقاومت انقلابیون در بند مواجه گردید. در فروردین ماه سال ۶۶ زندان کامیاران شاهد اعتراض زندانیان سیاسی به زورگوشیهای مزدوران جمهوری اسلامی بود، مبارزهای که در روئید خود توانست بعضی از خواستهای اسرا را به زندانیان تحمیل نماید، و در اردیبهشت ماه زنان انقلابی زندان سیندج بر علیه شوايط بد زندان و وحشیگریهای پاسداران خمینی در زندان به اعتصاب غذا مبادرت نمودند؛ اعتصابی که ۱۵ روز طول کشید و به اعتبار عزم و اراده آهنین شيرزنان زندانی موجب عقب نشینی مسئولین زندان و در نتیجه تخفیف یافتن فشارها گردید. در جریان این اعتصاب قهرمانان، عده‌ای از اعتصابکنندگان به حال اغمساء افتادند و رژیم اجباراً آنها را به بهداری زندان منتقل نمود. مدتی پس از این اعتصاب قهرمانان، مزدوران جمهوری اسلامی که از شکست خود سخت خشمناک بودند تعرض جدیدی را بر علیه این دلوران سازمان داده و برای

نمونه شیرزنان زندانی را پنجاه روز از هواخوری محروم نمودند. در ادامه این موج فزاینده اعتراض و مقاومت، در زندان گهردهشت نیز هنگامیکه مزدوران رژیم در اردیبهشت ماه برای آمارگیری از زندانیان، بیمارانی را که قادر به حضور در صفهای سرشماری نبودند مورد ضرب و شتم قرار دادند؛ این عمل آنچنان خشم و اعتراض سایر زندانیان را برانگیخت که به درگیری وسیعی در زندان گهر دشت منجر گردید که به وحشیانه‌ترین شکلی بوسیله زندانیان پاسخ داده شد، پاسداران جنایتکار با انواع و اقسام وسائل شکنجه به جان انقلابیون در بند افتاده و عده‌ای از فرزندان مبارز خلقهای بنمیدهدمان را مضروب و مدموم ساختند. امری که باعث انزجار و نفرت خانواده‌های زندانیان گردید و به تجمع اعتراضی آنها در مقابل زندان انجامید. در تاریخ دهم همین ماه در زندان کامیاران به علت آغاز ماه رمضان مسئولین زندان موقعیت را برای تعرض به زندانیان سیاسی آماده دیده و از دادن صبحانه و نهار به زندانیان به بهانه اینکه همسه زندانیان باید روزه بگیرند خودداری نمودند و در این جریان بیشرمسی و وقاحت را به آنجا رساندند که حتی آب را به روی زندانیان سیاسی بستند، امری که با اعتراض شدید زندانیان سیاسی مواجه گردید و در تمام این اعتراض، مسئولین زندان برای

تحقیر و اعمال فشار بیشتر قصد کوتاه کردن سبیل زندانیان را نمودند که به درگیری بین مبارزان در بند و زندانیان انجامید که در نتیجه یکی از زندانیان مبارز بوسیله نگهبانان زندان شدیداً مجروح گردید. در اواخر خردادماه قهرمانان در بند زندان دیزل آباد کرمانشاه در اعتراض به برخوردهای توهین آمیز زندانیان که به هربانه‌ای به زندانیان ناسزا گفته و آنها را تحت شکنجه قرار میدادند و مقررات وحشیانه حاکم بر زندان دست به اعتصاب غذا زدند. زندان دیزل آباد یکی از مخوفترین زندانهای جمهوری اسلامی است که مسئولین مزدور آن به انحاء گوناگون زندانیان را تحت فشار قرار میدهند؛ در این زندان زندانیان از ابتدائیترین حقوق خود نیز محروم هستند. برای نمونه قندو چای مورد نیازشان را خانواده‌هایشان باید تامین نمایند و مسئولین جنایتکار زندان حتی استفاده از حمام را نیز برای آنها با مشکل مواجه ساخته‌اند. در پاسخ به اعتصاب غذای زندانیان سیاسی مسئولین زندان سه هفته ملاقات اسرای در بند با خانواده‌هایشان را قطع نمودند تا نشان دهند که از نظر آنها زندانیان سیاسی از هیچ حقی برخوردار نبوده و هرگونه اعتراض و اعتصاب آنها وحشیانه سرکوب خواهد شد. در ادامه این روند اعتراضی زندانیان سیاسی و موج روبه رشد

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی دروخت از انقلاب خلقهای ما که سرنوشته محتوم و راقسم خواهد زد حیوانه به سرکوب لجام گسیخته توده ها متوسل شده است اما موج فزاینده مقاومت و اعتراض در سیاهچالهای رژیم بروشنی نشان میدهد که علیرغم سرکوب و حشیانسه انقلاب و علیرغم تشیبات گوناگون رژیم بر علیه انقلاب، انقلاب همچنان بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به پیش میرود. انقلابی که در مصاف با فداانقلاب حاکم در روند روبه رشد خود باید نه تنها به سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه کل نظام سرمایه داری وابسته بیانجامد.

انقلابی که برپرچم خود شعار آزادی زندانیان سیاسی را حک نموده و وظیفه دفاع از این فرزندان مبارز خلق و رساندن فریاد برخورد آنها را به توده ها با برجستگی هرچه بیشتری در مقابل انقلابیون قرار داده است.



عزم خلقهای ما در نابودی جمهوری اسلامی و آزادی زندانیان سیاسی است. اوچگیری اعتراض و مبارزه زندانیان سیاسی بمثابه جزئی از مبارزه خلقهای ما بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم بروشنی بیانگر رشد روحیه اعتراضی در میان توده ها و نشانه ای از مقاومت قهرمانانه خلقهای ما بر علیه سلطه ددمنشانه امپریالیستهاست. امپریالیستهایی که برای حفظ نظام پیوسیده جهانی خود چه از طریق سرشکن نمودن بحرانهای فزاینده شان بر دوش توده های ستمدیده کشورهای تحت سلطه و از جمله ایران و چه از طریق سازمان دادن جنگ ایران و عراق به انحاء گوناگون بر علیه خلقهای ما توطئه میکنند و برای حفظ سلطه جا برانسه خود ماشین سرکوب جهانی خود را بجان توده ها انداخته و وحشیانه بمبارازات برحق خلقهای ما را سرکوب مینمایند. مبارزه ای که وجود زندانیان مختلف در اقصی نقاط کشور و تعداد بیشمار زندانیان سیاسی بروشنی نشان دهنده ابعاد وسیع و سراسری آن است.

مقاومت در سیاهچالهای جمهوری اسلامی است که زندانیان قهرمان زندان کوهردشت بار دیگر و این بار در تیر ماه در ادامه مبارزات و اعتراضات خود به اعتصاب غذا مبادرت نمودند. زندانیان سیاسی مبارز بنسب ۳ زندان کوهردشت در اعتراض به شرایط زندان و فشارهای گوناگونی که جمهوری اسلامی بر آنها اعمال میکند قهرمانانه بپا خاستند و علیرغم همه شکنجه ها و تهدیدات مسئولین زندان، برای رسیدن به خواستهای خود از خوردن غذا خودداری نمودند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان کوهردشت با توجه به تعرضات وحشیانسه پاسداران رژیم در این مدت به اسرای این زندان و مجروح و مصدوم نمودن عده ای از آنها و شکنجه های وحشیانه شان بیانگر عزم و اراده خلل ناپذیر زندانیان سیاسی برای رسیدن به خواستهایشان میباشد. عزم و اراده خلل ناپذیری که انعکاسی از

خلقهای مبارز ایران!

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان کوهردشت در شرایط شکنجه و خفقان حاکم بر سیاهچالهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بیانگر اراده و عزم خلل ناپذیر خلقی است که در مبارزه خود بر علیه دشمن ددمنش در سخت ترین شرایط نیز حاضر به تسلیم نبوده و تا نابودی سلطه امپریالیسم و سگان زنجیریش و رسیدن به آزادی از پای نخواهد نشست.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

دروود بر مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

۳۰/تیر/۶۶

بحران در تحلیل یا "بحران حکومتی"

از صفحه ۱

حکومتی بورژوازی در کشورهای تحت سلطه - که اساسا بر پایه به فرجام بردن این تحول شکل گرفته بودند، فلسفه وجودی اولیه خود را از دست داده اند و دیگر قادر نیستند مانند گذشته به مسائل اقتصادی - اجتماعی جدیدی که در دوره حاضر در مقابل بورژوازی قرار گرفته است پاسخ دهند؛ بسیار خوب ولی آن مسائل اقتصادی - اجتماعی جدیدی که در دوره حاضر در مقابل بورژوازی قرار گرفته کدا مهسا هستند؟ آن مسائلی که تحول سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه در مقابل حکومتهای بورژوازی مورد نظر گذاشته و آنها ناتوان از پاسخگویی بدانها میباشند؟ بهمین صورت است حکمی که وی در رابطه با ست شدن پای سه سرکردگی یک جانبه امریکادر درون اردوگاه امپریالیستی غرب داده است. ولی حتی با صرف نظر کردن از این حکم و با پذیرش واقعیت تشدید تضادهای امپریالیستی و رقابت در حوزه های نفوذ و کشورهای تحت سلطه، باز این سوال مطرح است که چگونه رقابتهای امپریالیستی در حوزه های نفوذ و در کشورهای تحت سلطه باعث "بحران حکومتی" شده است. در پایمان نویسنده عنوان میکند که "گذشته از این عوامل تاریخی، بحران حکومتی موجود اساسا به دو عاملی تکیه دارد که ریشه در وضعیت حاضر کشورهای تحت سلطه دارند....."

از دست رفتن "دورنمای توسعه اقتصادی" - در اثر بحران اخیر اقتصاد جهانی، و پدید آمدن جریان تازه ای از اعتراض اجتماعی - مبتنی بر

میدانند که باید حکومتهای موجود را حفظ کنند و نه شکل های دیگری را به عنوان بدیل حکومتی که دلخواه او باشد در آستین دارد. اینها احکامی است که نویسنده در مقاله فوق الذکر مطرح ساخته بدون آنکه لازم ببینند حداقل دلایل ممکن را برای چنین احکامی ذکر نماید. نه سقوط شاه و سوموزا، نه باصلاح مرخص شدن یک رشته دیکتاتورهای نظامی در امریکای لاتین و نه برکناری مارکوس و سمیری و نه نمونه های شیلی و پاکستان و کره جنوبی هیچیک و یاد رکیز، نمیتوانند بیانگر بحران حکومتی بورژوازی امپریالیستی باشند. در عین حال که هر یک از این نمونه ها شدت نا شیر گذاری بحران اخیر امپریالیستی را در او جگیری مبارزات توده ای و مقابله امپریالیستی بنا توده ها را در جوامع تحت سلطه نشان میدهند. نویسنده با عنوان "بحران حکومتی" گوئی که حقیقت انکارنا پذیری را بیان کرده است به توضیح "سوابق و زمینه های تاریخی" آن سپردا زد و سعی میکند خواننده را با بحث در این حوزه به پذیرش حکم خویش مجاب نماید. بدون آنکه وی متوجه باشد که اصل مسئله یعنی اثبات "بحران حکومتی" مورد نظر نویسنده بی پاسخ مانده است.

اتفاقا در قسمت سوابق و زمینه های تاریخی "بحران" نیز احکام بدون دلیل و استدلال ارائه شده اند. مثلا در ابتدا گفته شده است که "یک نتیجه پایان یافتن تحول سرمایه داری در این کشورها [کشورهای تحت سلطه] این بوده است که عمده جریانهای

اسلامی با امپریالیستهای امریکائی واز برده بیرون افتادن مسائل مربوط به این رابطه، فاکتهای هر چه بیشتری را در وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها بدست داد، این سازمان بدون آنکه متوجه باشد همین امر تحلیلهای خود او را بر پایه تز جادوشی "بحران حکومتی" بزیروسوال برده است، همچنان با همین عبارت به توضیح و یادقیقتر است بگوئیم به توجیه واقعیت رابطه رژیم جمهوری اسلامی با امریکا پرداخته است. بنا بر این قبل از ورود به هریحی بنا کومله و حزب کمونیستش در رابطه با مسائل فوق لازمست مفهوم عبارت "بحران حکومتی" را در نزد وی هر چه بیشتر روشن نمائیم. مقاله "وضعیت سیاسی حاضر پان اسلامیسیم و جنگ" مندرجه در شماره ۲۸ "کمونیست" بخصوص به این مسئله پرداخته است که در اینجا مورد استفاده ما قرار دارد.

از نظر نویسنده مقاله فوق "سقوط شاه و سوموزا" در سال ۷۹ شکل گیری یک بحران حکومتی را آشکار ساخت و به دنبال آن "مرخص شدن یک رشته دیکتاتورهای نظامی در امریکای لاتین مانند آرژانتین و برزیل، برکناری مارکوس در فیلیپین و سمیری در سودان، بالاخره نمونه های شیلی، کره جنوبی، پاکستان و آفریقای جنوبی دامنه و تداوم این بحران حکومتی را بعنوان یک روند عمومی آشکار کرده اند" و خلاصه آنکه "بورژوازی امپریالیستی"، "چه در حفظ حکومتهای موجود و چه در یافتن اشکال بدیل حکومتی" دچار "سردرگمی" است. و وضعیت چنان است که این بورژوازی

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسیم نیست

شکل گرفتن طبقه کارگر بعنوان طبقه اصلی استثمار کننده در این کشورها... که بار هم مشخص نشده است و فوق الذکر چرا باید موجب بحران حکومتی برای امپریالیستها گردد.

تا آنجا که به ایران مربوط میشود واقعیت این است که تغییر ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران و ادغام شدن در اقتصاد جهانی اگر آن را به مفهوم پروسه به تحلیل رفتن اقتصاد ایران در بطن اقتصاد جهانی امپریالیسم در نظر بگیریم، امر جدیدی نیست که حتی با "اصلاحات" شاهانه وجود آمده باشد که بتوان نتیجه گرفت رژیم شاه با به فرجام رسیدن آن "تحول" دیگر فلسفه وجودی خود را از دست داده بود و گویا دیگر قادر نبود پاسخگویی مسائل اقتصادی - اجتماعی جدید و بالطبع نیازهای جدید امپریالیستی باشد. رژیم شاه بعنوان رژیم وابسته به امپریالیسم و حافظ نظام سرمایه داری وابسته در ایران چه از نظر شکل و چه به لحاظ ساختار دستگاه حکومتی برای تأمین منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته چیزی کم نداشت و امپریالیستها هرگز به دلخواه به سقوط این رژیم تن ندادند.

بدون شک تشدید بحرانهای امپریالیستی و تأثیر حاد و بلاواسطه آن در اقتصاد ایران درست بدلیل وابستگی تمام و کمال این اقتصاد به اقتصاد جهانی امپریالیسم، در سقوط شاه تأثیر بسزائی داشته است ولی بدین نحو که بحران شدت و حدت خاصی به مبارزات توده های بخشید و امپریالیستها درست بدلیل وحشت از او جبری و تعمیق هر چه بیشتر جنبش توده های در شرایطی که یک سازمان کمونیستی و محبوب توده ها (سازمان چریکهای فدائی خلق) در جامعه

این که سازمان چریکهای فدائی خلق از درون آماج حملات اپورتونیستی قرار گرفته و حتی دشمن در قالب عناصر توده ای در آن بتدریج نفوذ میکرد، تغییر در این بحث نمیدهد.

حضور خود را نشان داده بود مجبور شدند دست حمایت خود را از پشت شاه بردارند. امپریالیستها در مقابل جنبش توده ای بطور تاکتیکی عقب نشینند تا با استقرار رژیم وابسته دیگری و آرایش مهره های جدیدی همان دستگاهی را به گردش در آورند که روزی بدست شاه میچرخید. "بی افقی"، "ورشکستگی" و "عدم کفایت" "جریانات حکومتی بورژوازی" در کشور تحت سلطه ایران نه تنها هیچ "بحران" حکومتی برای بورژوازی امپریالیستی" بیارنیاورد - به مفهومی که مورد نظر کومه له است - بلکه امپریالیستها با تعویض مهره ها و فریب توده ها موقتاً و برای مدتی خود را از برخی بی آمدهای بحران شدیدی که در میان آن دست و پا میزنند، در یکی از پراهمیت ترین کشورهای خاورمیانه رها کردند. امپریالیسم شاه را فدا کرد تا با استقرار یک زنجیری جدیدی منافع غارتگرانه خود را در ایران حفظ نماید. چرا که امپریالیستها در کشورهای تحت سلطه هرگز سرنوشت خود را با سرنوشت سگان زنجیرشان پیوند نمیزنند. او تاکتیکی را برگزید که تضمین کننده منافع استراتژیک او بود و این البته خلاف آن نظر نویسنده مقاله فوق الذکر است که میگوید: "بورژوازی امپریالیستی" در برابر "بحران حکومتی"، "جز" برخوردهای واکنشی و روی آوردن به تاکتیکهای فاقدمبنای استراتژیک راهی در مقابل خود نمیابد.

* - نویسنده نشریه "کمونیست" بیان این مطلب که جمهوری اسلامی ناظر بر نظم تولید و شرایط عادی انباشت سرمایه نمیشد، عملاً بحرانهای نظام سرمایه داری، هرج و مرج و رکود ذاتی این شیوه تولید را امری غیر عادی تلقی نموده و نظام سرمایه داری را به این وسیله تطهیر میکند. در حالیکه در واقعیت بحرانهای صنعتی و دوره های کم و بیش طولانی رکود صنعتی که متعاقب آن فرامیرسد نتیجه گریزناپذیر شیوه تولید سرمایه داری است. بنابراین در نظام سرمایه داری

بنابراین نمونه ایران که برای سنجش صحت و سقم ادعای نویسنده در رابطه با کشورهای امریکای لاتین و افریقا و آسیا میتواند دقیقترین نمونه باشد، بهیچوجه بیانگر "سردرگمی بورژوازی امپریالیستی" و مواجه او با "بحران حکومتی" نبوده و نیست.

نویسنده اگر همانطور که دیدیم در صدور حکم فوق فاقد هرگونه دلیل و استدلالی است، در نتیجه گیری آخر و مطالبی را عنوان میکند که بیش از هر مطلبی منظور و نقطه نظر او را از عبارت "بحران حکومتی" آشکار میسازد و معلوم میشود که تحلیل نادرست و غیرعلمی او از رژیم جمهوری اسلامی محدود - نگری وی باعث آن شده که به حدنیاز از همان دریچه تنگی بنگرد که به رژیم جمهوری اسلامی مینگرد. از نظر او رژیم جمهوری اسلامی از جمله آن "حکومت های بورژوازی" است که "با استقلال عملی نسبت به بورژوازی امپریالیستی برای دوره حاضر نیابت دفاع از منافع او را برعهده میگیرند" از جمله "حکومت های بورژوازی" که "بیش از آنکه ناظر بر نظم تولید و شرایط عادی * انباشت سرمایه باشند، پاسخهای عاجلی در برابر بحران موجود بشمار میروند" (تاکید از ماست) بلکه کینه مطلب و اس و اساس آن با اصطلاح بحران حکومتی در هم آمیخته است. در واقع این "بحران حکومتی" نیست بلکه بحران عجز از تحلیل و

همانقدر "نظم تولید" و پروسه "انباشت سرمایه" را بقول نویسنده با اصطلاح کمونیست میتوان عیبی قلمداد نمود که "بحران" و "رکود" را. در نتیجه کسانی که با ادعای مارکسیسم انقلابی میکوشند تا بحران و رکود در نظام سرمایه داری و در پروسه انباشت سرمایه در این نظام را بمثابه اموری غیر عادی برای کارگران توضیح دهند، در واقعیت همان کاری را میکنند که مبلطین نظام سرمایه داری هرروزه به آن مشغولند.

سطحی حکومت جمهوری اسلامی را از نوع حکومت ناپلئون رقم میزد (۱۱) سردرگمی در شناخت ماهیت رژیم جمهوری اسلامی البته به شرایط پیشین محدود نمائند و هنوز هم علیرغم آشکار شدن حقایق بسیاری در مورد این رژیم به حیات خود، هر چند گاه در قالبهای جدید، در میان نیروهای سیاسی ایران (۱۲) ادامه میدهد و تعجب آور هم نیست. پیش از این در رابطه با ماهیت رژیم شاه نیز

دهها تعریف از خمال "دوبله" و متزلزل و دوگانه "خرده بورژوازی که کویا رژیم حاکم نمایندگی بسود بمیان آمد، دوجناح بندی یکی بسا اعمال خیر و دیگری با اعمال شر در حکومت تشخیص داده شد. زیربنای وابسته و روینا غیر وابسته اعلام شد. نظام سرمایه داری وابسته، ولی حاکمان این نظام ملی و مستقل جازده شدند، و بالاخره پای نوع حکومت ناپلئونی بمیان آمد و در این مورد بسته به درکی که هرکس از این نوع حکومت داشت و در واقع بایک مقایسه

شناخت حکومتهاست که در شرایط بحران شدید امپریالیستی عهده دار دفاع از منافع امپریالیستی هستند و بالطبع با توجه به مسائل خاص ناشی از شرایط بحرانی و وظایفی که در رابطه با این شرایط عهده دارند، اعمالشان ظاهرا متفاوت از اعمال حکومتهای وابسته نظیر خود در شرایط غیر بحرانی میباشد. حال بگذارید ابتدا نویسنده را از پیرواز برفراز آسمانهای امریکای لاتین و افریقا و غیره بروی زمین ایران بنشانیم تا ببینیم، سرچشمه "بحران حکومتی" نویسنده در کجا قرار دارد و سابقه تاریخی آن چیست.

است که بمثابه یک "سازمان جنگ داخلی" نبوده و عمل نکرده است و آیا اگر دولت بقول نویسنده تنها "سازمان نظم جامعه" باشد تغییر در ماهیت سرکوبگرانه اش بمثابه "آلت استثمار طبقه ممتکش" بوجود میآید؟ در نتیجه جدا نمودن این وظایف دولت از یکدیگر چه مفهومی دارد؟ آیا تجربه ۸ سال حکومت جمهوری اسلامی بروشنی نشان نداده است که این دولت در حالیکه

(۱۳) - ما تعجب نخواهیم کرد وقتی از کومه بیرسیم این چگونه ممکن است که در ایران تحت سلطه امپریالیسم و با نظام سرمایه داری وابسته حکومتی بر سر کار باشد که بزعم آنها "بیانگر هیچگونه منافع اقتصادی معین در میان لایحه های بورژوازی نیست" (رجوع کنید به مقاله وضعیت سیاسی حاضر ۱۰۰) ما را به تجربه تاریخی ناپلئون رجوع دهد.

همانطور که میدانیم شعبده بازنه های امپریالیستی که پس از پیرو کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به منظور فریب نوده ها و در عین حال تحکیم رژیم بوجود آمد، سردرگمی شدیدی را در بین اغلب نیروهای سیاسی ایران در تحلیلی اوضاع و احوال و شناخت ماهیت رژیم جمهوری اسلامی دامن زد و باعث سازشکاریهای از طرف این نیروها گشت که نتایج بسیار وخیمی در جنبش خلق ما به بار آورد. آنها این موضوع را که اقتصاد ایران، اقتصادی وابسته به امپریالیسم است را نمیتوانستند انکار کنند و همچنین به نفوذ امپریالیسم در تمام شئون جامعه ماکم و بیش آگاهی داشتند و البته این امری غیر قابل انکار بود. ولی در حالیکه از یک طرف شاهد دفاع عملی سردمداران جدید از نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران و مقابله آنها - در همان آغاز و حتی بشکل مسلحانه - با هر نیروی اجتماعی بودند که به مبارزه جدی بر علیه نظام برخاسته بود، از طرف دیگر تبلیغات پرسروصدائی را مبنی بر ضد امپریالیسم آزادخواه بودن و غیره از آنها می شنیدند اقدامات ظاهرا مترقی و ظاهرا فدا امپریالیستی راهم - کسسه جریان تسخیر سفارت امریکای برجسته ترین آنها بود - مشاهده میکردند. این اوضاع همانطور که گفته شد باعث تشدید سردرگمی در شناخت ماهیت رژیم جمهوری اسلامی برای این نیروها گشت و در این رابطه بود که

در جهت منافع سرمایه داران وابسته در سرکوب کارگران از هیچ جنابیتی دریغ نوزیده در همان حال به "اداره امور عادی کشور" که البته سرکوب توده ها نیز جز جدائی ناپذیر آن است هم بخوبی پرداخته و شرایط استثمار کارگران را برای سرمایه داران وابسته مهیا ساخته است؟ در ضمن کارگران آگاه باید از نویسنده با اصطلاح کمونیست ما بیروند که مگر دولت شاهنشاهی که از قرار معلوم "نیازهای اقتصاد و هدایت نظم تولید" را لگد مال نمیکرد خود یک "سازمان جنگ داخلی" نبود؟

(۱۴) - نویسنده با اصطلاح کمونیست مقاله فوق الذکر در رابطه با رژیم ددمنش جمهوری اسلامی میگوید، دولت کنونی ایران "سیاستهایش را بجای جوا بگوئی به نیازهای اقتصاد و هدایت نظم تولید یا لگدمال کردن اقتصاد تنظیم میکند" و ادامه میدهد "دولت برای سرکوب انقلاب از حالت ظاهری "سازمان نظم جامعه" درآمده و به یک "سازمان جنگ داخلی" تغییر نموده است و نتیجه میگیرد که "اداره امور عادی کشور باید در دستور قرار گیرد، و در یک کلام دولت مجددا حالت "سازمان نظم" جامعه را باز یابد" این سخنان اولاً بیانگر برداشت غیر واقعی نویسنده از شرایط جامعه ایران و درک غیر مارکسیستی اش از مقوله دولت بوده و در ثانی نشان دهنده کوشش منادیان "کمونیسم کارگری" در تطهیر نظام کنسیده سرمایه داری وابسته در ایران میباشد.

ثانیاً: نویسنده با تبلیغ این نظرات انحرافی میکوشد تا بسا کارگران القاء نماید که آنچه در ۸ سال اخیر بر سرشان آمده، نه حاصل نظام پوسیده سرمایه داری وابسته و دولت حامی او که نتیجه سلطه دولتی است که از قرار "شیوه های ماوراء قانون" پیشه نموده و به اعتبار "مجموعه ایدئولوژی، سیاستها، شیوه ها و نهادهای خاص حکومتی اش در تناقض نهادها و با واقعیتها در تضاد است

کارگران آگاه باید از نویسنده فوق سوال کنند که اولاً کدام دولت بورژوازی در طول تاریخ وجود داشته

گاه تحلیل‌های ارائه می‌شد که با وجود رسوایی کامل شاه بعنوان نوک سرسپرده امپریالیسم او را بنوعی مستقل جلوه میداد. در تحلیل‌های مذکور با پیش کشیدن سوابق و زمینه‌های بااصطلاح تاریخی و غیرتاریخی و ذکر دلایلی از جمله تشدید تفادهای امپریالیستی و ضرورت مقابله با شوروی، به شاه قدرت مانور در مقابل جناح‌های مختلف امپریالیستی داده می‌شد. قدرت مانور در میان قدرتهای مختلف امپریالیستی در حالیکه هر یک از آنها هم نیازمند وجود شاه بودند، باعث شده بود که شاه دیگر به هیچیک از امپریالیستها وابسته نباشد و نه فقط قدرتی مستقل از امپریالیستها کرده بلکه بدلیل قرار گرفتن در آن با اصطلاح موقعیت مناسب تفوقی هم بر آنها داشته باشد. در این تحلیلها شاه هر طور که میخواست با امپریالیستها رفتار مینمود و آنها را بازی میداد. (۸)

ولی این تحلیلها در آن موقع عمیر چندانی نیافتند. "قدر قدرتی" شاه در مقابل قدرت لایزال توده‌ها خیلی زود دروغین بودن خود را آشکار ساخت و امپریالیستها شاه را با همه خمالی که به او داده شده بود با آن قدرت مانور گذاشتی بند بازناش در میان قدرتهای امپریالیستی و با اصطلاح استقلال عملیش از امپریالیستها و خلاصه با همه آن کتیکه و دیدبانش همچون موش مرده‌ای به بیرون پرتاب کردند و این حقیقت یکبار دیگر بوضوح آشکار

بقیه پا ورقی از صفحه قبل

با بورژوازی نیز میباشد. در نتیجه امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن بحثابه عامل اصلی فقر و فلاکت و ادبار کارگران به کنار رفته و همه "شر" به "مشتی آخوند" و دولت مذهبی آنها نسبت داده میشود. آیا بهتر از این هم میشود از بورژوازی وابسته دفاع نمود کاری که "کمونیسم کارگری" "حزب کمونیست" کومه به آن مبادرت نموده است؟

(۸) - این ایده در آثار رفیق جزئی مطرح شده است.

گشت که فلاحه سگ در دست ارباب بود. در هر حال وقتی نویسنده مقاله "وضعیت سیاسی حاضر و...". بمسا میگوید که رژیم جمهوری اسلامی از جمله آن "حکومت‌های بورژوازی" است که "با استقلال عملی نسبت به بورژوازی امپریالیستی برای دوره حاضر نیابت دفاع از منافع او را برعهده" دارد، ما این رایسه حساب کشف جدیدی از جانب وی نمی گذاریم و با در نظر گرفتن سابقه اینگونه تحلیل‌های سردرگم از او میبرسیم مگر نه این است که امپریالیسم در تاروپود جامعه مانفوذ دارد و "بورژوازی امپریالیستی" نقش مسلط را در اقتصاد جامعه ما دارا میباشد و رژیم موجود هر چه میکند در جهت تثبیت این موقعیت و در جهت منافع این قدرت جهانی است، پس در چنین شرایطی این چگونه ممکن شده است که قدرت سیاسی بدست کسانی بیافتد که نماینده این بورژوازی نیستند بلکه با استقلال عملی نسبت به آن با اصطلاح "نیابت" دفاع از منافع او را برعهده دارند. تازه وقتی "نویسنده" این را میپذیرد که جمهوری اسلامی در هر حال از منافع بورژوازی امپریالیستی در ایران دفاع میکند و جاشیکه اقتصاد ایران را در اقتصاد جهانی امپریالیسم ادغام شده میداند باید بپذیرد که جمهوری اسلامی نمیتواند از منافع بورژوازی امپریالیستی در ایران دفاع کند بدون اینکه از اقتصاد متعلق به این بورژوازی دفاع کرده باشد و مگر آنکه بیانگر منافع اقتصادی این بورژوازی باشد. آیا جمهوری اسلامی در واقعیت امراز نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران دفاع و حراست نمینماید و آیا این نظام همان نظامی نیست که منافع "بورژوازی امپریالیستی" و در آن منافع اقتصادی او را تامین مینماید؟ ولی اگر موجودیت یک حکومت در دفاع او از منافع طبقه یا طبقاتی در مقابل طبقات دیگر جامعه مفهوم دارد و این نیز تبلور خود را اساسا در دفاع آن حکومت از اقتصاد و نظام اقتصادی - اجتماعی متعلق به آن طبقه یا طبقات مینماید. پس جاشیکه بنا به اعتراف

خود "نویسنده" اقتصاد ایران ادغام شده در اقتصاد جهانی امپریالیستی است و جمهوری اسلامی نیز به حراست و دفاع از نظام اقتصادی - اجتماعی ناشی از آن مشغول است، چرا او را نماینده امپریالیسم ندانیم و صرفا "نیابت دفاع از منافع بورژوازی امپریالیستی" را برای وی قائل شویم و او را با "استقلال عملی نسبت به بورژوازی امپریالیستی" تلقی نمائیم؟ براساس پایه آن استقلال عملی رژیم در مقابل "بورژوازی امپریالیستی" در کجاست و نموده‌های این استقلال در کجاها خود را نشان میدهند؟

واقعیت این است که نه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و نه هیچیک از رژیمهای وابسته جدیداً بروی کار آمده از امریکای لاتین تا افریقا و آسیا دارای هیچگونه استقلال عملی در مقابل امپریالیستها نیستند. آنها سگان زنجیری هستند که در شرایط دشوار و بحرانی که امروز امپریالیسم در سطح جهان با آن دست به گریبان است بتمام و کمال به دفاع و حراست از منافع او مشغولند. آنچه باعث شده است که نویسنده برای این رژیمهای دست نشانده امپریالیستها استقلال عملی از امپریالیسم قائل شود و آنگاه به "بحران حکومتی" "بورژوازی امپریالیستی" در ذهن خود واقعیت بخشد، عدم درک ملزومات آن شرایط بحرانی است که مدت‌هاست جهان سرمایه‌داری را در بر گرفته است. نویسنده اگرچه در مقاله خود به این بحران اشاره میکند و از تاثیرات آن بعنوان "از دست رفتن دورنمای توسعه اقتصادی" سخن میگوید ولی قادر نیست مور و جنبه‌های مختلف تاثیرات این بحران را در شرایط جوامع تحت سلطه و از جمله در ایران بحساب آورد. تصور او از یک رژیم دست نشانده امپریالیسم فاقد هرگونه استقلال عملی نسبت به آن در این محدوده دور میزند که رژیم مزبور "ناظر بر نظم تولید و شرایط عادی انباشت سرمایه" (تاکید از ماست) باشد. او نمیتواند درک کند

که وقتی تولید و انباشت سرمایه ، خود نظم و شرایط پیشین را ندارند ، توقع ناظر بودن بر "نظم تولید و شرایط عادی انباشت سرمایه" (تاکید از ماست) از وابسته ترین حکومتها نیز توقعی نابخاست و ناجا تر از آن هم این است که کسی بدون توجه به شرایط بحران امپریالیستی مختل شدن نظم تولید و انباشت سرمایه را ناشی از آن حکومتی بداند که در یک جامعه تحت سلطه آنها با وابستگی تمام و کمال به اقتصاد جهانی امپریالیستی به حکومت مشغولست و آنگاه نتیجه بگیرد که این حکومت دارای "استقلال عملی نسبت به بورژوازی امپریالیستی" است و فقط نیابت دفاع از منافع اورا به عهده دارد . (از قرار در این رابطه است که نویسنده چنان احکامی را در رابطه با رژیم جمهوری اسلامی مطرح میکند) در حالیکه در اینجا اتفاقاً آن حکومتها تماماً وابسته ای مطرح هستند که در یک شرایط بحرانی ، در شرایطی که تولید نظم سابق خود را ندارد و جهان سرمایه داری اساساً در وضع "غیر عادی" (با توجه به توضیحاتی که دادیم ، اگر بشود وضعیت بحرانی امپریالیسم را وضع غیر عادی نامید) به سر میبرد ، وظیفه دفاع (نه نیابت دفاع) از منافع امپریالیستی را به عهده دارند . اگر امروز صحبت "الگوهای صنعت غرب" و "تمدن بزرگ" در میان نیست و بجای آن از صرفه جویی و از مضرات مصرف کالا و غیره صحبت میشود ، اگر دیروز از بکار افتادن این یا آن یکی کارخانه و از سرمایه گذاری در این یا آن یکی کارخانه و از سرمایه گذاری در این یا آن رشته خیر داده میشد امروز خیرها بر روی تعطیل کارخانه ها و موسسات تولیدی ، ورشکستگی آنها و بالطبع اخراج کارگران متمرکز گشته ، اینها همه از نتایج بحران شدید امپریالیستی است . شرایط کنونی حاکم بر ایران چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی و سیاسی جز در پرتو بررسی بحران امپریالیستی و در نظر گرفتن تاثیرات آن در جامعه تحت سلطه و وابسته ما قابل درک

نیست . رژیم جمهوری اسلامی اگر در شرایطی به قدرت رسیده است که فرضاً نمیتواند "ناظر بر نظم تولید و شرایط عادی انباشت سرمایه" (تاکید از ماست) باشد ، در عوض با تمام وجود و به صورت مختلف در تامین شرایط لازم برای این امر میکوشد . و توجیها تایدنولوژیکی این رژیم نیز در شرایط بحرانی فعلی بهترین زمینه را برای این منظور بوجود میآورد از این رو کسانی که برای رژیم جمهوری اسلامی استقلال عملی نسبت به بورژوازی امپریالیستی قائلند و تصور میکنند که امپریالیسم بخاطر "سردرگمی چه در حفظ [این حکومت] و چه دریافتن اشکال تبدیل حکومتی" و گرفتار بودن در یک بحران حکومتی از روی ناچاری وجود رژیم جمهوری اسلامی را تحمل میکنند ، حقایق را بطور وارونه میبینند و در کمراهی بسر میبرند . چرا که در شرایط بحرانی نا تنها که مسئله دفاع از منافع امپریالیستی مطرح است آنها در کشوری با اهمیت بسیار برای امپریالیسم ، ضرورت حکومتی تماماً وابسته هر چه بیشتر برجسته میگردد . و رژیم جمهوری اسلامی در عمل ثابت کرده است که جز به تامین منافع امپریالیستی و حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران به هیچ چیز دیگر پایبند نیست . نتیجه ای که از این بحث عاید میشود آن است که اگر مبنای قضاوت مبنی بر دچار بودن امپریالیسم در "بحران حکومتی" نمونه ایران است . این نمونه کذب ادعای نویسنده "راشان میدهد و واقعیت این است که امپریالیسم بدون آنکه دچار بحران حکومتی باشد ، حکومتها مناسب وابسته به خود را برای تامین منافعش در شرایط بحرانی بر سر کار میگذارد و اینکه او در شرایط بحرانی با معطلات و دشواریهای زیادی مواجه است و اینکه در مقابل رشد جنبشهای قدامپریالیستی بخصوص با توجه به ایفای نقش هر چه فعال تر و گسترده تر طبقه کارگر در این جنبشها ، پایه های سلطه تنگنیش به لرزه درآمده و اودر هر جامعه ای بسته به اوضاع و احوال و شرایط موجود برای نجات خویش به راه حل خاصی متوسل میشود و

برای این منظور بطور عموم و در سطحی وسیع مذهب را به خدمت گرفته و با خرافات مذهبی به توجیه شرایط دهشتناک ناشی از بحران امپریالیستی میپردازد ، هیچیک دلیل بر آن نیست که امپریالیسم در یک بحران حکومتی به سر میبرد . و بعلت سردرگمی وی گویا حکومتها بی به وی تحمیل شده است که او نه میتواند آنها را قدرت دهنده به بیرون پرت نماید .

جمع بندی کنیم . نویسنده مقاله "وضعیت سیاسی حاضر ، پان اسلامیم و جنگ" در حالیکه کارا از بحران حکومتی بورژوازی امپریالیستی سخن میگوید ، دلیلی برای آن ذکر نمیکنند جز آنکه بوجود حکومتها در حال حاضر در کشورهای تحت سلطه معتقد است که "بیش از آنکه ناظر بر نظم تولید در شرایط عادی انباشت سرمایه باشند پاسخ های عاجلی در برابر بحران موجود بشمار میروند" این تلقی جدا از درک غیر واقعی نویسنده ناشی از برداشتی است که وی از رژیم جمهوری اسلامی بدست دارد که او را رژیم مستقل از امپریالیسم که "نیانگردد هیچگونه منافع اقتصادی معین در میان نویسنده بدون آنکه قادر باشد خدمت بزرگ رژیم جمهوری اسلامی را به امپریالیسم در حفاظت تمام و کمال منافع امپریالیسم و بورژوازی وابسته در شرایط بحرانی کنونی درک نماید ، تصور میکند که امپریالیسم بدلیل شرایط خاصی وجود او را تحمل میکند . چرا که در حال حاضر گرفتار آنچنان سردرگمی است که توانائی یافتن بدیلها ی حکومتی دلخواه خویش را ندارد . مجموعه این مسائل از نظر نویسنده باعث "بحران حکومتی بورژوازی امپریالیستی" شده است . بحرانی که فقط در ذهن خود او واقعیت دارد .



سرکوب پاسخ جمهوری اسلامی ۵۵۵

از صفحه ۴۲

ضدکارگری رژیمی که در تبلیغات عوامفریبانه اش دم از حمایت از مستضعفان میزند را بار دیگر آشکار میسازد و در همان حال بیانگر روش اعتراضات کارگری و اعتصابات کارگران برای رسیدن به خواستههایشان میباشد.

جمهوری اسلامی نه تنها هیچ جقی برای اعتراض و اعتصاب کارگران قائل نیست بلکه وقتی جان دم از سرکوب هراعتصابی زده و از طریق مزدورانی همچون مهدوی کنی باری "فایده" قلمداد نمودن اعتصاب میکوشد چشم انداز پیروزی در اعتصاب بمنابه یکی از اشکال مبارزه کارگران را از ذهن آنها محو ساخته و به این وسیله تخم بیاس و ناامیدی و تمکین به شرایط خفت بار تولید سرمایه داری را در ذهن آنها جا بیندازد و با وعده های آسمانی آنها را برای تحمل شرایط طاقت فرسای زندگی مادیشان فریب دهد تا کارگران، بجای تکیه به قدرت خود برای رسیدن به خواستههایشان راه نجات خود را نه در نیروی متحد و متشکل طبقه شان بلکه در توسل به نیروهای ماورا - طبیعه جستجو نمایند.

اما کارگران ستم دیده ما در جریان مبارزات خود پاسخ اراجیف امثال مهدوی کنی ها را در عمل داده و میدهند، چراکه کارگران در جریان زندگی و مبارزه خود به روشنی دریافته و درمی یابند که اتفاقا اعتصاب اگر خوب و بموقع سازمان یافته باشد نه تنها بی "فایده" نیست بلکه نتایج سودمندی هم برای آنها داشته و دارد. چراکه کارگران در جریان اعتصاب یعنی خواباندن تولید اولاً مستقیماً درآمد سرمایه داران را مورد تعرض قرار میدهند و با متوقف کردن چرخ تولید، سرمایه دار را از دستیابی به ارزش اضافی که حاصل تاراج دسترنج کارگران است باز میدارند و به این وسیله او را برای رسیدن به خواستههایشان مجبور به عقب نشینی میکنند چراکه سرمایه داران با کسب ارزش اضافی حاصل

استثمار نیروی کار است که هر روز بر سرمایه خود فزونی بخشیده و جیبهای خود را پرتر میسازند و این قانون نظام سرمایه داری است که محصول کار کارگران بطور اجتناب ناپذیر در دست سرمایه داران انگل مفتی که خود کار نمیکند انباشته گشته و همین تمرکز محصول کار در دست سرمایه داران خود به وسیله ای برای نداوم هرچه بیشتر شرایط دهشتناک کار و زندگی کارگران تبدیل میگردد.

ثانیا اعتصاب، مدرسه ای است که در طی آن، کارگران به میزان قدرت خود و کارفرمایان و به ضرورت شکل هرچه بیشترشان پی برده و هرچه بیشتر درک مینمایند که مبارزه آنها باید نه تنها در برابر کارفرمای مستقیم خودشان بلکه بر علیه دولت، بعنوان نماینده طبقه سرمایه دار بمنابه یک کل، سوق یابد. دولتی که با تمامی وسایل به حفاظت از کل سیستم اقتصادی - سیاسی و اجتماعی حاکم برخاسته و با سرکوب کارگران اولاً دستیابی آنها به خواستههایشان را محدود و محدودتر میسازد، و درثانی امکان استثمار سرمایه داران را هرچه بیشتر مهیا میسازد.

در نتیجه اعتصاب، به کارگران می آموزد که همانطور که نباید تنها به کارفرمای خود بیندیشند بلکه باید تمامی کارفرمایان یعنی کل طبقه سرمایه دار بیندیشند، همانطور هم به آنها یاد میدهد که نباید تنها به کارگران یک کارخانه بلکه باید به تمامی کارگران یعنی کل طبقه کارگر برای رسیدن به آزادی بیندیشند. بنابراین از آنجا که ضرورت تشکیل کارگران بمنابه یک طبقه با برجستگی هرچه بیشتری در مقابل آنها قرار میگردد، نتیجتاً امکان تفکر برای راههای رسیدن به این شکل در شرایط سلطه دیکتاتوری امپریالیستی در کارگران فزونی میگردد. پس اعتصابات کارگری بمنابه شکلی از مبارزه کارگران به آنها می آموزد که هرچه بیشتر متحد شوند چراکه برای مقابله با قدرت سرمایه داران و دسیسه های گوناگون ارتجاعی آنها، کارگران باید متحد و یکپارچه گشته و عمل نمایند تا بتوانند

به خواستههای خود جامعه عمل ببشوند و در همین مکتب است که کارگران خود مستقیماً سرکوب وحشیانه جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر لمس کرده و واقعیت دیکتاتوری امپریالیستی و استبداد خونین آنرا بروشنی درک مینمایند. پس الزاماً به شیوه های مقابله با آن میاندیشند.

بنابراین اگر در جریان اعتصابات کارگری کارگران "هنرجنگیدن" بر علیه دشمن طبقاتی خود را بتدریج فرامیگیرند پس کمونیستها محق خواهند بود که اعتصاب را بمنابه "مدرسه جنگ کارگران در نظر گرفته و کارگران را برای آموزش هرچه بیشتر به این مدرسه فراخوانند. اما وظیفه پیشاهنگان راستین طبقه کارگر به همین جا خاتمه نیافتد و اساساً این وظیفه اصلی آنها را هم، تشکیل نمیدهد بلکه آنها وظیفه دارند که بخصوص شکل اصلی این "جنگ" برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم را به کارگران نشان داده و آنها را برای شرکت هرچه فعالانه تر و آگاهانه تر در این "جنگ" فراخوانند و متشکل سازند. چراکه اعتصاب تنها یکی از اشکال مبارزه کارگران بوده و کارگران برای رسیدن به آزادی باید "هنرجنگیدن" در تمامی جبهه ها و بویژه جبهه اصلی نبرد بر علیه نظام موجود را بخوبی فراگیرند.

اعتصاب برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار البته وظیفه تخطی ناپذیر کارگران است و آنها به اعتبار شرایط دهشتناک زندگی خود مجبور به جنگیدن در این جبهه میباشند اما کارگران باید بدانند که کم یا زیاد بودن دستمزد صرفاً عامل بدبختی و فقر و فلاکت آنها نبوده و نیست چرا که شرایط فلاکت زار زندگی کارگران بر اساس این واقعیت قرار دارد که طبقه کارگر، بجای آنکه در مقابل کار خود تمام محصول کارش را بدست آورد به اعتبار شیوه تولید سرمایه داری مجبور است تنها به دریافت بخشی از محصول خویش که دستمزد نامیده میشود تن دهد، درحالیکه سرمایه دار به اعتبار مالک و وسائل تولید بودن تمامی محصول را به

جیبزده و بخش ناچیزی از آنرا بمانابه مزد به کارگر میپردازد؛ در نتیجه تا زمانیکه طبقه کارگر مالکیت تمامی وسائل تولید یعنی ماشین آلات و مواد خام و زمین و غیره را به دست نیاورد و در نتیجه مالک تمامی حاصل کار خود نگردد هیچگونه راهائی واقعی برای طبقه کارگر وجود نخواهد داشت و همین واقعیت، سمت اصلی مبارزه کارگران را تعیین مینماید.

بنابراین اگر اعتاب "مدرسه جنگ" طبقه کارگر است و کارگران در جریان این مبارزه "هنرجنگیدن" را میآموزند و برای جنگیدن در جبهه های دیگر نبرد آماده میشوند پس میتوان به مفهوم "بیفایده" بودن اعتاب از نظر مهدوی کنی جنایتکار بیشتر پی برد و درک کرد که این سخنان تنها بیانگر وحشت سران جمهوری اسلامی از مبارزه کارگران میباشد، وحشتی که مهدوی کنی را مجبور ساخته با تیره و تار ساختن چشم اندازهای پیروزی مبارزه اعتماپی

کارگران و نشان دادن چماق سرکوب رژیم بکوشد یاس و ناامیدی را بر آنها حاکم ساخته و با ترسیم موقعیت مایوس کنندای که کارگران در آن قرار دارند آنها را در جنگ خونیشان با بورژوازی وابسته و سگ نگهبانش جمهوری اسلامی هرچه بیشتر خلع سلاح نماید، چراکه مهدوی کنی خود بخوبی میدانند که تا کارگران بپاخیزند و متشکل نگردند و حول سازمان انقلابی خود برای پیروزی گرد نیایند و در نتیجه رهبری طبقه کارگر در انقلاب بر علیه نظام موجود تحقق نیابد نظام سرمایه داری وابسته پابرجا خواهد ماند و همین واقعیت است که وظیفه کارگران رزمنده ما را صدچندان مینماید. چرا که آزادی کل جامعه درگرو آزادی آنهاست و کارگران آزاد نخواهند شد مگر آنکه ضمن افشای تشبیهات امثال مهدوی کنی ها در جهت آزادی تمامی خلق مبارزات خود را گسترش داده و رهبری جنگ بر علیه نظام سرمایه داری

وابسته را بدست گیرند، جنگی که شرایط سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری ذاتی آن در ایران با روشنی تمام نشان داده است که جنگی است توده ای و طولانی که در بستر آن کارگران امکان مینمایند تا خود را بمانابه طبقه ای در رأس انقلاب سازمان داده و انقلاب را در جهت هدف اصلی یعنی قطع سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برای گذار به سوسیالیسم سمت دهند و این تنها راه راهائی کارگران در شرایط دهشتناک کسار و زندگیشان در شرایط وجود نظام سرمایه داری وابسته است.

پیروزی با مبارزات کارگران برای رهائی از سلطه نظام سرمایه داری وابسته

منتشر شد



گرامی باد خاطره شهدای ۸ تیر

در تاریخ خونین مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران روزهای وجود دارد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و ۸ تیر از زمره چنین روزهایی است. روزی که چریک فدائی خلق رفیق کبیر حمید اشرف به اتفاق ۱۰ چریک هم رزمش، در منطقه مهرآباد جنوبی تهران در مفاقی خونین بسا مزدوران شاه با مقاومت قهرمانانه و سرانجام شهادت خود حماسه آفریدند و محنه درخشان دیگری بر تاریخ پراز حماسه چریکهای فدائی خلق افزودند.

در ۸ تیر سال ۵۵ در تداوم ضرباتی که در همین سال مزدوران امپریالیسم به سازمان مازده بودند رفیق حمید اشرف و رفقا محمدرضا



چریک فدائی خلق رفیق کبیر حمید اشرف

تثوری راهنمای رفیق حمید اشرف و همزمان شهیدش در ۸ تیر، تثوری مبارزه مسلحانه بود. یعنی تنها شکل انطباق خلق مارکسیسم - لنینیسم در شرایط سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن در کشور ما. تثوری ای که شکل اصلی و محوری مبارزه را مبارزه مسلحانه میدانند و معتقد است که شیوه اصلی حل تضاد خلق و امپریالیسم جنگ توده‌ای طولانی است که در پروسه آن نیروهای خلق یعنی کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی شهری بتدریج بمیدان مبارزه آمده و با تشکیل ارتش خلق، ارتش امپریالیستی را درهم شکسته و جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر را مستقر مینمایند.

تثوری ای که معتقد است نه تنها



چریک فدائی خلق رفیق شهید طاهره خرم

حل نهایی تضاد خلق و امپریالیسم بمثابه تضاد اصلی جامعه ما، بلکه هرگونه مبارزه و در هر سطح برعلیه سلطه امپریالیستی به شکل قهرآمیز این مبارزه بستگی پیدا کرده و مبارزه مسلحانه زمینه آن مبارزه همه جانبه‌ای را بوجود میآورد که تنها در این زمینه است که "اشکال دیگر و پرتنوع مبارزه ضروری و سودمند میآیند."

چریکهای فدائی خلق بر اساس این این تثوری شکل سازمانی خود را برای پیشبرد مبارزه مسلحانه بصورت یک سازمان سیاسی - نظامی سازمان دادند و در چارچوب این سازمان سیاسی - نظامی که همانا سازمان چریکهای

وخن دیکتاتوری است، شکل اصلی و محوری مبارزه، مبارزه مسلحانه است و مبارزه مسلحانه چه به لحاظ استراتژی و چه به لحاظ تاکتیک باید در دستور کار انقلابیون قرار بگیرد.

در تثوری راهنمای چریکهای فدائی خلق، تثوری مبارزه مسلحانه، این مبارزه هم تاکتیک است و هم استراتژی یعنی هم بطور تاکتیکی بکار گرفته میشود و هم بصورت استراتژیک یعنی دید این تثوری از جنگ توده‌ای طولانی.



چریک فدائی خلق رفیق شهید لایق مهربانی



چریک فدائی خلق رفیق شهید فاطمه حسینی

بشری، عباسزاده لایق مهربانی، فاطمه حسینی، یوسف قانع خشک بیجساری، عسکر حسینی ابرده، محمد حسین حقنواز، علی اکبر وزیری، علامعلی خراط پور، محمد مهدی فوقانی و طاهره خرم در محاصره دشمنان خلق قهرمانانه جنگیدند تا ضمن پیشبرد راه انقلاب ایران، راه نابودی سلطه امپریالیسم، یعنی جنگ مسلحانه را به توده‌ها نیفزوشناساند. چراکه چریکهای فدائی خلق بر اساس تحلیل جامعه ایران به این نتیجه رسیده بودند که در شرایط سلطه امپریالیسم و در شرایطی که شکل دولت، تحت این سلطه، شکل عریبان

فدائی خلق ایران بود در جهت تحقق این تئوری میکوشیدند و ۸ تیر نیز دست در جویان این مبارزه روی داد و بمنابہ جلوه‌ای از مصاف خونین سازمان ما با امپریالیسم و سگهای زنجیریش در تاریخ مبارزات خلقهای مابہ تثبیت رسید.



چریک فدائی خلق رفیق شهید محمد حسین حقنواز

اما ۸ تیر ماه ۵۵ اگر بیانگر جلوه‌ای از مبارزه چریکهای فدائی خلق بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش بودیست تداوم این سلطه و اینبار در هیئت جمهوری اسلامی: سازمان ما بار دیگر در ۸ تیر ماه سال ۶۶ شهادی جدیدی در راه پیشبرد انقلاب فدا مپریالیستی خلقهای ایران به کاروان شهادی پرافتخار خود افزود.



چریک فدائی خلق رفیق شهید محمدرضا یشربی

در ۸ تیر سال ۶۶ رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با اعدام وحشیانه چریکهای فدائی خلق رفقا بهزاد (مهدی) مسیحا، نوروز قاسمی، رفیق حسین تنکستانی و مادر انقلابی روح انگیز دهقانی بار دیگر بر تئوری چریکهای فدائی خلق مهر تائید زد که بارها گفته بودند "در شرایط حاکمیت بورژوازی وابسته به امپریالیسم شکل حکومتی صرفا سیاهترین شکل استبداد" خواهد بود و رژیم جمهوری اسلامی جز سنگ زنجیری امپریالیسم نبوده و نمیشود سگی که در جهت پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اربابان جنایتکارش از هیچ جنایت و رذالتی فروگذاری نگورده و نخواهد کرد. و بر اساس این تحلیل

که همه واقعیات زندگی توده‌ها بر آن مهر تائید زده است اعلام کرده بودند: "امرتسلیح توده‌ها و سازماندهی مسلح آنها بمنابہ تنها راه ادامہ انقلاب فظرنمون خلقهای ایران و قطع



چریک فدائی خلق رفیق شهید عسگر حسینی ابرده



مادر انقلابی رفیق روح انگیز دهقانی

کامل سلطه امپریالیسم و نابودی پایگاه داخلی آنها یعنی بورژوازی کمپرادور، باید نه بعنوان یک وظیفه کلی بلکه بعنوان یک وظیفه مشخص، در دستور کار انقلابیون قرار بگیرد" و این بود برخورد تئوری مبارزه مسلحانه با شرایط پس از قیام و تداوم سلطه امپریالیسم



چریک فدائی خلق رفیق شهید مهدی (بهزاد) مسیحا

در شکل جمهوری اسلامی. رهنمود مشخصی که تئوری مبارزه مسلحانه یعنی تئوری راهنمای حمید اشرفها در مقابل چریکهای فدائی خلق در سالهای پس از قیام قرار میداد. رهنمودی که شهادی ۸ تیر سال ۶۶ در جهت تحقق آن و در نتیجه تداوم راه



چریک فدائی خلق رفیق شهید علی اکبر وزیر

شهادی ۸ تیر سال ۵۵ خون خویش را بی محابا نثار نموده بودند و این است شیهه واقعی تجلیل از شهادی فدائی یعنی تداوم راه آنها تا پیروزی بر امپریالیسم و استقرار جمهوری خلق به رهبری طبقه کارگر بر سر رسیدن به سوسیالیسم.



چریک فدائی خلق رفیق شهید یوسف قانع خشک بیجاری

جاودان باد خاطره شهادی ۸ تیر ۵۵ و ۶ جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق کبیر حمید اشرف جاودان باد خاطره همه شهادی بخون خفته خلق مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

با ایمان به پیروزی راهمان چریکهای فدائی خلق ایران





گزارشی از خلاصه اقدامات ۶ جریان سیاسی

برای پایان دادن به

درگیریهای حزب دمکرات و کومله

کارگران و زحمتکشان ایران

خلق رزمنده کرد

در پی تنظیم قطعنامه مشترک ۶ جریان سیاسی برای پایان بخشیدن به درگیریهای بین حزب دمکرات و کومله ، که انتشار علنی یافت ، اقداماتی از سوی ما صورت گرفته است که در این گزارش مشترک خلاصه ای از آن به اطلاع میرسد .

۶ جریان سیاسی با انتخاب کمیسیونی از میان خود نامه های درجاً راجوب قطعنامه مشترک به دو طرف درگیر ارسال نمودند و از آنها خواستار پاسخ شدند .

پاسخ دونیرو به ترتیب زیر بود :

پاسخ کومله به کمیسیون منتخب ۶ جریان سیاسی :

The Kurdistan Organisation of the
Communist Party of Iran (Kumala)
Central Committee



کمیته مرکزی
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومله)
کمیته ای فروعی
سازمانی کردستانی حزب کمونیستی ایران (کومله)

No

Date

شماره ۴۹۲ / ۲۱

تاریخ ۱۳ / ۴ / ۶۶

دوستان محترم :

جناب شیخ عزالدین حسینی ،

چریکهای فدائی خلق ایران ،

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتشهای بخش خلقهای ایران)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ،

راه سیاسی و سازمان سیاسی خویش و برسمیت شناختن آزادی فعالیت گروه‌های سیاسی در کرستان ،
 با ما رسانده و بآن ملتزم شوند .
 با اعتقاد ما برای پیشبرد يك فعالیت شمر بخش در راه صلح باید کلی ترین نقاط مشترکی را که
 می‌توانند مبنای کار قرار گیرند یافت و از آنها به جلو حرکت کرد . بنظر ما " اصل ضرورت صلح "
 (صلح بنفع توده‌های مردم کرستان و جنبش عادلانه آنها و بنفع مبارزه علیه دشمن مشترك یعنی
 رژیم اج ۱۰ است و بنا بر این ضرورت دارد) و " اصل مذاکره و گفتگوی سیاسی " (بعنوان راه
 رسیدن به این صلح) ه آن اصولی هستند که منطقا می‌توانند بصورت نقاط مشترك مورد تأیید قرار
 گیرند و به مبنائی برای حرکت عملی بسوی صلح تبدیل شوند .
 ما معتقدیم که با اتکا باین اصول روشن مسلم و غیر قابل انکار باید وارد مرحله تلاش عملی
 برای صلح شد . اما حزب دموکرات علیرغم ادعاهای ظاهریش در مورد صلح ، از هرگونه با گذاشتن
 در پیرویه تلاش عملی برای صلح اکیدا استتکاف کرده و تمام راه حل‌های پیشنهادی را نیز بنسودن
 بررسی و از قبل رد کرده است . در حالیکه ما معتقدیم که نفس ورود به مرحله تلاش عملی بسرای
 صلح عبر داشتن قدمهای اولیه و ضروری در این راه و بحث و تبادل نظر بهرامون شرایط و چگونگی
 حصول يك صلح پایدار خود میتواند به امر دستیابی به توافق نهائی در باره صلح کمک نماید .
 تا آنجا که به نقش شما در این جریان بر میگردد ، ما خواهان تداوم تلاش و شرکت فعالانه شما
 در فعالیت‌های صلح هستیم ، در عین حال جدا خواستاریم چنانچه تلاشهای کنونی تان بشمر نرسند
 مسبب عقیم ماندن این تلاشها را ، که مسلما در عمل جز خدمت به ج ۱۰ و تضعیف و ضربه زدن به
 جنبش خلق کرد و مبارزه سراسری علیه ج ۱۰ گاری نمیکند ، بصراحت افشا و محکوم کنید و در
 این رابطه موضع جانبدار بگیریید .

در پایان ما موکدا اعلام میداریم ما دام که حزب دموکرات رسما برای آتش بس و مذاکره با
 کومله اعلام توافق نکرده ، هو با حداقل وارد تلاش عملی جدی و توام با حسن نیت برای صلح نشده
 مسئولیت هر گونه در گیری مسلحانه فیما بین ما و منحصر بر عهده حزب دموکرات خواهد بود .

با دروهای مجدد

کمیته مرکزی سازمان کرستان حزب کمونیست ایران -

کومله

محمد علی

پاسخ حزب به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) :

۱۹۷۵



۱۳۲۴

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان ایران

Political Bureau

Democratic Party of Iranian Kurdistan

ده فتهری سیاسی

حزب دیموکراتی کوردستانی ایران

Date:

تاریخ: ۱۰/۳/۶۶

No.:

شماره: ۱۵۰۳

دوستان دفتر سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

با سلام گرم

نامه‌ای از طرف "کمیسیون منتخب جریان سیاسی" که نام سازمان شما هم در ریای آن برد دریاقت شد.

قبل از هر چیز، از توجه شما به جنبش خلق کرد، و تأکید مسئولانهای کسبه بر رابطه این جنبش با جنبش سراسری ایران دارید سپاسگزاری می‌کنیم. بدیهی است که اثرات منفی و زیانبار جنگ، تأسف آورنومه‌له با حزب دمکرات کردستان ایران بر هیچکس پوشیده نیست. از اینرو حزب ما هر تلاش سمیانه‌ای را از جانب شخصیت‌ها و سازمانهای سیاسی برای خاتمه بخشیدن باین جنگ ارج می‌نهد و به آن با حسن نیت و بدیده تقدیر می‌نگرد. ما چه طی معاللات و گفتارهای متعدد رادیویی، و چه در مذاکرات و دیدارهای دویا چند جانبه نظرات خویش را در مورد این جنگ ناخواستنه بارها ابراز داشته، آمادگی خود را جهت پایان دادن به آن، و ایجاد محیطی که در آن "همه تفنگها بسوی رژیم ضد انقلابی و ضد خلقی جمهوری اسلامی نشانه رود" اعلام نموده‌ایم. با وجود این، ضروری میدانیم که در پاسخ ۳ بند مندرج در نامه شما فعلا بطور مختصر و نشئرا خاطر نشان سازیم:

۱- اگر می‌پذیرید که آغاز این جنگ تأسف بار نه یک‌ه‌امر ناگهانی و بدون مقدمه، که نقطه اوج اختلافات چند ساله بین دو سازمان بود، آنگاه تصدیق خواهید نمود که خاتمه بخشیدن فوری بآن نیز بعد از اینهمه خسارات که بر جنبش وارد آمده است بدون بعضی توافقات اصولی قبلی، عملا با واقعیات موجود سازگاری نخواهد داشت، و در عمل احتمال بروز مجدد برخوردهای مسلحانه پیوسته در بین خواهد بود؛ که این وضع، یعنی زنجیره برخوردهای متوالی و مستمر، نه در توان حزب ما است و نه در خدمت مصالح جنبش.

۲- حزب دمکرات کردستان ایران افتخار می‌کند که اعتماد و تعهد بسوی آزادی تبلیغ و ترویج نظرات و حق فعالیت‌های سیاسی و نظامی را پیوسته جزو اصول اساسی خویش دانسته و در جریان هشت سال مبارزه تند و خونین کردستان با همه دشمنان در راه

رعایت و پیاده کردن آن تلاش ورزیده است .
با اینهمه تصدیق خواهیم کرد که با حق فعالیت نظامی تنها آنگاه می توان
موافقت داشت که این فعالیت علیه رژیم ضد بشری آخوندی باشد نه علیه حزب دمکرات یا
هر سازمان سیاسی دیگر . دفاع از حویستن در برابر تسلط طلبی و اعمال زور از ابتدائی
ترین حقوق انسانی است ، و طبیعا اگر اعمال زور بشیوه مسلحانه باشد دفاع در برابر
هم بناچار در حد توان مسلحانه خواهد بود .
امید داریم که با رعایت اصل بی طرفی ، انصاف و بویزه واقع بینی در کوششهای
مردمی پاسید .

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران



۶ جریان سیاسی پس از دریافت پاسخها ، کمیسیونی برای مذاکره با حزب دمکرات پیرامون
صراحت بخشیدن به پاسخ حزب ، اعزام نمود . در جریان مذاکرات طوانی کمیسیون با حزب
دمکرات ، دفتر سیاسی حزب دمکرات سرانجام یک پیشنهاد الحاقی بعنوان شرط پایمان
بخشیدن به درگیریها به مفاد قطعنامه افزود و شفاها آنها مورد تأیید قرار داد .

متن پیشنهاد الحاقی بشرح زیر است :

۲۴ خرداد ۶۶

در نشست مشترک دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران و کمیسیون منتخب ۶
جریان سیاسی ، پیرامون اصول مطرح در قطعنامه مشترک برای پایان بخشیدن به
درگیریهای دنیرو و التزام برای رسیدن به یک صلح ادامه دار ، دفتر سیاسی
حزب دمکرات ضمن پذیرش این اصول ، پیشنهاد ماده چهارمی را براساس مضمون
حاکمیت در منطقه آزاد کردستان ارائه مینماید که عبارت است از :
۴- تعیین حق حاکمیت مبنی بر آراء آزاد توده های خلق کرد ، در کردستان .
در شرایط کنونی که امکان انتخابات آزاد وجود ندارد ، مواد ناظر بر این
اصل یکی از دو مورد زیر میباشد :
الف : توافق روی مینای قانون واحد برای حل و فصل اجرائیات و التزام همه
نیروها به تبعیت از آن ،

ب :

ب : پذیرش یکی از معیارهای زیر :

- ۱- تعداد شهدا ،
- ۲- تعداد پیشمرگان ،
- ۳- مراجعه به انتخابات گذشته
- ۴- وسعت مناطق تحت نفوذ و کنترل هریک از دنیرو

۶ جریان سیاسی آنگاه برای اطلاع از نظر کومه‌له در باره پیشنهاد الحاقی حزب دمکرات، کمیسیونی برای مذاکره با کومه‌له اعزام نمود. وهیئت نمایندگی کومه‌له پس از مذاکرات، جوابیه کتبی خود را بشرح زیر در اختیار کمیسیون قرارداد:

۲/۵۵۵

۴۴۲۳/۲۹

دوستان محترم کمیسیون منتخب

با درودهای فراوان

با توجه با اینکه ما چه در نسبت جنوریستان وجه از اونی مشترکتبی که برای ما تهنید کرده اید، تا از توان نموده اید که مفاد پیشنهاد ما را در بین حزب دمکرات و کومه‌له مورد توافق حزب دمکرات نیز هست و حزب دمکرات پیشنهاد الحاقی چهارمی هم دارد که از انروی شرط کافی برای صلح محسوب میشود، لذا ما لازم میدانیم نظرمان را راجع به مفاد این پیشنهاد الحاقی با اطلاعتان برسانیم:

۱ - ما در کمیت در کرستان از احق اینفک مردم کرستان میدانیم و معتقدیم که اراده آزادانه و انتخاب آزادانه خلق کرد در کرستان باید این حاکمیت را تعیین کند.

۲ - در شرایط کنونی که بدلیل سلطه قوای جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده و نشان دادن انتخاب آزادانه مردم کرستان وجود ندارد، ما معتقدیم که:

الف: توافق بر روی قوانینی واحد برای حل و فصل اجراءات بین حزب دمکرات و کومه‌له کاملاً مقدور و مفید است.

ب: در هر مورد که چنین توافقاتی مقدور نشود، و با بلافاصله انجام نگیرد، باید مردم را در انتخاب طرف مراجعه برای حل و فصل این مسائل مختار و مخیر نمود.

بعده ما با توجه به سیرت انونی جریان معتقدیم که در هیچ مانع اصولی در راه شروع مذاکره بین دو طرف باقی نیست و اگر هم مسائلی باقی باشد، نکاتی که میتواند و باید از طریق خود مذاکرات مستقیم تدقیق شده و با سهولت و دقت بیشتری حل شوند. لذا پیشنهاد میکنیم که طرفین در محل کمیسیون (یا محلی که کمیسیون تعیین میکند) یا نزد ما در منزل شیخ عزالدین، و یا نزد هر یک از گروههای تشکیل دهنده کمیسیون، مذاکرات خود را در جهت

نیل به توافق نهایی آغاز نمایند.

(زلف) کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومهله

۱۶/۴/۶۹

۶ جریان سیاسی پس از دریافت جوابیه کومهله، کمیونی برای ملاقات و مذاکره با حزب دمکرات پیرامون جوابیه کومهله به ماده الحاقی، اعزام نمود. هیئت نمایندگی حزب دمکرات پیشنهاد الحاقی خود را شرط کافی ندانست و پس از مذاکره پیشنهاد جدیدی را تنظیم نمود و پاسخ قطعی خود را به تصمیم گیری دفتر سیاسی حزب موکول کرد. ماضن ادامه و پیگیری تلاشهای خود انتظار داریم که با توجه به شرایط حساس کنونی و لطمات و زیانهای عظیم ناشی از تداوم درگیری بین دونیرو، پاسخ اصولی، مساعد و صریح حزب دمکرات به جوابیه کومهله، راهگشای پایان درگیریها بشود.

۱۵/تیرماه/۱۳۶۶

شیخ عزالدین حسینی

چریکهای فدائی خلق ایران

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رهاشبخ خلقهای ایران)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دفتر سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کومهله یکسانی کردستان - ایران

تکثیر از چریکهای فدائی خلق ایران

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

بر علیه جنگ امپریالیستی پیاخیزد

بیش از ۷ سال است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جهت سیاست کلی امپریالیسم در منطقه، کشور ما را به عرصه جنگی خونین و ویرانگر با عراق تبدیل نموده، جنگی که اگر برای توده‌های ستمدیده دو کشور جز فقر و فلاکت و مرگ و نیستی نتیجه‌ای نداشته است؛ اما منافع سرشاری برای امپریالیستهای جهان خوار داشته و آنها به "برکت" این جنگ ارتجاعی هر روز که میگذرد سودهای بیشتری به جیب میزنند.

از آنجا که جنگ نه بین امپریالیستها بلکه بین دو کشور ایران و عراق جریان دارد و از آنجا که تبلیغات امپریالیستی میکوشد این جنگ را صرفاً جنگ دو کشور فوق قلمداد نموده و امپریالیستها را در آن بیطرف جلوه دهد ممکن است برای عده‌ای این توهم پیش آید که آمریکا و انگلیس و اکثر کشورهای امپریالیستی که خود، اعلام نموده‌اند خواهان پایان این جنگ هستند، بواقع نیز منافع واقعی در این جنگ نداشته باشند چرا که چگونه ممکن است در این جنگ امپریالیستها منفعی داشته باشند و از آن مهمتر خود سازمانده و هدایت کننده آن باشند، اما خواهان پایان بخشیدن به آن باشند؟

و اتفاقاً وظیفه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها درست در همین نکته نهفته است که قبل از هر چیز ماهیت واقعی این جنگ را افشاء ساخته و واقعیت تبلیغات ریاکارانه امپریالیستها را آشکار نمایند.

کارگران و همه توده‌های ستمدیده ما باید بدانند که جنگ ایران و عراق نه جنگ امپریالیستها با هم بلکه جنگی امپریالیستی است که در جهت منافع امپریالیستها و در چارچوب سیاستهای امپریالیستی در منطقه سازمان یافته است و امپریالیستها با سازمان دادن این جنگ ویرانگر و در نتیجه سرازیر کردن سیل سلاحهای مرگبار خود به میدانهای مرگ و نیستی آن اولاً کارخانجات اسلحه‌سازی شان رونق هر چه بیشتری یافته و میلیونها دلار اسلحه‌ای که در جریان این جنگ ۷ ساله مصرف شده است را به قیمت استثمار و غارت وحشیانه توده‌های ستمدیده براحتی بفروش رسانده و در کنار آن بر اساس جنگ و تاثیرات آن خاورمیانه را به دژی نظامی تبدیل نموده‌اند. در نتیجه در شرایطی که بحران، سراپای نظام جهانی امپریالیستی را فرا گرفته است و کارخانجات و شرکتهای گوناگون بین المللی یا ورشکست میشوند و یا مجبور به کاهش تولید خود و در نتیجه اخراج کارگران میگردند، در شرایطی که رکود، اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را فرا گرفته است، جنگی در ابعاد جنگ ایران و عراق و تحت تاثیر آن میلیتاریزه شده هر چه بیشتر کل منطقه یکی از مهمترین وسایل غلبه بر این بحران میباشد و امپریالیستها با فروش میلیاردها دلار اسلحه به کشورهای درگیر جنگ و منطقه کارخانجات اسلحه‌سازی خود را هر چه بیشتر بر مشتری میسازند و در همان حال خود را برای سرکوب انقلاب توده‌های ستمدیده که در شرایط بحران نظام جهانی امپریالیستی به اعتبار شرایط زندگی فلاکت بارشان هر چه وسعتر به اعتراض برمیخیزند، آماده میسازند. و دیگر لازم نیست که ما از صدها طریق دیگری که امپریالیستها از این جنگ

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق

سود میبرند سخن بگوئیم همین نمونه‌ها بروشنی ماهیت این جنگ را آشکار میسازد و مگر
 ماجرای فروش اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی خود گواه این امر نیست که آمریکائی که در
 تبلیغات خود ریاکارانه دم از بیطرفی و پایان جنگ میزند چگونه پنهانی با فروش اسلحه به
 جمهوری اسلامی تنور جنگ را گرم نگه میدارد و به اعتبار قربانی شدن هزاران جوان ایرانی
 سوده‌های میلیونی به جیب میزند .

واقعیت این است که آمریکا و دیگر امپریالیستهای جهانخوار برای پنهان داشتن دستان
 خون آلود خود در این جنایت بزرگ سعی میکنند خود را در این جنگ بیطرف جلوه دهند تا با رهمه
 مماثلت و بدبختی های جنگ از دوش آنها برداشته شود و اذهان توده‌ها متوجه نقش
 جنایتکارانه شان در این جنگ ارتجاعی نگردد . اما در ۷ سال گذشته سررویدادهای انبوهی از
 دلائل و فاکتھائی را در اختیار توده‌ها قرار داده است تا به اعتبار این دلائل هر چه بیشتر
 به نقش امپریالیستها و رویزیونیستها در این جنگ پی برده و در جهت نابودی هدایت کنندگان
 واقعی آن برخیزند .

خلقهای ما وظیفه دارند با تمام قوا بر علیه امپریالیستها و رژیم
 وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی این سگ زنجیری امپریالیسم که در جهت منافع اربابان خود
 این چنین بر طبل جنگ میکوبد بپا خیزند چرا که تنها با نابودی سلطه امپریالیسم و سگ زنجیریش
 جمهوری اسلامی است که میتوان به صلحی واقعی و دمکراتیک دست یافت و برای رسیدن به این
 هدف هیچ راهی جز رشد روز افزون جنگ انقلابی بر علیه امپریالیستها و سگهای زنجیریش وجود
 نداشته و ندارد .

خلقهای ما باید به هر وسیله‌ای که میتوانند بر علیه این جنگ بپا خیزند و از شرکت در آن
 خودداری ورزند و نه تنها فرزندان خود را به میدانهای مرگ و نیستی آن نفرستند بلکه به
 انحاء گوناگون به فراریان از جبهه‌های این جنگ امپریالیستی کمک نمایند چرا که خلقهای
 ما تنها و تنها باید در جنگی شرکت کنند که از آن خودشان میباشد ، یعنی جنگ خلق و بر
 علیه هر جنگی بپا خیزند که بر علیه منافع آنهاست . یعنی جنگی که جمهوری اسلامی در جهت
 منافع اربابانش هر روزه بر طبل آن میکوبد و آتش آن را شعله‌ورتر میسازد .

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق
 مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش
 مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی



چریک فدائی خلق رفیق شهید
 افسر اسادات حسینی



چریک فدائی خلق رفیق شهید
 اسمر آذری پیام

خطاب به رفقای هوادار

رفقای مبارز، هواداران رزمنده چریکهای فدائی خلق ایران!

یورش سیستماتیک و ضدانقلابی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و سرکوب وحشیانه جنبش انقلابی خلقهای ایران در امر ارتباط مستقیم شما با سازمان اخلاص ایجاد کرده، و باعث گردیده تا بسیاری از رفقای هوادار بدون ارتباط مستقیم با سازمان قرار گرفته و از این امر رنج ببرند. اما رفقای رزمنده ما به هیچوجه نباید اجازه دهند که این فقدان ارتباط در مبارزه آنها بر علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی وقفه ایجاد کرده و باعث هرز رفتن انرژی انقلابیشان گردد.

رفقائی که ارتباطشان با سازمان قطع گردیده تا وصل مجدد تماسیشان با تشکیلات باید در چارچوب برنامه سازمان و در حد توان خود به وظایف مبارزاتی خود عمل نمایند. تا ضمن پیشبرد برنامه های سازمان شرایط را برای وصل مجدد ارتباط هر چه بیشتر آماده سازند.

هر رفیق هوادار وظیفه دارد با ارزیابی دقیق و واقعی از تواناییهای خود و امکانات و روابط در چارچوب برنامه های سازمان مسئولیت خود را انجام دهد.

رفقای هوادار!

شما وظیفه دارید صفوف خود را هر چه فشرده تر ساخته و در تماس با رفقای که آنها را کاملاً میشناسید و به آنها اطمینان دارید هسته های سیاسی - نظامی تشکیل داده و مبارزه خود را در چارچوبی متشکل تر از قبل پیش ببرید. در تشکیل هسته های سیاسی - نظامی باید به مسائل زیر توجه نمود

۱- با توجه به تعقیب و مراقبتهای رژیم و کوشش آن برای نفوذ در صفوف سازمانهای انقلابی اولاً باید اصول مخفی کاری را دقیقاً رعایت

نمود و در ثانی نسبت به افرادی که برای همکاری با آنها تماس برقرار مینمائید حداکثر شناسائی را میبذول داشت.

۲- برای حفظ هسته و جلوگیری از گسترش ضربات احتمالی هر رفیقی همانقدر باید اطلاعات داشته باشد که برای پیشبرد کارهایش به آن نیازمند است.

۳- هر هسته سیاسی - نظامی باید با مجموعه ای از روابط کوناگون با محیط خود در ارتباطی هر چه گسترده تر و تنگاتنگ تر قرار داشته باشد و هر چه روابط حول هسته های سیاسی - نظامی متنوعتر و گسترده باشد امکانات هسته برای پیشبرد برنامه های خود و رشد آتی اش بیشتر خواهد بود. تماس توده ای و دخالت در زندگی روزمره توده ها آنچنان باید سازمان یابنده که نتنها باعث ضربه نگردد بلکه امکانات هر چه بیشتری برای حیات و رشد هسته فراهم نماید.

۴- باید در نظر داشت که هر رابطه امکانیست و هواداران مبارز سازمان باید از هر مکانی در جهت مبارزه بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرش با رعایت کامل مسائل امنیتی سودجویند و از این امکانات در جهت انطباق هر چه بیشتر هسته های سیاسی - نظامی با شرایط مبارزاتی استفاده نموده و انرژی روابط حول هسته ها را در هر حدی که هست در جهت مبارزه با دشمن و برای نابودی او کانالیزه نمایند.

۵- هسته های سیاسی - نظامی در حالیکه وظیفه دارند با تمام توان خود دشمن سرکوبگر ددمنش را آماج ضربات خود قرار دهند، اما در همان حال باید از هر اقدام پیش از وقت که با تواناییهای هسته انطباق ندارد پرهیز نموده و با ارزیابی دقیق از امکانات و تواناییهای هسته پس از شناسائی و تدارک لازم مبادرت به عمل نظامی نمایند.

۶- رفقای هوادار و هسته های سیاسی - نظامی وظیفه دارند گوش دادن به برنامه های مدای چریکها را در دستور کار خود قرار داده و به رهنمودهای سازمان که از مدای چریکها پخش میگردد عمل نمایند.

۷- هسته های سیاسی - نظامی وظیفه دارند شعارها و تحلیل های سازمان را هر چه وسیعتر بیان توده ها برده و نظرات توده ها را نسبت به تحلیل های سازمان و روحیات و اعترافات و مبارزات توده ها را به سازمان گزارش نمایند. برای ارسال گزارشات خود میتوانید از آدرس های سازمان در خارج از کشور استفاده نمائید.

۸- برای استفاده از آدرس های سازمان در خارج از کشور باید در نظر داشته باشید که نامه های ارسالی به آدرس های علنی سازمان بوسیله پلیس کنترل و ضبط میگردد در نتیجه باید نامه های خود را ابتدا به آدرس اقوام و آشنایان خود در خارج از کشور فرستاده و از آنها بخواهید که نامه هایتان را به آدرس های علنی سازمان بپست نمایند.

۹- برای تماس مستقیم با سازمان میتوانید از حضور سازمان در نوار مرزی کردستان ایران و عراق سودجسته و با پایگاههای چریکهای فدائی خلق در نوار مرزی کردستان تماس برقرار نمائید.

رفقای مبارز!

هواداران صدیق سازمان!

تنها و تنها با متشکل شدن است که میتوان مبارزه را به درستی پیش برد. پس برای مبارزه هر چه گسترده تر بر علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش جمهوری اسلامی هر چه وسیعتر متشکل شوید، با توجه به آنچه گفته شد هسته های سیاسی - نظامی را سازمان داده و رژیم ددمنش خمینی را آماج ضربات خود قرار دهید. چرا که وظیفه چریکهای فدائی خلق در شرایط کنونی سازماندهی و انجام مبارزه مسلحانه است. پس هر چریک فدائی خلق، هر انقلابی کمونیستی که به تئوری مبارزه

”دهقانان به عنوان متحد طبقه کارگر“

اثری از رفیق استالین

IVLEV I.V EFRMOV I.V BOLTNV F.P.

پاسخ به رفقا : پ - ف - بولتونوو ،
و - ای ، افرموو ، و - ای ایلوو

سخنرانی من بر علیه چنین کسانی تنظیم شده بود و لذا نشان دادم که در وضعیت کنونی دهقانان مستقیمترین متحد ما هستند و آنهایی که تخم بی اعتمادی نسبت به دهقانان میکارند، بدون آنکه خود بدانند، به امر انقلاب لطمه میزنند. یعنی، هم به امر کارگران و هم به امر دهقانان لطمه میزنند. اینها هستند اموری که من در مورد شان صحبت کردم.

چنین به نظر میرسد که شما از اینکه من دهقانان را متحدی نه خلیسی استوار، متحدی نه به قابل اعتمادی کارگران کشورهای از لحاظ سرمایه داری متکامل خوانده ام آزرده شده اید. ظاهرا این مطلب به شما برخورد کرده است. ولی آیا حق با من نیست؟ آیا نباید من حقیقت را مراحیتا بگویم؟ آیا درست نیست که در جریان هجوم کلچاک و دنیکیان دهقانان بارها نوسان کردند و گاه به جانب کارگران و گاه به جانب ژنرالها رفتند؟ و آیا داوطلبان دهقانی فراوانی در ارتشهای کلچاک و دنیکیان نبودند؟

من این حرفها را برای سرزنش دهقانان نمیزنم زیرا نوسان آنان بواسطه فهم سیاسی ناکافیشان است. اما، از آنجائیکه من یک کمونیست هستم، بایستی حقیقت را مراحیتا بگویم. این درسی است که لنین بما داد. و حقیقت این است که در زمان دشواری، زمانی که کارگران زیر فشار سخت کلچاک و دنیکیان بودند، دهقانان همواره، شبات و اصالت کافی متحد طبقه کارگر را از خود نشان ندادند.

آیا این به معنی دست شستن ما از دهقانان است به سیاق بعضی از رفقای نادان که آنها را اصولا متحد در صفحه ۲۶

نمیشود و بطریق اولی دهقانان نیز نمیتوانند بدون پرولتاریا خود را از فلاکت برهانند. در نتیجه پس از انقلاب پیروزمند در غرب اتحاد کارگران و دهقانان نه تنها تضعیف نمیشود بلکه مستحکمتر نیز میگردد.

ثانیا، ”پس از انقلاب جهانی“ هنگامیکه کار سازندگی ما صد برابر تشدید میشود، گرایش در این سمت خواهد بود که کارگران و دهقانان بعنوان دو گروه کاملا متمایز از یکدیگر از بین بروند و صرفا به کارکنان روی زمین و در درون کارخانه تبدیل شوند یعنی از لحاظ پایگاه اقتصادی برابر شوند. و این بچه معنی است؟ این بدان معناست که اتحاد کارگران و دهقانان کم کم به آمیزش، بیسک اتحاد کامل، بیک جامعه سوسیالیستی واحد از کارگران و دهقانان سابق و بعدا صرفا کارکنان یک جامعه سوسیالیستی تبدیل میشوند. این است دیدگاه ما نسبت به دهقانان ”پس از پیروزی انقلاب جهانی“

مسئله مورد بحث در گفتار من نه طرز تلقی حزب ما از دهقانان در آینده، بلکه این بود که در حال حاضر، در اوضاع و احوال کنونی، که سرمایه داران غرب تا حدی دارند تجدید قوا میکنند، کدامیک از چهار متحد طبقه کارگر مستقیمترین و مددکار فوری وی هستند؟

چرا من در سخنرانیم مسئله را دقیقاً از این زاویه ارائه کردم؟ زیرا کسانی در حزب ما هستند که بر اثر بلاهت و حماقت اعتقاد دارند که دهقانان متحد ما نیستند. اینکه وجود چنین کسانی در حزب ما امر خوب یابدی است، چیز دیگری است. اما حقیقت این است که چنین کسانی هستند.

از اینکه نتوانستم زودتر به شما پاسخ دهم، معذرت میخواهم. من هیچ جا در سخنرانیم (۳) نگفته ام که طبقه کارگر تنها در لحظه حاضر به اتحاد با دهقانان نیاز دارد. در آن سخنرانی من اینرا نگفتم که پس از پیروزی انقلاب در یکی از کشورهای اروپائی اتحاد طبقه کارگر با دهقانان در روسیه راند خواهد بود. بنظر سرم میرسد که شما گفتار مراد کنفرانس مسکو بدقت نخوانده اید.

آنچه که در آنجا گفته شد صرفا این است که ”دهقانان تنها متحدی هستند که در لحظه حاضر میتوانند مستقیما به انقلاب ما کمک کنند.“ آیا از این حرف چنین نتیجه میشود که بعد از یک انقلاب پیروزمند در اروپا، دهقانان برای طبقه کارگر کشور ما زائد میشوند؟ البته که نه.

شما میبرسید: ”وقتی که انقلاب جهانی رخ داد چه؟ وقتی که متحد چهارم یعنی دهقانان دیگر مورد نیاز نیست، چگونه باید او را در نظر آورد؟“ اولاً گفتن اینکه ”بعد از انقلاب جهانی“ دهقانان دیگر مورد نیاز نیستند درست نیست این اشتباه است زیرا بعد از ”انقلاب جهانی“ که ساختن اقتصاد ما با گامهای غول آسا به پیش میرود، و سوسیالیزم بدون دهقانان ساخته

(۳) - اشاره به سخنرانی استالین ”در مورد مسئله کارگران و دهقانان“ که در ۲۷ ژانویه ۱۹۲۵ در سیزدهمین کنفرانس ایالتی مسکوی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) بحث درباره کار در روستا ایراد شده (نگاه کنید به مجموعه آثار استالین ج ۲، صفحات ۲۳ تا ۲۵)

گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

وزارت آموزش و پرورش
یا وزارت جنگ

۶۶/۴/۱۸

پیش از ۷ سال است که رژیم وابسته

به امپریالیسم جمهوری اسلامی در چارچوب اجرای سیاست امپریالیسم در منطقه کشور ما رانه محنه جنگی خونین تبدیل نموده است. جنگی که جز فتنه و فلابت، آوارگی و دریدری حاصلی برای خلقهای ما دربر نداشته است. جنگی که در طی آن صدها شهروستایه ویرانه تبدیل شدند و صدها هزار جوان ایرانی کشته و مجروح و معلول گردیدند.

اما اگر نتایج این جنگ برای خلقهای ما اینچنین گزاف و جبران ناشدنی است بجایش سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در پناه آن هم‌چینهای خود را پر میازد و هم انقلاب توده‌های ستمدیده را وحشیانه سرکوب مینمایند؛ تا چند صباچی بیشتر به نوکری خود برای اربابان امپریالیستان ادامه دهند.

مران مزدور جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاستهای جنگی خود همه امکانات جامعه را بسوی میدانهای سرگ و نیستی این جنگ امپریالیستی کانالیزه نموده و در اینراه نشان داده‌اند که از هیچ جنایتی دریغ نمی‌ورزند. آنها به وحشیانه‌ترین شکلی به شکار جوانان برای اعزامشان به مسلخ این جنگ و غارت و چپاول توده‌ها برای تامین منابع مالی آن اقدام نموده و مینمایند و اگر امپریالیستها در پناه این جنگ خونین

در صفحه ۲۷

دلایل مسخره
جمهوری اسلامی در
توجیه نصر ۴ و ۵

۶۶/۴/۱۰

با حملات اخیر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تحت عنوان نصر ۴ و ۵ در جبهه شمالی جنگ ایران و عراق بار دیگر آتش جنگ امپریالیستی شعله‌ورتر گشت و عده دیگری از جوانان دو کشور قربانی اهداف ارتجاعی امپریالیستها در تداوم این جنگ ویرانگر گشتند.

در جریان ۷ ساله این جنگ امپریالیستی تا کنون خلقهای شاه‌حملات و عملیاتهای گسترده ای از سوی رژیم مزدور خمینی در میدانهای این جنگ بوده‌اند که همواره سران جنایتکار جمهوری اسلامی با بهانه‌های گوناگون به توجیه و تفسیر آنها پرداخته تا ضرورت این آتش‌افروزی ارتجاعی و فدمردمی را با اصطلاح اشبات نموده و چشم انداز پیروزی را برای مردم هرچه "روشن‌تر" ترسیم نمایند.

از سال سرنوشت تا خورد کردن ماشین جنگی عراق و از تنبیه متجاوز تا دفاع از انقلاب اسلامی همگی از جمله دلالتی بوده‌اند برای توجیه تداوم این جنگ ویرانگر، دلالتی که با تبلیغات کسر کننده اعلام میشدند و پیر از هر شکست همه به آرامی کنار گذاشته میشدند. و در میان همه این دلالت‌ها و قبحانه‌دلیلی که اخیرا در تبلیغات جمهوری اسلامی به کرات مطرح گردیده

در صفحه ۲۶

جنگ امپریالیستی ایران و
عراق و تحولات جدید
در خلیج فارس

۶۶/۴/۶

با لاگرفتن تحولات مربوط به جنگ امپریالیستی و گسترش ایستادگی آن در خلیج فارس، بار دیگر دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم را بیش از پیش به تکاپو واداشته است.

جنگ نفتکشها بمرحله جدیدی پا گذارده و بدینال یک سلسله حملات هواپیماهای ایران و عراق به نفتکشهای مختلف در خلیج فارس و حملات قایقهای توپدار جمهوری اسلامی به کشتیها، رزمناو امریکائی استارک نیز هدف موشک اندازی هواپیماهای عراقی قرار گرفته و عده‌ای از خدمه آن کشته و زخمی گشتند. این تحولات بنوبه خود سر آغاز فعل و انفعالات تازه‌ای در رخدادهای جنگ ویرانگر امپریالیستی ایران و عراق گشت و به بهانه تهدیدهای جمهوری اسلامی دولت ارتجاعی و وابسته کویت طی یک اقدام بیسابقه ظاهرا بخاطر حفظ امنیت نفتکشهایش در خلیج فارس خواهان حمایت شوروی و امریکا از کشتیهای کویتی و برافراشتن پرچم آنان بر روی نفتکشهایش گردید، بموازات همین اقدامات موعظه‌های فریبکارانه بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم در رابطه با اصطلاح آزادی کشتیرانی در خلیج فارس شدت هرچه بیشتری یافت و سرانجام نیز با پذیرش شوروی مبنی بر تردد ۳ کشتی کویتی با پرچم شوروی و تأیید کاخ سفید مبنی بر ضرورت استقرار

برجهای آمریکا برعرشه ۱۱ نشتکش کوبیتی قضیه جنبه‌های کاملاً تازه‌ای به خود گرفت .

این وقایع و نتایج عملی بعد از آن حاوی نکات پراهمیتی است که در بررسی تحولات کنونی جنگ امپریالیستی ایران و عراق باید مورد توجه دقیق خلقهای میهنمان و بویژه کارگران مبارز قرارگیرد .

چرا که کلیت رویدادهای اتفاق افتاده در این مدت نشان میدهند که حمله به رزمنا و امریکائی استارک در خلیج فارس و چه اعمال وهیاهوهای جمهوری اسلامی در خلیج فارس و ادعای بستن احتمالی تنگه هرمز در صورت نیاز در چارچوب جنگ امپریالیستی ایران و عراق آن شرایطی را بوجود آورده است که دست امپریالیسم آمریکا را در پیشبرد نقشه‌های تجاوزگرانه‌اش در خلیج فارس هرچه بیشتر بازگذاشته است . در درجه اول تقارن زمانی مسئله حمایت از کشتیهای کوبیتی و حادثه رزمنا و امریکائی برای دولت آمریکا بهترین دستاویز ممکنه‌ای بود که براساس آن امپریالیسم آمریکا میکوشد حضور مستقیم و همه‌جانبه خود را در این منطقه هرچه بیشتر با ملاحظ توجیه و رسمیت بخشد .

به این ترتیب اگر میلیتاریزه کردن منطقه خلیج فارس یکی از اهداف مهم امپریالیستها را در برپا کردن جنگ ارتجاعی ایران و عراق تشکیل میداد ، اکنون آمریکا این سردهسته را هزنان و جنایتکاران فرصت‌میافت تا به بهانه دفاع از باصلاح آزادی کشتیرانی ، در واقع ادامه نقشه‌های کثیف خود را در دفاع از منافع سرمایه مالی و تاراج و غارت افزونتست خلقهای منطقه هرچه بیشتر به پیش برد ، و با گرفتن زست یک قدرت با ملاحظ بیطرف و در نقش ناجی دولتهای مزدور منطقه توسعه طلبی امپریالیستیش را رسمیت بیشتری بخشد . مسخره اینجا بود که امپریالیستهای که خود سازمان دهندگان اصلی این جنگ ضد خلقی و ارتجاعی هستند ، اینبار

با وساطت رژیمهای آبرویخته و مزدوری چون کوبیت کوشیدند باردیگر بسا عوامفریبی تمام در قالب یک قدرت با ملاحظ بیطرف و ناجی آزادی کشتیرانی در خلیج فارس در وقایع مربوط به جنگ امپریالیستی آشکارا دخالت ضد خلقی خود را توسعه هرچه بیشتری بخشند .

از سوی دیگر جنگ روانی و تبلیغاتی که در راستای حضور نظامی کشتیهای امریکائی در خلیج فارس و عمدتاً توسط کوششهای مشترک و سازمان یافته رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و دستگای تبلیغاتی امپریالیسم برای فریب توده‌ها صورت پذیرفت و امروز نیز ادامه دارد از دیگر نتایج و بازتابهای تحولات اخیر در خلیج فارس بود .

رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی که امروز بیش از هر زمان دیگر کسوس رسوایش در هر کوی و بوزن به صدا درآمده است . در جریان وقایع مربوط به حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس - که در واقعیت خود یکی از جاده صاف کن‌های این سیاست امپریالیستی بود - یکبار دیگر مجال پیدا کرد که مذبح جانسه فریادهای ضدامپریالیستی سردهسد و ارباب خود را به اصطلاح تهدید به درگیری نظامی کند . در همین رابطه سخن پردازیهای فراوانی در مورد استقرار و هدفگیری موشکهای زمینی به دریائی که از قرار توسط جمهوری اسلامی از چین خریداری شده صورت پذیرفته و حتی نمایندگان مجلس آمریکا در میان هیاهوهای فراوان راساً از خلیج فارس بازید کردند و مطرح گردید که گویا در صورت حضور کشتیهای جنگی امریکائی در خلیج فارس و تنگه هرمز احتمال وقوع یک برخورد نظامی تمام عیار بین آمریکا و سگ زنجیرش جمهوری اسلامی عنقریب خواهد بود . در نتیجه در حالیکه تفادهای درونی طبقه حاکمه در آمریکا بر سر مسئله خلیج فارس تشدید گردیده و خود را بر زمین در همان حال زمینه برای توهم پراکنی‌های کهنه شده‌ای که امپریالیسم و جمهوری اسلامی حتی در شرایط حاضر نیز برای لاپوشانی چهره آبرویخته

خود بدان نیازمندند نیز آماده کردید . اینها شمه‌ای از منافع عملی و اهدافی بودند که امپریالیستها و دست‌نشانندگانشان در منطقه کارزار تبلیغاتی پر دامنه‌ای را در جهت دستیابی به آنها برای فریب خلقهای تحت ستم ما برآه انداخته‌اند و مدتهاست که دستگای تبلیغاتی امپریالیستی برای پخش و نشر آنها متمرکز گشته است . اما در سوی دیگر این تحولات کارگران و خلقهای تحت ستم قرار دارند که باید آگاهانه به ارزیابی این تبلیغات و سیاستهای واقعی‌ای که پیش برده میشود پرداخته و خود را برای مقابله با دشمن اصلی خود هرچه بیشتر آماده سازند .

برای توده‌های زحمتکش و تحت ستم ما ، امروز هفت سال پس از آغاز جنگ دهشتناک امپریالیستی دیگر بروشنی اثبات گردیده است که این جنسک ارتجاعی دنباله سیاستهای جنایتکارانه و بیانگر اهداف ضد خلقی چه طبقاتی است ، روشن شده است که در جنگی که تنها بر علیه منافع خلقهای ایسران و عراق و اساساً توسط امپریالیستها و نوکرانشان در منطقه سازماندهی و به مرحله اجرا درآمده است ، طراحان جنایتکار آن یعنی امپریالیستها و در رأس آنها جنایتکاران حاکم بر آمریکا نمیتوانند بیطرف باشند . روشن گردیده است که واقعا اگر آمریکا و سایر دارودسته‌های امپریالیستی حتی برای یک لحظه مرفا خواستار آزادی واقعی کشتیرانی در خلیج فارس بودند میتوانند به فوریت شعله‌های جنگ مرگباری که بر علیه توده‌های زحمتکش این منطقه برافروخته‌اند را هرچه زودتر خاموش سازند . اما منادیان دروغین بیطرفی و صلح و آزادی مدتهاست که در منطقه با اتکا به رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی‌ای همچون جمهوری اسلامی آستینها را بالا زده‌اند که به نام آزادی و بر علیه آن ، بندهای اسارت هرچه بیشتری را بردست و پای کارگران و خلقهای تحت ستم منطقه بیندند و در صفحه ۴۵

دلایل مسخره جمهوری اسلامی ۵۵۵۵

از صفحه ۲۴

یعنی دفاع از مردم ستمدیده کردستان عراق از همه ریاکارانه تر است.

هاشمی رفقستانی این نوکر حلقه به گوش آمریکا در دوم تیرماه در مجلس ارتجاع ضمن سخنانی، یکی از دلایل حمله جمهوری اسلامی در جبهه شمالی را دفاع از مردم کردستان عراق عنوان نمود. اما این سخنان برای کسی که تنها گوشه‌ای از جنایات جمهوری اسلامی در کردستان ایسران را شنیده یا دیده باشد کافیت تا به عمق ریاکارانه بودن تبلیغات این رژیم مزدور بی‌ببرد، رژیمی که در ۸ سال گذشته در حق خلق کرد در ایران از هیچ جنایتی فروگذاری نکرده است حال بیکباره خود را پرچمدار دفاع از مردم ستمدیده کردستان عراق قلمداد نموده و قصد دارد با فریب و نیرنگ که جزئی جدائی ناپذیر از تبلیغات جمهوری اسلامی است به توجیه جنایات خود در این جنگ ویرانگر بپردازد.

براستی سازماندهندگان قتل عامهای قارنا و ایندزقاش کمانی که دستانشان تا مرفق به خون شهدای قهلاتان و سوزی آغشته است، رژیمی که از پذیرفتن کوچکترین حقی برای خلق کرد در ایران سرباز زده است و پاسخ خلق کرد را با گلوله و خمپاره و راکت داده است حال چگونه ممکن است که مدافع خلق ستمدیده‌گرد شده باشد؟

براستی این مزدوران با این تبلیغات ریاکارانه قصد فریب چه کسی را دارند؟ خلق کرد خواهان حق تعیین سرنوشت خویش است و این مزدوران در برخورد با این اولیه‌ترین حق هر خلقی، چنین وحشیانه او را سرکوب نمودند حال چه کسی میخواهد یا میتواند به تبلیغات جمهوری اسلامی مبنی بر کمک به "مردم کردستان عراق" باور کند؟ زندگی با همه فراز و نشیبهایش به توده‌ها آموخته است که تنها معیار

حقیقت، عمل است و خلق کرد نیز نیک میدانند که ادعاهای گوناگون را تنها در صحنه عمل است که بروشنی میتوان آزمود و جمهوری اسلامی در ۸ سال گذشته در کردستان آنچنان فجایعی آفریده و آنچنان چهره وحشیانه‌ای از خود نشان داده است که کمتر عنصر آگاهی را میتواند با تبلیغات خود فریب دهد. جمهوری اسلامی اگر مدافع مردم کردستان عراق بود قبل از هر چیز از سرکوب مردم کردستان ایران دست برمیداشت و حق طبیعی خلق کرد در تعیین سرنوشت خود را برسمیت میشناخت در نتیجه جمهوری اسلامی با پرونده‌ای این چنین مشحون از قتل و جنایت نه تنها مدافع مردم کردستان عراق نبوده و نیست بلکه تنها سنگ زنجیری امپریالیستی میباید که منافشان در سرکوب خلق کرد و تداوم این جنگ ویرانگر بوده و میباید همان شیطان بزرگی که با سایل سلاحهای مرکب‌ارش ماشین جنگی جمهوری اسلامی را برای قتل و جنایت آماده میسازد همان امریکای جنایتکاری که علیرغم ادعاهای مضحک مبنی بر بیطرفی در این جنگ، خود سازمانده و هدایت

کننده اصلی جنگ ایران و عراق بوده و به انحاء گوناگون در تداوم این جنگ میکوشد تا بر بستر این جنگ خونین و به اعتبار قربانی شدن صدها هزار جوان ایرانی و عراقی در جبهه‌های مرگ و نیستی‌اش، سیاستهای تجاوزگرانه خود را در منطقه هرچه بهتر پیش برد و امکانات بیشتری در فائق آمدن بر بحران اقتصادی خود بدست آورد.

خلقهای ما با شناخت ماهیت امپریالیستی این جنگ وظیفه دارند ضمن افشای نقش امپریالیستها در این جنایت بزرگ با تمام امکانات بر علیه این جنگ امپریالیستی بپا خاسته و با جنگ انقلابی خود سازماندهندگان واقعی و مجریان حلقه بگوشان را نیست و نابود سازند و این است پاسخ خلقهای تحت ستم ما به امپریالیستها و جمهوری اسلامی. به امپریالیستها که با شعله‌ور نگهداشتن این جنگ ویرانگر هرروزه عده‌ای از جوانان دوکشور را قربانی مطامع آزمندانه خود میسازند.

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق



"دهقانان به عنوان ۵۵۵۵

از صفحه ۲۳

یکی از وفادارترین متحدین طبقه کارگر خواهند شد.

این است طرز درک موضع کمونیستها در قبال دهقانان بعنوان متحد طبقه کارگر.

طبقه کارگر نمیدانند؟ نه، دست شستن از دهقانان بمعنای ارتکاب جنایت در قبال هم کارگران و هم دهقانان است. ما بایستی با هر چه در توان داریم بکوشیم تا فهم سیاسی دهقانان را بالا ببریم. آنها را روشن کنیم و آنها را به طبقه کارگر یعنی رهبر انقلاب نزدیکتر کنیم و آنگاه خواهیم دید که آنان متحد هر چه را ساختار و هر چه قابل اعتمادتر طبقه کارگر کشور ما خواهند شد.

وقتی که انقلاب در غرب واقع میشود، دهقانان متحد کاملاً راسخ و

با دروهای رفیقانه

ژ- استالین

تاریخ اولین انتشار ۹/فوریه ۱۹۲۶
ترجمه از مجموعه آثار استالین
جلد ۸ صفحات ۹۷ تا ۱۰۰

وزارت آموزش و پرورش ۰۰۰

از صفحه ۲۴

کل خاورمیانه را به دژی نظامی تبدیل نموده اند جمهوری اسلامی نیز کل ایران را به سربازخانه ای بزرگ تبدیل نموده است و همه امکانات کشور را در جهت رشد و گسترش ماشین جنگی لعنتی اش به کار گرفته و هر روز بر طبل جنگ میگوید و والفجرها و کربلاها و نصرهای جدیدی را سازمان میدهد. حملاتی که جز قربانی شدن عده هرچه بیشتر از جوانان کشور نتیجه دیگری نداشته و ندارد. ماشین جنگی رژیم ددمنش برای حرکت خود اساسا به دو چیز نیاز دارد نیروی انسانی و منابع مالی برای تهیه اسلحه و دیگر نیازهای جبهه ها و همه گوش رژیم نیز در جهت تهیه همین امور متمرکزگشته است. جمهوری اسلامی از سوئی به اشکال مختلف و با اعمال قوانین و مقررات سرکوبگرانه گوناگون به شکار جوانان میپردازد. و از سوی دیگر با مالیاتهای گوناگون و با جکبیری های مختلف به چپاول دسترنج توده ها میپردازد تا گاهی به وضعیت وزارت آموزش و پرورش این رژیم خود گویای واقعیت فوق بوده و نشان میدهد که مفهوم همه چیز به سوی جبهه ها و "اولویت جنگ" در برنامه های این رژیم در زندگی واقعی چه معنایی پیدا مینماید.

اگر وزارت آموزش و پرورش منطقاً وظیفه اش ساختن مدارس و تهیه امکانات آموزشی برای آموزش جوانان میباشد اما در تحت حاکمیت رژیم سربازخانه ای جمهوری اسلامی این وزارتخانه خود به وسیله ای برای تامین نیروی انسانی و مالی این جنگ امپریالیستی تبدیل شده و به وحشیانه ترین شکل آموزشی آموزش جوانان کشور را به میدانهای مرگ و نیستی این جنگ گسیل میدارد.

نگاهی به آمارهای که مهندس کتیراشی معاونت جنگ وزارت آموزش و پرورش در اطلاعات ۲۴ فروردین مساه اعلام نموده خود گویای عمق جنایت و

وحشیگری جمهوری اسلامی است. رژیمی که از تامین حداقل معاش توده ها عاجز است، نه تنها بخش مهمی از بودجه مملکت را رسماً به جنگ اختصاص میدهد بلکه بطور غیرمستقیم نیز بقیه این بودجه را در همین جهت سوق داده و عملاً نشان میدهد که بودجه کشور به برای مسائل عمرانی و آموزشی که کاملاً در جهت تامین ماشین جنگ و سرکوب این رژیم قرار گرفته است. کتیراشی میگوید: "در سالهای اخیر سالیانه ۱۲۰ هزار نیرو از فرهنگیان و دانش آموزان به جبهه ها اعزام شده اند" و ادامه میدهد که: "۶۵٪ از سپاهیان حضرت مهدی و ۵۷٪ از سپاه حضرت محمد را نیروهای اعزامی دانش آموزان تشکیل میدهند و در ادامه سخنانش میگوید: "کارکنان آموزش و پرورش نیز ۱۴۵ میلیون تومان به جبهه های جنگ کمک کرده اند که این کمکها یاب به شکل مستقیم بوده و یا طبق اظهار تمایل آنها، از حقوقشان کسر شده".

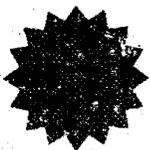
این آمار خود بروشنی گویای واقعیت سرکوبگرانه وزارت آموزش و پرورش است و زارشی که به جای آموزش دانش آموزان و رفع تنگناهای موجود در این زمینه با ایجاد معاونت جنگ بوسیله ای برای سربازگیری و اخاذی تبدیل شده است. اگر ۶۵٪ سپاهیان مهدی و ۵۷٪ سپاه محمد را دانش آموزان تشکیل میدهند اولاً این به مفهوم آنست که بیش از نیمی از قربانیان این جنگ امپریالیستی راهم دانش آموزان تشکیل میدهند و ثانیاً بیانگر ابعاد یورش سازمان یافته و وحشیانه رژیم به دانش آموزان برای قربانی نمودن آنها در راه منافع امپریالیستها نیز میباشد. دانش آموزانی که میبایست در مدارس به کسب علم و دانش بپردازند در جمهوری اسلامی برای خنثی سازی میادین مین بمثابه نیروهای یکبار مصرف چنین جنایتکارانه بکار گرفته میشوند.

این آمار در ضمن بیانگر کوشه ای از اخاذی ها و باجگیریهای جمهوری اسلامی نیز میباشد و نشان میدهد که

چگونه از حقوق فرهنگیان کلاه حقوقشان به هیچوجه کفاف زندگیشان را نمیدهد ۱۴۵ میلیون تومان بقول کتیراشی مزدور "یاب به شکل مستقیم و یا طبق اظهار تمایل آنها" و در واقعیت با زور و اجبار بالا کشیده شده است و در جهت جنگ ارتجاعی قرار گرفته است.

اما همه این واقعات بروشنی تمام نشان میدهد که دانش آموزان مبارز ما و فرهنگیان مبارز ما باید بیش از گذشته به مبارزه خود بر علیه این جنگ امپریالیستی و اخاذیها و اعزامهای اجباری مقاومت نمایند. چراکه وظیفه همه اقشار جامعه است که در این جنگ که تنها بخاطر منافع امپریالیستها و سگهای زنجیریش سازمان یافته و ادامه دارد نه تنها شرکت ننمایند و منابع مالی شان را تامین نکنند بلکه به اشکال گوناگون بر علیه آن به مبارزه برخیزند و در جهت نابودی این جنگ ویرانگر و سازماندهندگان و مجریان جنایتکار آن بیاخیزند.

دانش آموزان و فرهنگیان مبارز ما وظیفه دارند از شرکت در این جنگ خونین که حاصلی جز قربانی شدن در راه امپریالیستها در بر ندارد خوداری کرده و به صفوف انقلاب فدای امپریالیستی خلقهای ما بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش بپیوندند تا با رشد گسترش هرچه بیشتر جنگ توده ها، یعنی تنها جنگ عادلانه و انقلابی جاری در جامعه هرچه زودتر بمساط سنگین و جنایتکارانه امپریالیستها و رژیم وابسته شان جمهوری اسلامی را برچینند و کشور را از لوث وجود آنها پاک سازند.





رژیم ضد خلقی راه دستیابی به استقلال، آزادی و امنیت در کشور را برداخته است مالیات دانست، موسوی مزدور ایمن سخنان را بعد از پایان جلسه هیئت دولت در ۲۶ تیرماه در پاسخ به سوال خبرنگاران با بسطی تمام چنین بیان نمود: "بدون پرداخت مالیات دستیابی به استقلال، آزادی و امنیت در داخل کشور امکانپذیر نخواهد بود" موسوی مزدور با این سخنان سعی دارد اخذیها و غارت و جپاول رژیم مزدور را کوشش در جهت برقراری استقلال و آزادی و امنیت در کشور جلو دهد، گرچه واضح است که برقراری امنیت و استقلال

و آزادی برای این جیره خواران امپریالیست معنایی جز ایجاد شرایطی در جامعه که بتوان آسوده و بدون مشکل، هر چه بیشتر توده های زحمتکش را غارت نمود و به این وسیله جیب خنود و اربابان را پرتر کرد، ندارد. در مقابل این اراجیف سردمداران مزدور جمهوری اسلامی توده های مبارز مابایستی بدانند که بدون نابودی رژیمهای همچون رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و قطع سلطه اربابان امپریالیستش دستیابی به استقلال، آزادی و امنیت اجتماعی در داخل کشور امکانپذیر نخواهد بود. رژیم تن نداد و به مقابله با آن برخیزند.

● خبرگزاری آسوشیتد پرس بنقل از مقامات دولتی آمریکا اعلام نمود که غلبه غم مخالفت کاسپرو ایندیرگر وزیر دفاع شورای امنیت ملی آمریکا فروش ۹۰۰۰۰۰ دلار وسائل کامپیوتری به ایران را تصویب کرده است.

● خبرگزاری آسوشیتد پرس نوشت که این بزرگترین معامله آمریکا با ایران بعد از بر ملا شدن فروش مخفیانه اسلحه به ایران توسط دولت ریگان میباشد. لازم به توضیح است که معامله فوق در زمره مدها معاملاتی است که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در پس پرده تبلیغات فریبکارانه ضد امپریالیستی اش هر روزه با "شیطان بزرگ" انجام میدهد. که این مورد بعطت تفادهای درونی هیئت حاکمه آمریکا بر ملا گردیده است.

ضد خلقی اخیر رژیم را خنشی نموده و از شرکت در جبهه های مرگ و نیستی خودداری نمایند.

● در حالیکه بر اثر نتایج جنگ خانما نوز هفت ساله و گرانی و بیکاری ناشی از آن روز بروز و بیش از گذشته، زندگی توده های کشورمان در وضعیت بس دهشتناکی قرار گرفته، در شرایطی که کمبود ارزاق عمومی و گرانی مایحتاج اولیه زندگی، کمزرفرد زحمتکشی را خرد نموده، رژیم جنایتکار و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بهر وسیله و تحت هر عنوانی راهزنانه حداقل درآمد توده های زحمتکش را به نفع اربابان امپریالیستش و در جهت هر چه بیشتر کرمتر نمودن تنور جنگ، از جنگ آنان منرباید. در ادامه اخذیهای رژیم مزدور تحت عنوان "کمکهای مردم به جبهه ها" و با "کاروان تها راکاتی لشکریان صاحب الزمان" اخیرا رژیم ضد خلقی کمکهای گوناگونی به ارزش "نوزده میلیون و پانصد و شصت هزار ریال" از توده های زحمتکش شهرستان ساری جمع آوری کرده است. رژیم مزدور چنین عمل مشابهی را نیز در چند دهکده از توابع شهرستان کرمستان انجام داده کل مبلغ اخذی شده از روستایان زحمتکش چندین دهکده از توابع کرمان، مبلغی بیش از چهار میلیون و هشتصد هزار ریال میباشد.

● میرحسین موسوی نخست وزیر مزدور

● پایگاه دماوند سپاه پاسداران ضد خلقی با صدور اطلاعیه ای از کلیه نیروهای اعزام مجدد - پشتیبانی و تخمینی - آموزش دیده دعوت نمود که تا هفتم تیرماه جاری، جهت ثبت نام در کاروان مدافعان خلیج فارس، خود را به مراکز بسیج منطقه دماوند معرفی نمایند. پس از طرحهای گوناگون بسیج که از سوی رژیم ضد خلقی برای روانه کردن جوانان کشور به مسلخ گاههای جنگ امپریالیستی تحت عناوین مختلف سپاه مد هزار نفری حضرت محمد، حضرت مهدی، راهیان کربلا و طرحهای دیگری از جمله طرح لبیک یا امام و غیره اجرا شده، اینک "کاروان مدافعان خلیج فارس" شکر دیگری است که رژیم ضد خلقی جهت بسیج بیشتر جوانان برای گوشه نشینی دم توپ گردنشان، عرضه نموده است. آنچه روشن است تغییر نامها و تبلیغات گوناگون دیگر در رابطه با این بسیج جدید چیزی نیست جز همان کوششهای چند ساله رژیم مزدور جهت تداوم جنگ و نابودی خیل دیگری از جوانان کشور. بی شکرنگ و لعاب جدید، کشیده شده بر این کوشش اخیر، تا شیری در توده های مبارزمان نخواهد گذاشت و سردمداران مزدور همچنان ناچارند همچون قبل با استفاده از حربه زور جوانان کشور را به مسلخ گاههای جنگ امپریالیستی بکشانند. در مقابل جوانان و توده های مبارز نیز از هرفرستی میبایست استفاده کرده و کوشش

● آخوند مزدور مامی کاشانی در نماز جمعه ۲۱ تیرماه در تهران با زمینه سازی و آوردن فاکت‌های تاریخی از عذر اسلام با ردیگر همچون بقیه سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی بیشرمانه سعی نمود افکار عمومی را جهت چپساول بیشتر دسترنج توده‌های زحمتکش از سوی رژیم ضد خلقی آماده سازد. او پس از تعریف و تمجید از مردم با تکیه به احادیث زمان پیغمبر مقصود اصلی خود را چنین بیان داشت: "در جنگ پیغمبر اکرم مردم می‌آمدند و به پیغمبر می‌فرمودند: می‌آیدند میگفتند و تا باغ داریم یک باغمون را برای جنگ میدهیم. پیغمبر نیز می‌فرمودند که قیامت من شفاعت میکنم برای تو همین باغ را بگو بدهند. می‌آمدند میدادند کمک میکردند جنگ را اداره میکردند." این مزدور با بیان چنین غزلیاتی سعی میکند تا هر چه بیشتر زمین‌ها را برای تعرض گسترده تر به حداقل معاش زحمتکشان آماده سازد و البته در ازاء این تاراج وحشیانه با وعده‌های آسمانی سعی دارد توده‌های زحمتکش را فریب میدهد.

● مبارزه با منکرات و بی حجابی پوششی است که رژیم ضد خلقی به بهانه آن تاکنون به جنایات بی سابقه ای مبادرت ورزیده و با تکیه به آن سعی در سرکوب وسیع تر توده‌ها و بخصوص زنان مبارز ما دارد. طبق اخبار واصله از تهران مدتی است که ۴۰ الی ۵۰ تن از مزدوران رژیم در دونوبت صبح عصر مابین میدان ولی عصر تا چهارراه ولی عصر (میدان و چهارراه ولیعهد سابق) تجمع کرده و به اصطلاح بسا منکرات و بی حجابی مبارزه میکنند. این مزدوران بر روی زنانیکه حجاب را بطور کامل رعایت نکرده‌اند آب اسید میپاشند و مردانی که پیراهن آستین کوتاه به تن دارند را دستگیر میکنند. البته لازم به تذکر است که همین اعمال مزدوران از سوی توده‌ها بی جواب نمانده آنان به هوشکل ممکن در مقابل این جنایات مقاومت مینمایند. بسوی نمونه چندی پیش هنگامی که مزدوران قصد دستگیری ۲ دختر جوان را داشتند

مردم به نشانه اعتراض شروع به سوت زدن و هو نمودن اراذل و اوباش جمهوری اسلامی نمودند.

● اخیرا گشتی های سرکوبگر رژیم برای کنترل شدیدتر مردم به تحرک خود افزوده و به هر مکانی سرک میکشند. برای نمونه مزدوران برای کنترل توده‌ها، با ماشین وارد پارک‌های تهران میشوند. این امر موجب نارضایتی و اعتراض توده‌ها گشته و تا کنون باعث درگیریهای متعددی بین مردم و عناصر مزدور رژیم شده است.

● کارگران مجموعه صنعتی ملی که ۲۶ شرکت تحت پوشش سازمان صنایع ملی را شامل میشود در مقابل تصمیمات اخیر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه کارگران میبایست ۳ ساعت اضافه کاری مجانی جهت کمک به جبهه‌های جنگ امپریالیستی انجام دهند بمدت ۲ روز دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب چنان گسترده و یکپارچه بود که سردمداران رژیم را بوحشت انداخت و بالاخره کارگران توانستند طرح رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را با شکست مواجه سازند. و مدیریت این مجموعه در تاریخ ۱۶ خرداد اعلام نمود که طرح ۳ ساعت اضافه کاری مجانی جهت کمک به جبهه‌های جنگ امپریالیستی به اجراء در نخواهد آمد.

● رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای حفظ منافع امپریالیستها از هیچ جنایتی در حق خلقهای ستمدیده ایران کوتاهی نمیکند. برای نمونه مزدوران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی اخیرا برای مداوای مجروحین جنگ امپریالیستی ایران و عراق، کودکان مردم زحمتکش را ربوده و پس از کشیدن تمامی خون بدنشان آنان را نیمه جان و یا مرده در مناطقی خلوت برجای میگذارند. در شهرستان ارومیه تاکنون حدود ۲۰۰ کودک که توسط مزدوران رژیم خون بدنشان کشیده شده بود در کوچه‌های این شهر پیدا شده و از سرنوشت چند کودک دیگر خبری در دست نیست این جنایت رژیم خشم مردم را تشدید و برانگیخته و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بیش از پیش

در نزد توده‌ها منفور گردیده است. سردمداران رژیم باید بدانند این ظلم و جنایت آنان بیجواب نخواهد ماند و روزی دست توانای خلق شرابین نوکران حلقه بگوش امپریالیسم اربابانشان را برای همیشه از سر زحمتکشان میهنمان کوتاه خواهند نمود.

● میرحسین موسوی نخست وزیر مزدور جمهوری اسلامی در جلسه چهارشنبه سوم تیرماه هیئت دولتش در بخشی از سخنان خود به این امر اشاره نمود که "یکی از مهمترین گرایشهایی که در قانون اساسی وجود دارد تلاش در جهت کاهش فاصله درآمدقشرهای مختلف و از بین بردن فقر اقتصادی است".

نخست وزیر مزدور در سخنان خود برای بیشتر نشان دادن این گرایش به سخنان بهشتی معدوم نیز اشاره نمود و برای اثبات وجود چنین مسئله‌ای گفت که: "این گرایش در سخنان بزرگان ما چون آیت الله بهشتی نیز وجود دارد". برخلاف سخنان این مزدور واقعیت این است که چه قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی و چه خود این رژیم ضد خلقی و سردمداران مزدوروش تنها و تنها بر این اساس بوجد آمده‌اند که چنین فاصله درآمدی را حفظ و گسترش بخشند. چرا که تا نظام سرمایه داری وابسته با برجاست "فقر اقتصادی" و فاصله‌های عظیم بین درآمد‌های قشرهای مختلف جامعه نیز پابرجا خواهد بود و قانون اساسی جمهوری اسلامی درست در جهت قانونیت بخشیدن به این نظام تدوین گردیده و رژیم مزدور جمهوری اسلامی نیز برای حفظ همین نظام به انجام وظیفه ضد خلقی خود میپردازد و نگاهی به عملکرد چندین ساله سران مزدور این رژیم خود بخوبی نشان دهنده کذب محض سخنان موسوی جنایتکار است.

● سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از طریق مزدوران خود در انجمنها و شوراهای اسلامی بعاوین مختلف و تحت نامهای مختلف توده‌های زحمتکش را چپساول مینمایند. برای نمونه کارکنان زحمتکش شرکت ملی فولاد البرز شرقی

در شهرستان شاهرود هنگامیکه برای دریافت حقوق فروردین خود مراجعه مینمایند مشاهده میکنند که یک روز از حقوق آنان کسر شده و در همین زمان نیز مزدوران سرکوبگر رژیم اعلام مینمایند که کارکنان این شرکت یک روز از حقوق فروردین ماه خود را به جبههها اهداء نموده اند و بدینسان کارگران و کارمندان این شرکت که با عمل انجام شدهای مواجه میگرددند نمیتوانند بر علیه این اقدام ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی عکس العمل مناسبی انجام دهند.

● ستاد پشتیبانی جنگ مستقر در وزارت آموزش و پرورش شهرستان شاهرود طی اطلاعیه ای اعلام نمود که در شش ماهه اول سال تحصیلی ۶۵-۶۴ محصلین این شهر مبلغی بیش از ۴ میلیون ریال به جبههها کمک نموده اند. این ستاد سرکوبگر و جباول گر همچنین اضافه میکند که علاوه بر این مقدار ۵۰۰ کسه خون نیز از محصلین در این شهر گرفته شده است. مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همواره سعی میکنند تا پولهای را که بسزور از خلقهای تحت ستم ایران اخذ می نمایند، تحت نام کمکهای اهداشی جابزنند.

● کمبود آب در خوزستان مشکلات زیادی برای اهالی این استان به همراه داشته است بخصوص که با فرارسیدن گرمسار کمبود آب شدت یافته و اهالی این استان گاهی برای تهیه یک بشکه آب مبالغ هنگفتی پول پرداخت مینمایند. اهالی روستای لاسوید و چاه مارین واقع در شهرستان بهبهان بارها جهت رفع کمبود آب به مسئولین مربوطه مراجعه نموده اند ولی هر بار بی نتیجه می توجهی آنان مواجه گشته اند تا جائیکه این امر باعث شدت ناپسی ناراضی زحمتکشان دو روستای فوق گردیده است.

● سرمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی همیشه در تبلیغات فریبکارانه خود ادعا میکنند که مبالغ هنگفتی جهت بازسازی مناطق سیلزده و جنگزده کشور صرف

نموده اند و با این حيله از خلقهای زحمتکش ایران بعنوان مختلف از قبیل کمک به جنگرگان و کمک به سیزرگان اخذی مینمایند. اخیرا حبیب دیباغ مسئول ستاد بازسازی استان ایلام گفت که مقدار اعتبار جهت بازسازی استان ایلام در سال جاری مبلغ ۱۱۰ میلیون تومان میباشد در حالیکه در سال ۶۵ اعتبار این استان ۴۴۶ میلیون تومان بود. البته اگر به این مسئله نپردازیم که اینگونه اعتبارات همواره در عمل چگونه مصرف میشوند مبینیم که مقدار اعتبار جهت بازسازی استان ایلام در سال ۶۶ چهار برابر کمتر از مبلغ اعتبار در سال ۶۵ میباشد این مزدور اضافه میکند مبلغی که در نظر گرفته شده بهیچوجه جوابگوی مردم نیست و "دفتر مرمت و بازسازی" نمیتواند بیش از یک قطعه به مردم پرداخت نماید.

● رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مدت خدمت افرادی را که بنا زور تحت نام طرح صاحب الزمان به جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق میفرستاد را به در برابر افزایش داد.

سپاه پاسداران ضد خلقی طوسی بخشنامه ای اعلام نمود که مدت خدمت نیروهای طرح صاحب الزمان از ۴۵ روز به ۳ ماه افزایش یافته است با این بخشنامه افرادی که با زور سر نیزه به جبههها فرستاده میشوند میبایست ۹۰ روز در جبههها برای تامین منافع امپریالیستها خدمت نمایند. در واقعیت سپاه ضد خلقی با این بخشنامه احتمال مرگ نیروها را در میدانهای این جنگ ارتجاعی دوبرابر ساخته است.

● خمینی مزدور به نام دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه سراسر کشور جواب مثبت داد. نامه فوق الذکر از طرف اغفای مزدور دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه سراسر کشور نوشته شده بود. در این نامه از مزدورانی که مقام امامت جمعه شهرها و استانهای مختلف کشور را دارا میباشند درخواست شده بود که به فعالیت خود در مقامشان ادامه داده و در انتخابات آتیستند مجلس ضد خلقی بعنوان کاندیدا شرکت

نکنند. همچنین در این نامه مقررات خاصی در رابطه با شرکت احتمالی برخی از امام جمعه های کشور در انتخابات آتیستند مجلس ضد خلقی وضع گردیده. بعنوان مثال یکی از این مقررات عدم استفاده امام جمعه ها از تربیون نماز جماعت در جهت تبلیغات بر علیه یا علیه شرکت کنندگان دیگر میباشد. انتشار نامه فوق الذکر و جواب خمینی مزدور بدان حاکی از حدت تضادهای درونی جمهوری اسلامی میباشد که جناحهای مختلف آن قبل از با جلاخ انتخابات مجلس شروع به محدود کردن همدیگر نموده اند.

● منتظری سه روز پیش با چند تن از مزدوران شورای عالی قضائی، قضات و دادستانهای دادگاههای عمومی و با صلاح دادگاههای انقلاب در قم دیدار نمود. سفیه عالیقدر در این دیدار مزدوران دیگر را از جوسازی بر علیه یکدیگر و زیو سوال بردن مسئولین و عناصر سرسپرده رژیم که پستهای مهم سرسپردگی را بعهده دارند در جذر داشت. منتظری مزدور در بخش دیگری از سخنانش در رابطه با گسترش فساد و فحشاء و اعتیاد گفت: "مسئله اعتیاد و گسترش فحشاء جنبه سیاسی دارد چرا که یکی از مصوبات کنگره ای که در اسرائیل تشکیل شد این بود که در کشورهای اسلامی مواد مخدر و فحشاء را ترویج کنند و لذا بر مردم و مسئولین قضائی کشور لازم است علیه این امور بسیج شده و با آن با قاطعیت برخورد کنند". منتظری مزدور با منتسب نمودن ریشه گسترش فحشاء و اعتیاد به توطئه های خارجی در حقیقت مزدورانه کوشش مینماید که این واقعیت را که عامل اصلی گسترش فساد و فحشاء و اعتیاد در میهنمان نظام سرمایه داری وابسته و رژیم جمهوری اسلامی میباشد را به این وسیله لاپوشانی نماید.

● ولایتی مزدور وزیر خارجه رژیم جمهوری اسلامی به کشور اطریش سفر نمود. مذاکره جهت افزایش تماسهای ایران و اطریش در زمینه بازرگانی و صنایع و همچنین همکاریهای سیاسی بین دو کشور از جمله دلایل قید شده برای

جهاد دانشگاهی، معرفی مردم اصفهان است هنگامیکه مزدوری چون نصراله صالحی برای خوش رقصی در مقابل آریابانش اقرار میکند که تنها در شهر اصفهان و فقط در یک روز ۳۶۰ تن تشییع جنازه گردیده و این کشته شدگان را بحساب افتخارات مردم اصفهان میگذارد میتوان پی برد که در هر حمله، رژیم جمهوری اسلامی چه تعدادی از جوانان میمنمان را به کشتن میدهد.

● بدنبال درخواست دولت آلمان غربی از رژیم جمهوری اسلامی برای آزادی ۲ تن از ربهوده شدگان آن کشور که در دست تروریستهای طرفدار رژیم خمینی، اسیرند، دولت ایران نیز متقابلاً از دولت آلمان خواست به ازای این کار مخالفان رژیم ایران که در آلمان به فعالیت مشغولند را از آن کشور اخراج نماید.

● منتظری مزدور در سخنرانی خود در ۱۸ تیرماه گفت: "در شرایط ما افراد و طبقات مختلف مضموماً قشر عظیمی از حقوق بگیران دولتی در شرایط سخت، هستند و گناهی به گردن افراد متمکن است، ثروتمند است، بگردن آنهاست است که احتکار و گران فروشی میکنند و بازار سیاه ایجاد میکنند و خون ملت مظلوم را میکنند".

منتظری هراز چندگاهی بر علیه گرانفروشی و احتکار و بازار سیاه فریبکارانه سخن میگوید اما نمیگوید که این افراد متمکن همانا سردمداران جمهوری اسلامی و همیالکیها و هم طبقه‌های های خودش میباشند که با مکیدن شیر جان زحمتکشان هر روز بر سرمایه‌های خود میافزایند و حسابهای بانکی خود را بیشتر میسازند و برای فریب توده‌ها بخشی از زحمتکشان جامعه را بنام گرانفروشی و محتکرو غیره به ملامت میکشند.

● رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، در ادامه بسط سلطه سرکوبگرانه‌اش اخیراً در ترمینالهای غرب، شرق و جنوب تهران کمیته‌های ویژه‌ای ایجاد کرده که وظیفه کنترل دقیق مسافریان در ساعات مختلف را برعهده دارند.

اردبیلی مزدور در این ملاقات بیانگر تبلیغات ریاکارانه سران رژیم نسبت به خمینی این سگ زنجیری امپریالیسم میباشد. او در همین ملاقات ضمن عنوان بعضی از مشکلات قضا، از دخالت‌های جناح‌های رقیب شکایت نمود و سعی کرد تا با تصحیح دستاویز از خمینی مزدور نوکری خود را بار دیگر اثبات نماید. اردبیلی مزدور در این دیدار بخشی از مشکلات قضا، را چنین برشمرد: دائماً هم این مشکلات هست گاهی بعنوان نبودن قانون کافی مدون و گاهی بعنوان یک دخالت‌های بی‌گانه از بعضی جاها میشه، گاهی بوسیله بعضی تنگناهایی که پیش میاید.

● منتظری ابله در دیدار با رافسنجانی و سایر نمایندگان سرسپرده مجلس ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی گفت الان ۸ سال است که از انقلاب میگذرد دیگر خیلی شعار ندهید. اول برای جنا افتادن انقلاب و برای مرغوب کردن دشمنان شعار زیاد لازم بود اما شعارهایی که بی محتوا باشه و وعده‌هایی که معلوم نیست بتوانیم این وعده‌ها را عملی کنیم را ندهید. و بدینسان منتظری مزدور ماهیت اصلی شعارهای سردمداران رژیم را عیان میسازد. این مزدور میگوید کسه شعارهای داده شده از طرف حکومت برای سرکوب دشمنان رژیم یعنی خلقهای ایران و فرزندان انقلابیشان انجام گرفته تا این حکومت سنگین جابیفند ولی اکنون که توده‌ها پس از ۸ سال شعارها را عملی نشده میبینند، دیگر فریب نخواهند خورد پس این شعارها نیز بر ضد رژیم تبدیل میگردد از این روست که منتظری مزدور از همیالکیهایش میخواهد که از دادن شعارهای زیاد خودداری کنند.

● نصراله صالحی حاجی آباد نماینده اصفهان در سخنان خود که در روزنامه دولتی اطلاعات بجا پرسید گفت: تشییع جنازه ۳۶۰ جنازه در یک روز، راه اندازی کاروانهای ۳۰۰ تا ۴۰۰ کامیون برای کمک به جبهه‌ها در یک روز و نیز ابتکار و عظمت آنها در صنایع نظامی و تعمیر وسائل جنگی و خدمات

این سفر میباشد. لازم به یاد آوری است که در چند سال اخیر بین رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و اطیش رابطه دوستانه و همکاریهای متقابلسی در زمینه‌های گوناگون وجود داشته. اطیش از جمله کشورهایی است که علیرغم سیاست ظاهریش مبنی بر عدم فیرش تسلیحات نظامی به دو طرف جنگ ایران و عراق، بطور مخفیانه ابزار آلات جنگی و از جمله توپخانه در اختیار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار داده است. بی تردید یکی از دلائل اصلی سفر اخیر ولایتی مزدور به وین ایجاد زمینه بیشتر برای گسترش اینگونه معاملات تسلیحاتی با اطیش میباشد.

● رژیم ضد خلقی در ادامه بسط اجباری جوانان جهت تامین نیروی انسانی مورد نیازش در جبهه‌های جنگ امپریالیستی اعلام نمود که گروه کشوری از نیروهای داوطلب رزمی آموزش دیده از استان خوزستان را به همراهی عشایر عرب و همچنین گروه کشوری دیگری داوطلب از استان مرکزی را از شهر اراک تحت عنوان مدافعان خلیج فارس، روانه جبهه‌های سرک و نیستی شونده. مدافعان خلیج فارس عنوان جدیدی است که رژیم ضد خلقی تحت آن بسیاری از جوانان را اجباراً اما بعنوان داوطلب بسوی جبهه‌های جنوبی جبهه جنگ ایران و عراق روانه نموده است.

● پس از پایان سمینار با اصطلاح شورای قضائی کشور که چند روز پیش برگزار گردید موسوی اردبیلی جنایتکار به همراهی غده‌ای از اعضاء و کارکنان قضائی کشور که در این سمینار شرکت نموده بودند جهت دیدار با خمینی مزدور به ملاقات وی رفتند. موسوی اردبیلی این مهره سرسپرده در بخشش از سخنانش در این دیدار پیرامون نقش خمینی مزدور چنین اظهار داشت که: "وجود شمار میان ما مثل وجود پیغمبر اکرم در میان امت اسلام است... تا پیغمبر اکرم وجود داشت در میان مردم، خداوند یک مومنیتی به امت اسلامی داده بود." سخنان

● منتظری جنایتکار در دیدار با فرماندهان نواحی جنگی و مراکز آموزشی ژاندارمری گفت: "زندگی مسئولین باید بطور ساده و بی آرایش باشد که افراد فقیر و مستمند با دیدن آنها بتوانند زندگی خود را تحمل کنند و مشکلات طاقت فرسا برای آنها غیر قابل تحمل نشود" این سخنان به روشنی ماهیت فربیکاران تیلیفست جمهوری اسلامی را برملا میسازد و نشان میدهد که این مزدوران برای فریب توده‌ها تازندگی طاقت فرماییشان

برایشان قابل تحمل باشد دم از سادگی و بی آیشی میزنند در همان حال این سخنان نشان میدهد که "افراد فقیر و مستمند" که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند در چه شرایط طاقت فرمائی به سر میبرند که حتی سران مزدور جمهوری اسلامی نیز قادر به کتمان آن نیستند. ثانیاً سرمداران جنایتکار رژیم با چپاول و غارت اموال توده‌ها درجه ناز و نعمتی بسر میبرند که منتظری ابله را مجبور ساخته است برای حفظ نظام به آنها گوشزد کند که باید قدری حفظ ظاهر را حفظ بنمایند.

با بیان دادند. اما از فدای آن روز مزدوران ساعت هواخوری زندانیان سیاسی زن را بمدت ۵۰ روز قطع کردند. ● اخیراً مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی خانواده پیشمرگان را در کردستان تحت فشار قرار داده‌اند که با گرفتن امان نامه از ارگانهای سرکوب رژیم فرزندان انقلابیشان را برای ترک جنبش خلق کورد تحت فشار قرار دهند. خبر رسیده از شهر سنندج حاکیست که مزدوران رژیم به خانواده‌های پیشمرگان در این شهر اعلام نموده‌اند چنانچه خانواده‌ای فرزندش پیشمرگه باشد و او را تحویل ندهد مادر آن پیشمرگه به ۲ سال زندان محکوم خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی چندین سال است که با سیاست دادن امان نامه سعی مینماید خانواده پیشمرگان را فریفته و بدینوسیله پیشمرگان را برای ترک میدان مبارزه تحت فشار قرار دهد.



● کمک به مدافعان خلیج فارس بنانه‌ای است جدید که سران مزدور جمهوری اسلامی با اتکاء بدان به اغاذبهای گسترده خود مشغولند. رژیم جمهوری اسلامی گزارش داد که کاروان پشتیبانی تدارکاتسی مدافعان خلیج فارس به ارزش تقریبی ۹۲ میلیون ریال جمع آوری شده‌از هدایای مردم کردستان پس از عبور از خیابانهای شهر سنندج به جبهه ارسال گردید. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای امپریالیستی مبنی بر تداوم جنگ، سعی مینماید که بخشی از هزینه‌های سرسام آور جنگ فوق را به دوش کارگران و زحمتکشان میهنمان سرکش نماید. جمع آوری با اصطلاح هدایای اخیر از سنندج استان کردستان در ادامه همین سیاست میباشد. این اغاذی در شرایطی صورت میگیرد که نرخ گرانی ما یحتاج اولیه زندگی در کردستان بیداد میکند.

● در اردیبهشت ماه زنان زندانی سیاسی شهر سنندج بمدت ۱۵ روز دست به اعتصاب غذای گسترده زدند. این اعتصاب بخاطر اعتراض زنان زندانی به وضعیت بد زندان از نظر غذا و مکان و چه از نظر برخورد های وحشیانه و غیر انسانی افراد مزدور رژیم در زندان انجام گرفت. در این مدت با آنکه عده‌ای از زنان مبارز بحالت اغما افتادند ولی هیچگونه ضعفی در اراده خلل ناپذیر آنان بوجود نیامد و حتی مزدوران رژیم نیز نتوانستند بوسیله قوانین خود در جهت شکست این اعتصاب قدمی بردارند. بناچار مزدوران تسلیم بعضی از خواسته‌های زندانیان شده و وعده‌های در جهت بهبود شرایط زندان بینه زندانیان دادند و اعتما بیون نیز با گرفتن این وعده‌ها به اعتصاب خود

سنندج
● مزدوران رژیم بنابرین مختلف سعی دارند از روستائیان زحمتکش اغاذی نمایند. در تاریخ ۱۵ خرداد مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از طریق شورا های اسلامی روستای "زوبنج" از بخش "گلستان زن" سنندج مردم این روستا را تحت فشار قرار میدهند که باید به جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق کمک نقدی بنمایند ولی اهالی زحمتکش در مقابل این زورگوییها مقاومت نموده حاضر نمیشوند پولی بجهه جیره خواران رژیم پرداخت نمایند. مزدوران که خشم توده‌های زحمتکش آنانرا به هراس انداخته بود، بدون گرفتن پول زحمتکشان را رها نموده و بی کارشان میروند.

زنده باد خلق رز منده کرد که برای آزادی میجنگد

● رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ امپریالیستی ایران و عراق احتیاج شدیدی به پول دارد از این رو در شهرستان سنندج مزدوران رژیم به اشکال گوناگون به اخاذی از مردم دست میزنند. این مزدوران عوارض آب و برق این شهر را به دو برابر قیمت قبلی افزایش داده اند. که این امر موجب خشم شدید مردم سنندج گردیده است. در ضمن بیمارستانهای شهر سنندج مطبوعات زخمیهای جنگ اخیر میباشند و بعلت کمبود خون در بیمارستانها از زنانسی که برای زایمان به بیمارستان مراجعه میکنند یک کیسه خون میگیرند و چون زن پس از زایمان قادر به دادن یک کیسه خون نیست لذا همسر و یا بستگان زائیلو مجبورند که خون مورد درخواست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را تامین نمایند. ضمناً در بیمارستانهای شهر سنندج بستگان بیمارانی جای داده نمیشود و بستگان مریض باید قند و چای بیمارانی را بخورند تا مین نمایند.

● افزایش گرانی ما بحتاج اولیه در اقصی نقاط کشور فشار سنگینی را بر زندگی توده های زحمتکش وارد آورده است. اخبار رسیده نشان میدهد که در شهر سنندج گرانی به حدیست که اکثر خانواده ها قادر به تهیه ما بحتاج زندگی خود نیستند برای مثال قند ۱۲۵۰ ریال و شیر خشک نیم کیلویی ۲۵۰۰ ریال، مایون ترگس ۲۲۰ ریال و کبریت دانه ای ۵۰ ریال بفروش میرسد. طبق گزارش صلیب سرخ جهانی دولت ترکیه بیش از ۱۰۰ تن از پناهندگان سیاسی ایران را تحویل رژیم جمهوری اسلامی داده است. خبر رسیده از سنندج حاکیست که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی این پناهندگان را پس از تحویل گرفتن از دولت ترکیه به ۱۰ تا ۱۵ سال زندان محکوم نموده است. این افراد اکنون در زندانهای سنندج بسر میبرند.

بانه

● در اواسط تیرماه دوروستای منطقه بانه بوسیله هواپیماهای عراقی

بمباران گردید. در نتیجه این بمباران وحشیانه عده ای از روستائیان بیدفاع کشته و مجروح گشتند. با گسترش جنگ امپریالیستی ایران و عراق به نوار مرزی کردستان دو کشور تاکنون عده ای از زحمتکشان قربانی تداوم این جنگ ویرانگر گشته اند

بوکان

● مزدوران رژیم جمهوری اسلامی برای تامین مالی جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق هر روز بیش از پیش از زحمتکشان اخاذی مینمایند. خبر رسیده حاکیست که مزدوران رژیم در شهر بوکان صندوقهایی را با نام "صندوق کمک به جنگزدگان" در اختیار سفارزه داران قرار داده و از آنها خواسته اند که همه روزه در آن پول بریزند و ضمناً مشتریان خود را نیز مجبور به این کار نمایند. اما سفارزه داران این شهر که میدانند این صندوق نه برای کمک به جنگزدگان بلکه برای کمک به جنگ امپریالیستی ایران و عراق به آنان داده شده از ریختن پول در آنها خودداری ورزیده و زیر بار این زورگویی رژیم نرفتند.

سقز

● در ادامه سیاست باجگیری، مزدوران رژیم در روستاهایی که پایگاه دارند اقدام به کشیدن جاده نموده و از اهالی آن روستا میخواهند تا پول ساختن جاده را پرداخت نمایند.

در این رابطه اخبار مزدوران رژیم به چند روستای "کهورک" سقز از جمله روستاهای "قبق لوده"، "گانی بند" "حمزه قره نیان" و غیره مراجعه و از روستائیان خواسته اند تا مخارج ساختن جاده را تامین نمایند دولتی زحمتکشان در مقابل این زورگوییها دست به اعتراض زده و میگویند ما حاضر نیستیم پولی جهت ساختن جاده پرداخت کنیم زیرا جاده برای شماست نه برای ما.

● مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با کشودن آتش بر روی مشولین دستگیر شده یک تن از آنان را به شهادت میرسانند.

خبر رسیده حاکیست که خانواده مشولین دستگیر شده در تاریخ ۲۳ خرداد در بیلوار سلوی شهرستان سقز محل تجمع افراد دستگیر شده حاضر شده و بر علیه این سیاست ضد خلقی رژیم دست به اعتراض میزنند. چند تن از افراد دستگیر شده از این فرصت استفاده نموده و اقدام به فرار مینمایند ولی مزدوران رژیم که متوجه میشوند بروی آنان آتش گشوده یک تن را به شهادت میرسانند. این عمل ضد خلقی مزدوران رژیم باعث میشود که برخی خانواده های مشولین افزوده گشته و آنان با وسایل گوناگون به مزدوران حمله نمایند.

این خبر سندی دیگری است از اعمال ضد خلقی رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی بیگمان خلقهای زحمتکش ما در مقابل این جنایتها ساکت نخواهند نشست و با مبارزات یکپارچه خود رژیم مزدور جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش را به زباله دان تاریخ خواهند افکند. بیرانشهر

● مزدوران رژیم ضد خلقی جهت کنترل هر چه بیشتر توده ها به کلیه رانندگان وسایل نقلیه ای که به بیرانشهر رفت و آمد میکنند دستور داده اند که حق پیاده و سوار کردن مسافرین را در طول راه به غیر از کاراژها ندارند.

لازم به تذکر است که پاسداران رژیم در اکیبهای چند نفره و با بیسیم در کاراژهای مسافرین مسافرین را دقیقاً کنترل میکنند تا هم نیروهای انقلابی و هم مشولین و فراریان از سرپازی را شناسایی و دستگیر نمایند.

● در تاریخ ۱۱ تیرماه بخشدار مزدور بیرانشهر به همراه عده زیادی از مزدوران رژیم وارد روستای کوشر شده از زحمتکشان روستا میخواهند که چادرهایشان را از مراتع کوهستانی بربینند. سپس مزدوران برای ارباب زحمتکشان به آزار و اذیت آنان میپردازند. بخشدار مزدور برای زهره چشم گرفتن از اهالی روستا به زنی حمله نموده او را مورد ضرب و شتم قرار میدهد که در این





هنگام زنان مبارز "کوثر" باخشم به مزدوران از جمله بخشدار پیرانشهر حمله نموده و آنان را به باد کتک میگیرند. حمله زنان قهرمان کوثر چنان شدید بود که مزدوران رژیم برای نجات جان خود فرار را برقرار ترجیح داده و روستای مزبور را ترک میکنند.

مهاباد

● مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مستقر در پایگاه خورخوره شاربیران از توابع مهاباد در تاریخ ۲۵ خرداد جهت دستگیری و اعزام جوانان به جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق وارد این روستا شده و ۳ تن از جوانان را با خود به پایگاه میبرند. زنان قهرمان این روستا برای نجات جان جوانان خود به پایگاه رفته و خواهان آزادی فرزندان شان میشوند. مزدوران مستقر در پایگاه برای متفرق کردن زنان، درخواست کمک مینمایند و حدود ساعت ۷ یکدستگاه خودرو پراز مزدوران رژیم برای کمک به همکاران خود وارد روستا میشود که زنان شیردل بسوی آنان حمله نموده با مضرّب نمودن عده‌ای از مزدوران و خرد کردن شیشه‌های ماشین مزدوران آنان را مجبور بفرار مینمایند. در نتیجه مزدوران پایگاه برای رهائی از دست زنان مبارز روستای خورخوره ناچار میگردند دستگیرشدگان را آزاد سازند. در این درگیری فرمانده مزدور نیروی کمکی به سختی مجروح میگردد.

● رژیم جمهوری اسلامی با دایر کردن پستهای بازرسی جدید بخروجی جاده‌های مهاباد - رضائیه و مهاباد - میانوآب بر شدت دستگیری جوانان جهت اعزام به جبهه‌ها افزوده است. خبر رسیده حاکمیت که علاوه بر این وظیفه مزدوران مستقر در پستهای بازرسی با داشته این است که از مردم تحت نام کمک به جبهه اخاذی نمایند و اگر کسی در مقابل این اخاذیها مقاومت نموده و حاضر به پرداخت پول نگردد مزدوران رژیم او را دستگیر و روانه مراکز سرکوب رژیم مینمایند.

● مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست تخریب و تخریب روستاهای کردستان با ردیگر چندین روستا را تخریب و به آتش کشیدند. در تاریخ ۱۵ خرداد جاشهای خود فروخته منطقه منگوران مهاباد با یورش وحشیانه و گسترده‌ای روستاهای گانی ساوه، کوخان و بمبو و ژوه با زگردان را به آتش کشیده و در تاریخ ۲۱ و ۲۲ خرداد با بولدوزر آنها را با خاک یکسان نمودند. البته سال قبل نیز رژیم جمهوری اسلامی قصد تخریب روستاهای یاد شده را داشت که با اعتراض شهید اهالی روستاهای یاد شده مجبور به عقب نشینی گردید.

خبر دیگری حاکیست که مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۶ خرداد به روستای "مزبانی" از توابع مرکه رفته با آزار و اذیت اهالی این روستا آنان را مجبور به تخلیه روستا نمودند. اهالی زحمتکش روستاهای یاد شده هم اکنون در بدر و آواره گردیده‌اند. مایمان داریم که این عمل جنایتکارانه رژیم در حق خلق قهرمان کرد نه تنها در اراده آهنین این خلق در راه سرنوشت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی خللی وارد نخواهد کرد بلکه آنان را در این راه مصمم تر خواهد نمود.

● در تاریخ بیستم خرداد ماه پاسداران ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی به سر راه جاشهای خود فروخته منطقه مهاباد وارد روستای قلاچوقه گشته و به آزار و اذیت اهالی روستا میپردازند. مزدوران رژیم که با مقاومت شدید روستائیان زحمتکش مواجه میگردند برای درهم شکستن این مقاومت نارنجکی را بداخل خانه‌ای پرتاب میکنند که این عمل باعث وارد آمدن خسارت زیادی به خانه میگردد. مزدوران پس از این عمل وحشیانه مرد خانواده را چنان به باد کتک میگیرند که چند دنده مرد زحمتکش شکسته میشود. عوامل مزدور رژیم سپس پسر خانواده را دستگیر نموده و با خود میبرند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بیهوده سعی میکنند که با ضرب و شتم زحمتکشان کردستان مبارزات خلق کرد را سرکوب نمایند ولی بیگمان اینگونه اعمال ضد خلقی مزدوران نه تنها خلق

کرد را به تسلیم و ادان نخواهند نمود بلکه اراده آنان را در براندازی رژیم ستمگر جمهوری اسلامی استوارتر از پیش خواهد نمود.

سردشت

● بر اساس اخبار رسیده در تهر عرض اخیر جمهوری اسلامی بنام نهز ۴ که در سرز ایران و عراق و در منطقه کردستان انجام گرفت تعداد کشته و زخمی افراد رژیم جمهوری اسلامی بسیار زیاد میباشد. بعدی که رژیم مجبور گردیده علاوه بر بیمارستانها و درمانگاههای شهر سردشت کلیه مدارس این شهر را نیز به درمانگاه جهت مداوای مجروحین جنگ تبدیل نماید. گذشته از این روزانه تعداد بسیار زیادی اتوبوس مجروحین و کشته شدگان جنگ را به سایر شهرهای ایران منتقل مینمایند.

● اخبار رسیده از شهرستان کامیاران حاکیست که زندانیان سیاسی این شهر در تاریخ ۴/ تیرماه ۶۶ دست به اعتصاب غذا زدند و مسئولین زندان نیز برای درهم شکستن مقاومت دلیرانه زندانیان آب را بحدت ۲۴ ساعت بر روی زندانیان بستند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در اعتراض به اعدام ۵ تن از زندانیان سیاسی که در تاریخ ۳/ تیرماه صورت گرفته بود انجام گردید. این خبر همچنین حاکیست که مزدوران جمهوری اسلامی از مدتها پیش سهمیه قند و چای زندانیان سیاسی را قطع کرده و از خانواده زندانیان خواسته‌اند که قند و چای فرزندان زندانیان را خودتأمین نمایند. ضمناً مدتی است که دادن میوه و غذا به زندانیان که قبلاً بوسیله خانواده زندانیان انجام میگرفت نیز ممنوع اعلام شده است.

● در تاریخ دوم تیرماه ۶۶ مقر سپاه پاسداران و جهاد سازندگی شهرستان سردشت مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت که در اثر این حملات بیش از ۱۵ تن از مزدوران بسیجی و پاسدار رژیم جمهوری اسلامی کشته و عده زیادی زخمی شدند. همچنین ساختمانهای جهاد و کمیته یگلی نابود گردید.



منازل هواداران سازمان امل خودداری کرده.

● احزاب سیاسی کره جنوبی خودراجهت مذاکره درباره اصلاح قانون اساسی آن کشور آماده میسازند. تغییرقانون اساسی یکی از خواستههای مخالفین رژیم حاکم در کره جنوبی میباشد. آزادی از زندانیان سیاسی، استعفای چون دو هوان رئیس جمهورکره جنوبی از ریاست حزب حاکم کشور و اصلاح قانون اساسی کشور نتیجه اعتراضات توده ای خشونت آمیز چندماهه اخیر درکره جنوبی میباشد.

اما بدون شک اصلاحات و تغییرسیر و تحولات فوق دقیقاً و تماماً همان خواستههایی نیست که توده ها و دانشجویان مبارز کره جنوبی بخاطر دستیابی بدانان اعتراضات و تظاهرات خیابانی را سازمان دادند چراکه توده های ستمدیده کره جنوبی اساساً خواهان قطع سلطه امپریالیسم امریکا میباشد.

استعفای رئیس جمهور کره از رهبری حزب حاکم آن کشور باتوجه به نفیض امپریالیسم امریکا در تغییر و تحولات کنونی کره جنوبی بروشنی نمایانگر مانورهای سیاسی است که برای کنترل اوضاع و جنبش توده ای، از سوی امپریالیسم امریکا و رژیم حاکم در کره جنوبی انجام میگردد. لازم به یادآوری است که در جریانات اخیر کره جنوبی سفرهای مقامات دولتی امریکا به کره وسعت بیشتری یافته و امریکا خود از مشوقان چون دو هوان برای انجام اصلاحات فوق الذکر میباشد. همچنانکه یکی از اعضای کنگره امریکا که اخیراً به سئول سفر کرده، از رئیس جمهوری کره جنوبی برای برداشتن نخستین گام بسوی دمکراسی ستایش کرد. اما توده های ستمدیده کره جنوبی باید هوشیارانه با توجه به تجربه خمینی در ایران و آکینو در فیلیپین به مبارزات خود



● عصر روز ۲۳ تیرماه مزدوران سازمان سیا ساخته امل تحت حمایت هواپیماهای رژیم صهیونیستی اسرائیل نیروهای فلسطینی را در شمال شهر صیدا مورد حمله قرار دادند که نیروهای فلسطینی با گشودن آتش متقابل بر روی مزدوران سازمان امل و همچنین تیراندازی به سوی هواپیماهای اسرائیلی که در بالای سرشان بمب منور پرتاب مینمودند به این حمله پاسخ دادند و این درحالی بود که ناوچه های جنگی اسرائیل نیز در ساحل شهر صیدا به گشت زنی مشغول بودند.

سازمان سیا ساخته امل که رژیم جمهوری اسلامی نیز از آن حمایت مینماید همواره با همکاری رژیم صهیونیستی اسرائیل انقلابیون فلسطینی و آوارگان فلسطینی را مورد حمله قرار میدهد چندی پیش نیز که چند اردوگاه فلسطینی در محاصره نیروهای مزدور امل قرار داشت رژیم اسرائیل در حمایت از این سازمان ایمن اردوگاهها را مورد حمله هوایی و دریائی قرارداد.

درباره رابطه سازمان امل و رژیم صهیونیستی لازم به تذکر است که چندی پیش به ارتش اسرائیل دستور داده شده بود که در محاصره و تفتیش روستاها و منازلی که مظنون به وجود نیروهای مخالف اسرائیل میباشد از تفتیش

● روز هشتم تیرماه هواپیماهای عراقی شهر سردشت را بمباران کردند. در جهان این بمباران که عمدتاً جهت آسار راه فرمانداری و شیرخورشید سابق هدف قرار گرفت. عده ای از اهالی بیگناه شهر کشته و عده ای نیز مجروح گردیدند. پس از بمباران اهالی شهر را تخلیه و آواره روستاهای اطراف سردشت و یا شهرهای دیگر کردستان شدند. ما بار دیگر بمباران مناطق مسکونی و کشتار مردم بی دفاع را بشدت محکوم کرده و ضمن ابراز همدردی با بستگان قربانیان این عمل وحشیانه، خود را در غم آنان سهیم میدانیم.

● بنابه گزارش رادیو کومله در تاریخ ۱۷ تیرماه پنج تن از پیشمرگسان کومله در جریان یک ماوریت تشکیلاتی در منطقه گورک سردشت هنگامیکه ما بین روستای سی سر و گوله در حال استراحت بودند به محاصره پیشمرگان حزب دمکرات درآمده و در نتیجه درگیری بین دوسا زمان یکی از پیشمرگان کومله شهادت میرسد.

بنابراین بار دیگر در تداوم درگیریهای حزب دمکرات و کومله یکی از پیشمرگان جنبش خلق کرد قربانی این درگیریهای غیرانقلابی گردید. ماضی اظهار تاسف عمیق از درگیری اخیر بین دوسا زمان و بویژه در شرایطی که کوششهای مستمری از سوی ۶ جریان سیاسی برای پایان بخشیدن به این جنگ برادرکشی در جریان است بار دیگر از دوسا زمان میخواهیم که به جنگ فیما بین خود خاتمه داده و همه سلاحهای خود را بسوی جمهوری اسلامی نشانه روند و بخصوص با توجه به نقشی که حزب دمکرات در تداوم این درگیریها برعهده دارد از حزب دمکرات میخواهیم تا با پذیرش آتش بس بدون قید و شرط فوراً در جهت خاتمه این جنگ برادرکشی گام بردارد.

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها

برای رهایی از قید سلطه امپریالیسم
تداوم بخشند.

● بدنبال حمله تروریستی دستجات
وابسته رژیم جمهوری اسلامی در
شهرهای کویته و کراچی پاکستان به
خانه‌های مسکونی پناهندگان ایرانی
و نیروهای مبارز، پلیس پاکستان
شبهه‌ای را کشف کرد که مسئول حمله
اخیر می‌باشد. روزنامه‌های پاکستان
در این رابطه نوشتند که مهاجرین به
خانه‌های مخالفان رژیم، افستراد
حزب‌الله و پاسداران دولتی ایران
بوده‌اند. لازم به یادآوری است که در
اطلاعیه‌ای که قبلاً از سوی دولت پاکستان
در این رابطه انتشار یافت، بود،
بشرفانه درگیری فوق‌العاده بین گروهیان
مخالف رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی
اعلام شده بود.

● بنوشته روزنامه ایروستیا فروش
اسلحه از طرف آمریکا به ایران
همچنان ادامه دارد. این روزنامه
نوشت که آمریکا مخفیانه موشکهای
ضد هوایی ابرسینگر را به ایران
تحويل داده است و این کار در شرایطی
انجام گرفته است که درکنگره آمریکا
بعضیهای پیرامون ماجرای ایران گیت
ادامه دارد. ایروستیا در ادامه
می‌افزاید تحويل قسمت اول این
سلاحها به وساطت نمایندگان افغانی
چند هفته پیش انجام گرفت و قرار
تحويل قسمتهای بعدی آن که شامل
موشک انداز و دیگر وسائل جنگی
امریکائی میباشد نیز گذاشته شده است.

● عربستان سعودی طی ۲۰ سال گذشته
سیلیاردها دلار به تأمین سیاست
خارجی آمریکا کمک کرده است.
روزنامه نیویورک تایمز ضمن درج این
خبر ادامه میدهد که یک قلم کمک
۳۳ میلیون داری عربستان به شورشیان
نیکاراگوئه بخشی از کوشش عربستان
در این زمینه میباشد. عربستان علاوه
بر خدا نقلابیون نیکاراگوئه به دولتهای
عرب و نیروهای اسلامی در افغانستان،
یمن، سوماتی، سودان، پاکستان و
ژئیر کمک مالی نموده است.
البته تا گفته نمائید که این
نقش را تنها عربستان ایفاء نمینماید
بلکه رژیمهای وابسته دیگری همچون

رژیم جمهوری اسلامی نیز عهده‌دار این
نقش میباشد و کمکهای رژیم ضدخلق
جمهوری اسلامی به مجاهدین افغان و
امل لبنان و باصطلاح دیگر جنبشهای
اسلامی در منطقه نیز در واقعیت همانا
در چارچوب اجرای سیاستهای سرکوبگرانه
امپریالیستی در منطقه میباشد.

● عضو دانشی شورای امنیت سازمان
عقل در مورد پیش نویس قطعنامه ای
بیشی بر قطع جنگ ایران و عراق به
توافق رسیده‌اند. مواد ذکر شده در این
پیش نویس قطعنامه طرفین درگیر را
ملزم به پایان جنگ و بازگشت به
مرزهای بین‌المللی نموده. همچنین
در این قطعنامه از ایران و عراق
خواسته شده که سربازان دوطرفه از مناطق
جنگی فراخوانده شوند و اسوای دو
طرف با هم مبادله گردند ضمناً در این
پیش نویس آمده است که اگر کشوری از این
آتش بس خودداری کند مشمول تحریم
جهانی دریافت اسلحه خواهد شد. اما
از آنجا که عضو دانشی شورای امنیت
خود از تأمین کنندگان اصلی سلاح در
این جنگ امپریالیستی و ویرانگر
میباشند، جدی بودن کوششهای آنها در
خاتمه این جنگ را نیز کمی جدی تلقی
نمیکند. چراکه حتی دقیق تحقیقات
موسسات غربی همچون تحقیقات اخیر
موسسه "ملح و آزادی استکلیم" خود
این عضو دانشی شورای امنیت سازمان،
دورمه ۲۶ کشوری بوده‌اند که به هر
دوطرف جنگ یعنی ایران و عراق اسلحه
و سایر تجهیزات نظامی، میفروخته‌اند
و بعضی از آنان نیز قبلاً فروش اسلحه
به ایران را تحریم نموده بودند در
صورتیکه اسلحه و جنگ افزار همان
کشورها بصورت پنهانی و به صورت

گوناگون به ایران فروخته میشد.
● در ادامه تحقیقات کمیته مربوط به
بررسی قضیه معروف به ایران کنتررا
- روزنامه یوآدا در تاریخ ۲۳ ژوئن
گزارشی از خبرنگارش درواشنگتن تحت
عنوان "جزئیات فاش میشود" بچسب
رسانده که در آن گزارش گفته میشود در
جریان عملیات محرمانه ایران کنتررا
دولت ریگان نقشه سرنگونی دولت ایران
و محور رجال رهبری ایران را تدارک
میدیده. همچنین مجله "یونایتد
استیت رویور بیورتن" گزارش داد که،

بخشی از وجوه معامله از فروش سلاح
به ایران برای آن مورد استفاده قرار
گرفته که زمینه برای کودتای دولتی
در ایران آماده شود.

آنچه از گزارشات اخیر خبرگزاریها
در رابطه با ادامه تحقیقات مربوط
به رسوایی ایران گیت برمیانند حاکی
از آن است که در گزارشات اخیر کوشش
میشود جهت فریب افکار عمومی این
مسئله تبلیغ گردد که دولت ریگان در
مقام مخالفت با رژیم ضدخلق جمهوری
اسلامی نقشه سرنگونی آن را داشته، و
با این وسیله بار دیگر سرپوشی بر
وابستگی بی چون و چرای رژیم جمهوری
اسلامی به امپریالیستها و حمایت
بی شائبه آنها از این رژیم ضدخلق
گذاشته شود.

● بدنبال فروش افزار آلات سنگین
نظامی از سوی یک کارخانه اطریشی به
نام "اشتایر" به حکومت ضدخلق
جمهوری اسلامی فراکسیون حزب سبزها در
اطریش دولت این کشور را متهم ساخته
و خواستار محاکمه و مجازات رؤسای
کارخانه اشتایر بجرم فروش اسلحه به
ایران شدند. کارخانه اسلحه سازی
اشتایر بظاهر محموله نظامی خود را که
شامل توپهای سنگین دور برد بوده به
مقدم لیبی حمل میکند در صورتیکه از
قرار معلوم این محموله در مقصد
اصلی خود یعنی ایران به جمهوری
اسلامی تحويل داده شده است. این شکل
صدور اسلحه به ایران از سوی
امپریالیستها تاکتیک تازه‌ای نمیشد.
دولت امپریالیستی در حالیکه با سوق و
کرنا در دستگاههای تبلیغاتی خود
فریاد مخالفت با جنگ ایران و عراق
را ندا در میدادند در پشت پرده در عرض
چند سال گذشته با استفاده از دلایلی
اسلحه که روشن است سرشان به کجا
بند است و همچنین با کمک رژیمهای
ضدخلق منطقه که نقش رابط را ایفاء
مینمایند، محمولات نظامی خویش را
آنها پس از گذشتن از چند دست به
چند برابر قیمت به سران مزدور و
نوکران حلقه بگوش خود در ایران یعنی
سردمداران خائن جمهوری اسلامی
میفروختند تا تنور جنگ گرمتر از پیش
توده‌های مبارز را بگام خود بکشد.

این روندی است که هم اکنون نیز علمبرغم تبلیغات امپریالیستی حصول با اصطلاح پیش نویس صلح شورای امنیت سازمان ملل، همچنان ادامه دارد.

● با اوچگیری روز بروز تظاهرات توده‌ای و درگیریهای مردم با پلیس، رژیم ضد خلقی کره هر چه بیشتر در تنگنا قرار گرفته در همین رابطه طی چند روز گذشته کاستم سکور مشاور وزیر امور خارجه امریکا در امور شرق آسیا و اقیانوس آرام وارد ستول گشت. رشد روز افزون تظاهرات و اعتصابات توده‌ای و درگیریهای خونین تظاهرات کنندگان با پلیس و هر چه قهرآمیز شدن جنبش توده‌ای در کره جنوبی با توجه به وسعت شرکت کنندگان آن و همچنین یادآوری تجربه قیام شکرهمند خلقهای ایران بعنوان تجربه‌ای تلخ برای امپریالیستها که منجر به از دست دادن یکی از مطیع ترین سگان زنجیریشان شد همه و همه عواملی هستند که باعث نگرانی بسیار امپریالیستها گشته. سفر اخیر کاستم سکور دقیقاً در همین رابطه و جهت خط دادن به نوکر خلقه بگوشان یعنی رئیس جبهه کره جنوبی میباشد.

در رابطه با همین سفر بود که بلافاصله چون دوهوا رئیس جمهور مزدور کره جنوبی خواهان ملاقات با کین یون سانگ یکی از رهبران مخالفان گردید.

بی تردید امپریالیستها کوشش خواهند نمود تا جنبشها و مبارزات توده‌ها را در هر کجا سرکوب کرده و به بیراهه بکشانند. تجربه قیام شکرهمند بهمن و سرنگونی شاه خائن و چگونگی بر روی کار آمدن رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تجربه‌ای است که امپریالیستها با توجه بدان سعی خواهند نمود بطرق مناسب در کشورهای دیگر نیز چنین عمل کنند.

اما در این نیز تردیدی نیست که با آنچه مبارزات قهرآمیز توده‌ها طومار عمر رژیمهای پوسیده و ضد خلقی چون رژیم کره جنوبی و جمهوری اسلامی را در هم خواهد پیچید و این کوششهای امپریالیستی چندصباحی بیشتر به سلطه سزویگرانه آنها تداوم نخواهند

بخشید.

● ریچارد سیکورد سرگرد بازنشسته نیروی هوایی اولین شاهی که در اراکل ماه مه ۱۹۸۷ به کمیته مشترک کنگره برای بررسی مسئله فروش اسلحه به ایران و ارسال پول آن به ضد انقلابیون نیکا را گوشه فرا خوانده شده بود. روز دوشنبه یازدهم ماه مه در برنامه نایت این شبکه تلویزیونی ABC چنین گفت: "سه نفر از مقامات رسمی ایران برای برقراری یک ملاقات مخفی در سیتامبر گذشته وارد واشنگتن شدند که دیدار از کاخ سفید نیز بخشی از این سفر بوده است. سه نفر ایرانی مزبور که یکی از آنان جزو مقامات بسیار بالای دولت ایران بود، بعد از ملاقات با البرت حکیم در بروکسفل مطمئن شدند که با مقامات دولتی امریکائی سر و کار دارند. حکیم آنها را به امریکا دعوت کرد زیرا فکر میکرد که چنین ملاقاتی موجب برگراری دیدارهای بعدی در دره‌های بالاتر خواهد بود."

سیکورد سپس ادامه داد که از آنجا شبکه ایرانیان مزبور از بوملای شدن دیدارشان منترسیدند خودش وسائل معاشرت مخفی آنها را فراهم ساخته است. یک جت لیر Dear آنها را از خاورمیانه به اروپا و از آنجا به فرودگاه دالس DULLES آورد و از آنجا ما مورین سیا آنها را از کمرک خارج ساختند. سیکورد در ادامه سخنان خود در شبکه تلویزیونی ABS گفت که: ایرانیان مزبور چندین روز با وی و اولیور نورث دستیار شورای امنیت

ملی و جورج کیو یک مقام بازنشسته سیا که اکنون سمت مشاور سیارا به عهده دارد در ساختمان قدیمی اجرائی که بخشی از مجموعه ساختمانهای کاخ سفید است ملاقات کردند و در یکی از بحثهای مقامات جمهوری اسلامی در کاخ سفید بودند الیور نورث آنها را به ساختمان اصلی کاخ سفید برد.

سیکورد در ادامه سخنانش گفت: بدین طریق بعد از افشاء شدن سفر مخفیانه مک فارلین و هیئت همراه او به ایران در ماه مه ۱۹۸۶، کانال دوم برگزاری مذاکرات در سیتامبر ۱۹۸۶ برقرار گردید. جریان رسوائی

ایران کبیت و جریان افشاکری ریچارد سیکورد تنها گوشه‌ای از رابطه تنگاتنگ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و امپریالیسم امریکا را بنمایش میگذارد و بیانگر عمق وابستگی رژیم جمهوری اسلامی است. حال بگذاریم برای فریب توده‌های زحمتکش بگویم ما رابطه با امریکا را میخواهیم چه کنیم، رابطه ما با امریکا مثل رابطه گرگ با بیره است.

● بنابه گزارشات رسیده پناهندگان ایرانی در کشور پاکستان تحت فشار شدید قرار داشته، همواره مورد حمله اوپاشان رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رژیم ضد خلقی پاکستان قرار گرفته و در این میان پلیس نیز علناً به حمایت از چاقو داران دو رژیم ایران و پاکستان و مجاهدین افغانی میپردازد و سازمان با اصطلاح "حمایت از پناهندگان u.n نیز در این رابطه با برخورد های غیر مسئولانه ماهیت خود را بنمایش میگذارد.

بر اساس اخبار رسیده پناهندگان سیاسی ایران در پاکستان در اعتراض به حمله چاقو داران رژیم ایران در رژیم پاکستان و مجاهدین امریکائی افغانی و برخورد غیر مسئولانه u.n به ایمن مسئله، در تاریخ بیست و ششم مارس در مقابل ساختمان u.n دست به تظاهرات زدند ولی این تظاهرات مورد حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رژیم پاکستان قرار گرفت. مزدوران که به انواع سلاحها از قبیل چاقو، پنجه بوکس، اسلحه کمبری و غیره مسلح بودند عده‌ای از پناهندگان را محروم نمودند و هنگامیکه پناهندگان از مسئولین u.n خواستار گردیدند که از این کار جلوگیری بعمل آورند، مسئولین u.n جواب دادند که ما پلیس نیستیم مسئله امنیت و زندگی شما به خودتان مربوط است بما مربوط نیست. و بدین وسیله نشان دادند که سازمانهای امثال u.n که خود را طرفدار حقوق بشر معرفی میکنند جز آلت دست امپریالیستها و سکهای زنجیریشان چیز دیگری نیستند.



بناهندگان ایرانی تصمیم گرفتند در رابطه با وقایع ۲۶ مارس دست به تظاهرات دیگری بزنند بر همین اساس در ۲۹ مارس اقدام به تظاهرات دیگری در مقابل ساختمان U.N نمودند که اینبار پلیس پاکستان از این کنار جلوگیری بعمل آورده و اعلام نمود که اگر بناهندگان ایرانی دست به تظاهرات بزنند پلیس به تظاهرات کنندگان حمله خواهد نمود پلیس افرادی را که برای تظاهرات جمع میشدند مجبور نمود که از محدوده ساختمان U.N خارج شوند.

بر اساس این گزارشات علاوه بر این یک خانواده بناهنده ایرانی نیز که در یک هتل کراچی بسر میبردند مورد حمله جماعتداران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند. همچنین فعالیست هواداران نیروهای سیاسی ایرانی در مقابل ساختمان U.N به علت فشار پلیس بحالت تعطیل درآمده است.

● در تاریخ ۲۶ تیرماه خبرگزاری آسوشیندپرس بنقل از منابع کنگره آمریکا گزارش داد که پاکستان حدود ۴۰۰ موشک اس سی تیگر از ۶۰۰ موشک ارسالی آمریکا برای مجاهدین افغانی را به زرادخانه های خود منتقل نموده و تحویل مجاهدین افغانی نداده است.

ضیاء الحق رئیس جمهوری پاکستان علاوه بر رد این اتهام همچنین این گزارش را نیز که دولت آمریکا از پاکستان بعنوان پایگاهی برای ارسال تسلیحات به مجاهدین افغانی استفاده مینماید را تکذیب نمود.

● نشریه پاکستانی "آغاز کراچی" به نقل از یکی از مقامات پاکستان گزارش داد که در حال حاضر حدود ۲۶۰۰ بناهنده ایرانی در پاکستان وجود دارند که تعدادی از آنها دست اندر کار قاچاق و دلالی جلیات و غیره میباشند. دولت پاکستان قصد دارد آنها را به دولت ایران تحویل دهد.

لازم به تذکر است که جمهوری اسلامی چندی پیش از پاکستان خواسته بود که بناهندگان ایرانی در پاکستان را به رژیم ایران تحویل دهد و حال

مقامات پاکستانی با متهم کردن بناهندگان ایرانی به دست داشتن در قاچاق و جلیات میکوشند که زمینه اجرای این خواست ضد خلقی را مهیا سازند.

● ناظران امریکائی میگویند که شرکت ملی نفت ایران حداقل ازدو شرکت عمده امریکائی تولیدکننده وسائیل نفت خواست که درباره خرید وسائیل حفاری میدان نفتی مذاکراتی را آغاز کنند. شرکتهای "گاردزسدنور" و "میشن دریلینگ پروداکت" که هر دو در تگزاس واقعند به شرکت ملی نفت ایران گفته اند که فروششان به ایران از طریق نمایندگی رسمیشان در منطقه یعنی شرکت "علی اندمانز" واقع در دوی انجام خواهد گرفت.

یک سخنگوی کمپانی کوپرایند استریز، شرکت مادر "گاردنروور" گفت: "چگونه این معامله صورت میگیرد چیزی است که من نمیتوانم آشکار کنم، ولی روشن شده است که شرکت ملی نفت ایران تقاضای خرید ۵ میلیون دلار از این وسائیل را کرده است. مهمترین مسئله برای کمپانیهای امریکائی این است که معاملاتشان با ایران کاملاً قانونی باشد. ناظران امریکائی میگویند که با این کمپانیها از طریق شرکت ملی نفت ایران تماس گرفته شده است. گفته میشود که شرکت ملی نفت ایران به شرکت "جنیزه" واقع در تهران اختیار داده است که این وسائیل حفاری و کالاهای دیگر را خریداری نماید آنها را اضافه میکنند که ایران اجازه به این وسائیل نیاز دارد.

شرکتهای خدماتی نفت امریکائی از سال ۱۹۸۲ از طریق شرکت "علی سانز" برای شرکت ملی نفت ایران وسائیل تهیه نموده اند.

● نشریه انگلیسی "لندن ویکلی آنزیز" گزارش داد که چین به ایران برای ساختن یک نوع موشک چینی با طرح روسی بنام "فراگ" کمک کرده است این موشک که ۶۴ کیلومتر برد دارد بسوی بصره نیز شلیک شده است. همچنین با همکاری چین ساخت یک نوع موشک مشابه موشک "اسکارپی روسی" با برد ۲۹۰ کیلومتر در ایران بحرله نهائی رسیده است. ضمناً این نشریه از قبول

منابع موثق نقل میکند که ایران در سال ۱۹۸۶ تعداد ۲۰۰ عدد موشک "سیلک ورم" را از چین به ازاا نفست خریداری نموده است. مقامات اطلاعاتی امریکا اخیر اظهار داشته اند که ایران در دو نقطه دماغه هرمز موشکهای "سیلک ورم" را نصب نموده است.

● پس از گذشت ۷ سال از مضحکه سفارت امریکا نشریه میامی جوالد فاش میسازد که در سال ۱۹۸۰ ریگان با دولت ایران در رابطه بوده و بهین دلیل هم همزمان با سرکار آمدن ریگان، گروگانهای امریکائی نیز آزاد شدند.

این نشریه در شماره یکشنبه دوازدهم آوریل ۱۹۸۷ مینویسد: "دستیاران ریگان در سال ۱۹۸۰ درباره گروگانها مذاکره کردند، مشاوران ریگان بنا شخصی که خود را نماینده دولت ایران معرفی میکرد، ملاقات کردند، ولی معامله ای انجام نگرفت. نشریه یاد شده مینویسد که یک ماه قبل از شکست جیمی کارتر از رونالد ریگان در انتخابات ۱۹۸۰ دو تن از دستیاران بلند پایه ریگان با شخصی که خود را نماینده دولت ایران معرفی کرده و پیشنهاد آزادی ۵۴ نفر گروگان امریکائی در تهران را داشت مذاکره نمودند. این دو نفر که "ریچارد آلن" و "لورنس سیلیرفن" نام دارند، میگویند که بعداً رابرت مک فارلین که در آن زمان از دستیاران سنای امریکا و از طرفداران ریگان بود، ملاقاتی را که خودش نیز در آن حضور داشت در یکی از هتلهای واشنگتن

ترتیب داد. آلن و سیلیرفن که بعداً از مشاوران بلند پایه ریگان شدند میگویند، هدف پیشنهادات فرستاده ایران این بود که از شکست کارتر مطمئن شوند. نشریه میامی جوالد مینویسد که آلن و سیلیرفن در هفته قبل در یک محابه تلفنی بطور جداگانه گفتند که پیشنهاد راپوچ و بی معنی میدانستند و آن را رد کرده، به مامور مخفی مربوطه گفته اند که باید با کارتر بعنوان رئیس جمهور وقت معامله نماید.

مک فارلین از محابه تلفنی خودداری کرده و لی در یک پاسخ کتبی

به سوالات گفت شخصی که ادعا میکرد ایرانی است، با من تماس گرفت و من او را به کارکنان مبارزه انتخاباتی ریگان ارجاع دادم.

تشریح میامی جوالد درگاه شمار خود مینویسد که ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ روز آغاز دوره ریاست جمهوری ریگان، روز آزادی کروکاشای امریکاشی است و در ماههای فوریه - مارس ۱۹۸۱ اسرائیل نیز شروع به حمل اسلحه به ایران مینماید.

سپس به افرادی که نفشراطلسی را داشتند اشاره میکند که عبارتند از مک فارلین، ریچارد آلن - لورنس، سیلبرمن، علی اکبرهاشمی رفسنجانی، و آیت الله محمد بهشتی.

میامی جوالد در انتهای مقاله مینویسد که بعد از بر ملا شدن ارسال اسلحه امریکا به ایران در نوامبر گذشته گزارشات زیادی موجود است که در آنها گفته میشود بعد از گذشت یکماه از دوران زمامداری ریگان، یعنی یکماه بعد از ژانویه ۱۹۸۱ اسرائیل اقدام به ارسال اسلحه به ایران کرده است.

در ادامه تفسیر و تحولات شدید در گروه جنوبی، رهبر حزب حاکم "حزب عدالت دمکراتیک" تقاضای مخالفین را برای انجام انتخابات مستقیم ریاست جمهوری پذیرفت. رتی وزیر رهبر حزب عدالت دمکراتیک خود پیشنهادات دیگری را نیز طرح نموده که عبارتند از: آزادی زندانیان سیاسی - آزادی مطبوعات، تضمین رعایت حقوق بشر و اعاده حقوق سیاسی برای کیم وای چون از عناصر اپوزیسیون کره جنوبی این پیشنهادات از سوی رهبران مخالفین مورد استقبال قرار گرفت. جالب توجه آن است که وزارت خارجه امریکا در هراس از رشد و شدت پایی روز افزون اعتراضات توده‌ای بر اثر تعمیق بحران در کره جنوبی در چند روز اخیر مصرحاً خواستار مذاکره طرفین برای رفع بحران شده است و اعلام نموده است که از پیشنهادات یاد شده دلگرم شده و انتظار دارد "چون دو هوان" رئیس جمهور کره آنها را بپذیرد. وزارت خارجه امریکا ضمناً اعلام نمود که کاغ سفید نیز

پیشنهادات مورد نظر را مثبت توصیف کرده و گفت که این اطلاعات با توجه به رویدادهای آینده کشور تهیه و تنظیم شده است. لازم به ذکر است که همواهی رتی وو و رهبر حزب عدالت دمکراتیک و پیشنهادات وی از سوی اپوزیسیون بورژواشی رژیم کوریه غیرمنتظره و تعجب انگیز تلقی شده است امری که بروشنی بیانگر نقش امریکا در هدایت و کنترل رژیم وابسته به امپریالیسم کره جنوبی میباشد.

روزنامه "کریستین ساینس مانیتور" پنجشنبه ۲۶ مارس ۱۹۸۲ در رابطه با اوضاع بحرانی کارخانجات نظامی در اروپا و امریکا نوشت: چندین تولید کننده اروپائی و امریکائی در وضع بد اقتصادی هستند، تاجران این سلاحها اشتیاق ندارند که به مشتریان وارد معامله شوند که پول نقد بدهند، کاری که ایرانیها همیشه انجام میدهند.

یک مثال خوب برای این جریان کمپانی فرانسوی است بنام "لاچیر" که با وجود تحریم اقتصادی فرانسه در سال ۱۹۸۵ چندین محموله مهمات از قبیل گلوله توپ و پوکه فشنگ به ایران فروخته است. در زمانیکه این خریدها صورت میگرفت کمپانی مزبور در مرحله ورشکستگی بود.

ناظران اقتصادی اروپا اظهار میدانند که کمپانی مزبور حیات خود را به این قرارداد مرهون است که در آن ایران قیمتی خیلی بیشتر از معمول پرداخته است.

در باره داد ۱۷ تیرماه مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در پاکستان با حمله به منازل پناهندگان ایرانی و هواداران سازمانهای سیاسی در آن کشور ۲ تن را بشهادت رسانده و حدود ۲۰ تن را زخمی نمودند در حمله مازمان یافته مزدوران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی که همزمان و در دوشهر کوئته و کراچی بوقوع پیوست عده‌ای نیز از مردم پاکستان کشته و زخمی شدند. پلیس پاکستان اعلام نمود که در این حمله گسترده، افراد مزدور رژیم جمهوری اسلامی از سلاحهای نیم سنگین و سبک از قبیل آربی جی هفت، مسلسل و نارنجک دستی ساخت اسرائیل استفاده

نموده‌اند. در پی تشدید اختلافات فرانسه و جمهوری اسلامی سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه به محاصره کامل پلیس فرانسه درآمد. دولت فرانسه علت این امر را مخفی شدن وحید گرجسی در سفارت جمهوری اسلامی اعلام نمود. وحید گرجی از دیپلماتهای جمهوری اسلامی در فرانسه است که به اتهام همکاری با گروههای تروریستی و دست داشتن در یک سری عملیات بمبگذاری از طرف پلیس فرانسه تحت تعقیب میباشد. ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه در این رابطه گفت: "ما نمیتوانیم مسدود نامحدودی بر سر کنیم و در صورت لزوم به همه امکانات لازم متوسل خواهیم شد و حتی ممکن است با دولت تهران قطع رابطه کنیم. در ادامه این بحران جمهوری اسلامی نیز سفارت فرانسه را در تهران به محاصره درآورد و بعضی از دیپلماتهای فرانسوی را به اعمال خلاف قانون متهم نمود.

در ضمن در ۲۰ تیرماه یک دیپلمات جمهوری اسلامی در فرودگاه ونزو بنام محسن امین زاده با ما موران پلیس فرانسه درگیر شد و پلیس فرانسه از اسنادی که امین زاده حمل می نمود عکسبرداری نمود. این اوضاع در روند خود باعث شد تا در ۲۶ تیرماه فرانسه روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع نماید.

دادگاه ویژه رسیدگی به دعوی مالی امریکا و جمهوری اسلامی اخیراً رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را موظف ساخت که مبلغ ۱۱۵ میلیون دلار به شرکت امریکائی "یسدکو" خسارت بپردازد. شرکت "یسدکو" در گذشته از شرکتهای طرف معامله با شرکت نفت ایران بوده است. از ۱۱۵ میلیون دلار یاد شده مبلغ ۶۹ میلیون دلار خسارت اصلی و ۴۶ میلیون دلار بهره آن میباشد.



جنگ امپریالیستی
از صفحه ۲۵

سلطه شوم و ننگین خود را هرچه بیشتر با توسل به توسعه طلبی و تجاوزگری آشکار وسعت بخشند.

برخلاف تمامی این سیاستهای ضد خلقی و جنگ تبلیغاتی ای که بموازات آن توسط امپریالیستها و نوکرانشان در حق خلقهای تحت ستم و برای فریب آنها به جریان افتاده است در طول این ماجرا به روشنی تمام ثابت شد که مسئله دفاع از باطن سلاح آزادی گشتیرانی و صلح و بیطرفی امپریالیستها همانقدر صحت دارد که اصالت دورجدید هیا هوهای فدا امپریالیستی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی.

درواقع نتیجه تمامی این اقدامات برای امپریالیسم جهانی و در رأس آن برای آمریکا این جلاد خلقهای تحت ستم چیزی جز گسترش نفوذ هرچه بیشتر در منطقه و سلطه افزونتر به جان و مال توده های تحت ستم نبوده و نیست و

با درک همین منافع عملی است که روش میشود آمریکا برای پیشبرد سیاستهای تجاوزکارانه خود از هیچ توطئه ای دریغ نمی ورزد و برای ایجاد شرایط لازم جهت پیشبرد سیاستهایش به هروسيله ای متوسل میگردد.

در این ماجرا رویزیونیستهای همپالکی امپریالیسم در جنگ ایران و عراق نیز چه در توافق با همپالکهایشان و چه در رقابت با آنها با استقرار پرچم شوروی بر روی چندکشتی کویستی عملا سهمی از این گسترش حضور در خلیج فارس را بدست آوردند و همین امر نیز نقش آنها را در تداوم این جنگ ارتجاعی بار دیگر برجسته میسازد. مجموعه تمامی این تحولات و رویدادها بار دیگر بر ضرورت گسترش هرچه بیشتر جنگ انقلابی جاری در میهنمان بمنظور تبدیل این جنگ خانه خراب کومونیزم امپریالیستی به یک طح دمکراتیک و پایدار بین خلقهای ایران و عراق انگشت میگذارد. امری که نیروهای انقلابی باید با تمام توان برای پیشبرد و تحقق آن کوشش کنند.

خطاب به رفقای هوادار

از صفحه ۲۲

مسلحانه یعنی تنها شکل خلاق انطباق ما رگسیسم، لنینیزم با شرایط حاکمیت بورژوازی وابسته به امپریالیسم، ایمان و اعتقاد دارد وظیفه دارد با ایجاد هسته های سیاسی - نظامی اولاً مبارزه خود را متشکل ساخته و در ثانی توانائی و امکانات خود را در گسترش مبارزه، فزونی بخشد. بدون شک در جریان مبارزه مشکلات فراوانی در مقابل ما قرار خواهد گرفت اما چه بسا که کمونیستها در طول تاریخ مبارزاتی خود نشان داده اند که در جریان مبارزه نه تنها از مشکلات، نمی هراسند بلکه با استواری تمام بر مشکلات، غلبه مینمایند و از شکستها برای پیروزی محتوم طبقه کارگر درس میگیرند چرا که بواقع قدرت کمونیستها همچون طبقه شان در خیره نگریستن به واقعیتها نهفته است؛ واقعیتی که به روشنی تمام نشان داده است پیروزی از آن مساست.

کمک مالی

از صفحه ۴۱

تظاهرات واشنگتن - اوهایو ۱۶۰ دلار
سیاهکل - کلمبیا ۱۰۰ دلار
بهاران خجسته باد - کلمبیا ۳۰ دلار
رفیق نوروز قاسمی - نیویورک ۵۰ دلار
آزادی - میامی ۲۰۰ دلار

انگلستان

۱. بویان - انگلستان ۲۵ پوند
م. محمد ۱۰۰ پوند
وارطان ۵ پوند
سعید ۱۰ پوند
ا.ع.س ۹۵ پوند
امیر پرویز بویان - انگلستان ۵۰ پوند

آلمان

رفیق شروین - هانور ۲۰۰ مارک
رفیق امیر پرویز بویان - اشتوتگارت ۵۰ مارک
رفیق شروین - هانور ۱۶۰ مارک
رفیق شروین - هانور ۱۳۰ مارک

کرهستان

فرانسه

کاک عبدالله ۹۰۰۰ تومان
بیشمرکه ۱۱۱۲۶ تومان
رفیق مهدی فضیلت کلام - پاریس ۱۰۰ فرانک
ر - س ۵۷۰۰ تومان

رفقای هوادار!

بهر وسیله ای که میتوانید بدفاع از زندانیان سیاسی ایران فرزندان انقلابی خلقهای در بندمان که در سیاهالهای جمهوری اسلامی نیز به مبارزه بر علیه این رژیم ددمنشادامه میدهند، بیاخیزید و فریاد پرورش آنها را هر چه وسیعتر به میان توده ها ببرید.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

درد بر زندانیان سیاسی!

با ایمان به پیروزی راجمان

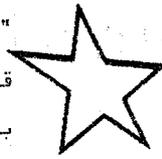
چریکهای فدائی خلق ایران

کمکهای مالی

امریکا

- آزادی - هوستن ۵۵ دلار
- ققنوس - هوستن ۵۰ دلار
- ف - ۱ - هوستن ۱۰ دلار
- دانشگاه - هوستن ۳۶ دلار
- رادیو صدای چریکها - هوستن ۲۰۰ دلار
- خلق عرب - هوستن ۱۳۳ دلار
- م گویت - هوستن ۲۰ دلار
- مرضیه اسکوشی - هوستن ۴۰ دلار
- ناقوس - هوستن ۱۰ دلار
- رادیو صدای چریکها - هوستن ۴۶ دلار
- ققنوس - هوستن ۳۰ دلار
- مهرنوش ابراهیمی - هوستن ۲۰ دلار
- س - دیترویت ۳۳۰ دلار
- پرومته - چاپل هیل ۵۰ دلار
- سمینار میامی ۷۶ دلار
- انترناسیونالیزم پرولتری - هوستن
- ۲۰۰ دلار
- دمکراسی - اسپرینگ تگزاس ۱۰۰ دلار
- اسمر - کارولینای جنوبی ۱۵۰ دلار
- کردستان - میامی ۱۶۵ دلار
- صد - میامی ۵۰۰ دلار
- مجاهد مریم کیانی - اوهاو ۲۷۲ دلار
- رفیق مادر - اوهاو ۲۲۸ دلار
- محمد تقی ترابی - نیبرا سکا ۲۸ دلار
- آینده از آن خلقهاست - نشویل ۲۵ دلار
- زنده باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مردمی - اکلاهما ۱۴ دلار
- رادیو صدای چریکها - آستین ۵۰ دلار
- عبدالرحیم مهوری - دنور ۱۰ دلار
- حاجی فیروز - دنور ۳۰ دلار
- کارگران بی بیان کارگران کوگردساز - اکلاهما ۱۰۰ دلار
- لنین - اکلاهما ۲۰ دلار
- باران پویان - میامی ۸۰ دلار
- بلشویک ۱ - دالاس ۲۰ دلار
- بلشویک ۲ - دالاس ۲۰ دلار
- مسعود - دالاس ۱۰۰ دلار
- س - م - دیترویت ۳۳۰ دلار
- مصدق - تگزاس نیومکزیکو ۱۱۰ دلار
- ع - واشنگتن ۲۶ دلار

در صفحه ۴۰



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"
(ما فوئسه دون)

شهادت تیر ماه

چریکهای فدایی خلق ایران

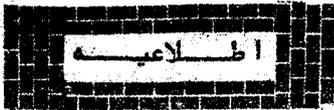
رفقا :

- محمد مهدی فوقانی ۵۵/۴/۸
- علی اکبر وزیری ۵۵/۴/۸
- علامتی خراط پور ۵۵/۴/۸
- حمید آرین ۵۵/۴/۹
- بهزاد امیری دوان ۵۵/۴/۹
- افسرالسادات حسینی ۵۵/۴/۱۰
- نادره احمدقاسمی ۵۵/۴/۱۰
- سیمین شوکلی ۵۵/۴/۱۰
- حمیدزبان کرمانی ۵۵/۴/۱
- کاظم غبرائی ۵۶/۴/۱
- اسمرآذری بام ۶۰/۴/۳
- علی حمیدی مدنی ۶۰/۴/۷
- روح انگیز دهقانی ۶۰/۴/۸
- نوروز قاسمی ۶۰/۴/۸
- بهزاد (مهدی) سیحا ۶۰/۴/۸
- حسین تنگستانی ۶۰/۴/۸
- قتبر ارغند ۶۰/۴/۲۳
- علیرضا فارسیان ۶۰/۴/۲۷
- عبدالحسین عنانی شیشوان ۶۰/۴/۱
- کریم فتحی تابستان ۶۰
- حمید فضل الهی ۶۱/۴/۲۸
- ناصر فضل الهی ۶۲/۴/۲
- کاظم سلاهی ۵۰/۴/۱۴
- احمد خرم آبادی ۵۰/۴/۱۴
- مارتیک فازاریان ۵۴/۴/۶
- محمود عظیمی بلوریان ۵۴/۴/۶
- نزهت السادات روحی آهنگران ۵۴/۴/۶
- یدالله زارع کاریزی ۵۴/۴/۶
- عبدالله سعیدی بیدختی ۵۴/۴/۲۰
- نسترن آل آقا ۵۵/۴/۳
- گلرخ مهدوی ۵۵/۴/۳
- حمیدرضا هزارخانی ۵۵/۴/۳
- نادعلی پورنغمه ۵۵/۴/۳
- مریم شاهی ۵۵/۴/۵
- غلامعلی پورنغمه ۵۵/۴/۶
- حمید اشرف ۵۵/۴/۸
- یوسف قانع خشک بیجاری ۵۵/۴/۸
- غلامرضا لایق مهربانی ۵۵/۴/۸
- محمدرضا بشری ۵۵/۴/۸
- فاطمه حسینی ۵۵/۴/۸
- محمدحسین حقنواز ۵۵/۴/۸
- طا هره خرم ۵۵/۴/۸
- عسکر حسینی ابرده ۵۵/۴/۸

روز شمار تیر ماه

- ۱۲۹۹/۴/۲ - تاسیس حزب کمونیست ایران
- ۱۳۱۸/۴/۵ - شهادت شاعر مردمی فرخی بزدی
- ۱۳۲۵/۴/۲۳ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و شهادت ۲۶ تن و زخمی شدن ۱۷۰ تن از کارگران
- ۲۳ تیر برابر با ۱۴ ژوئیه فتح زندان باستیل و پیروزی انقلاب کبیر فرانسه
- ۲۳ تیر ۱۸۸۹ تاسیس انترناسیونال دوم
- ۱۳۲۴/۴/۱ - اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان برای اضافه دستمزد
- ۱۳۶۰/۴/۷ - انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و بهلاکت رسیدن عده ای از سردمداران رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی
- ۴/۲ - تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن ۱۹۶۹
- ۴/۴ - استقلال موزامبیک ۱۹۷۵
- ۵۵/۴/۸ - شهادت چریک فدائی خلق رفیق کبیر حمید اشرف و همزمانش
- ۱۴۰۳/۴/۱۲ - شهادت شاعر مردمی میرزاده عشقی بدست رژیم مزدور رضاخان
- ۳۰ تیر ۱۳۳۱ قیام مردم و بازگشت مصدق به نخست وزیری
- ۱۳۵۸/۴/۳۱ - کوچ مردم مریوان علیه تهدیدات جمهوری اسلامی
- ۲۷ تیر برابر با ۱۸ ژوئیه ۱۹۳۶ آغاز جنگ داخلی اسپانیا

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدایی خلق ایران



سرکوب، پاسخ جمهوری اسلامی به کارگران

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که در چپاول و سرکوب کارگران ستم دیده کشور ما تاکنون از هیچ جنایتی دریغ نکرده و اقدامات ضدکارگری اش شهره عام و خاص میباشد هر روز که میگذرد سرکوب کارگران مبارز را شدت و حدت بیشتری بخشیده و وقیحانه این سرکوب را تبلیغ هم میکند.

جمهوری اسلامی از یک طرف به انحاء گوناگون به چپاول و تاراج دسترنج کارگران میبرد از طرف دیگر در مقابل اعتراضات برجسته کارگران و مبارزه عادلانه آنها برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار دستگاه سرکوبگر خود را وحشیانه به کار می اندازد و با قتل و جنایت و تهدید و ارباب میکشد تا "نظم" دلخواه سرمایه داری وابسته را حفظ و حراست

نموده و شرایط استثمار کارگران را آماده تر سازد.

سرکوب خصوصیت بارز این رژیم دهنش در برخورد با طبقه کارگر است و بر همین اساس چندی پیش مهدوی کنی یکی از سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در سخنرانی اش در کارخانه ارج ضمن تهدید کارگران برای جلوگیری از اعتراض و اعتصاب آنها، گفت: "چنانچه عده ای با تحریک دیگران بخواهند دست به اعتصاب بزنند، باید بدانند که اعتصاب در یک کارخانه یا دو کارخانه یا اینطرف و آن طرف نه تنها هیچ فایده ای ندارد، بلکه سرکوب خواهد شد."

این سخنان بروشنی سیاست جمهوری اسلامی در مقابل کارگران و چهره در صفحه ۹

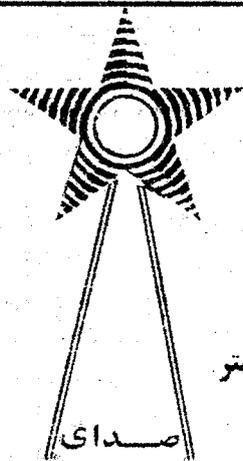
رفقای هوادار!

روز جمعه ۱۶ مرداد ماه ساعت پخش صدای چریکها از ۶/۵ بعد از ظهر به ۹ شب تغییر میکنند و عین همین برنامه در ساعت ۶/۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد نیز تکرار خواهد شد.

تغییر ساعت پخش صدای چریکها و اضافه شدن یک نوبت در ساعت ۶/۵ صبح به ساعات پخش برنامه های رادیو را به اطلاع توده ها برسانید.

با کیهکهای مانی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید



صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

ساعات پخش
۶/۵ بعد از ظهر و
۱۲ ظهر روز بعد

امواج کوتاه
ردیف های ۴۱ و ۷۵ متر

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

فرانسه

انگلستان

F. S
B. P.-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!